



آنفولانزا، ایدز و جمهوری اسلامی

وقتی مشکلات چنان روی هم تلنبار می‌شود که حتا مسائلی که با راهکارهای ساده می‌توان خسارات جانی و مالی آنها را جلوگیری کرد و یا کاهش داد، به یک بحران تبدیل می‌شود، آنوقت باید به بازنگری در مناسبات حاکم بر این جامعه پرداخت. باید دید چرا نه تنها بر مشکلات افزوده می‌شود بلکه آنها هم که قبلا حل شده بودند برمی‌گردند مثلا بیماری‌هایی مانند کچلی و سالک و یا جراثمی مانند زورگیری؛ و یا مشکلات نوظهور پیدا می‌شوند مانند جراثم مربوط به مهریه و آنچه قوانین و مقررات شرعی جمهوری اسلامی آنها را جرم تعریف می‌کند مانند نداشتن حجاب و نوشیدن الکل.

یک مقایسه تطبیقی می‌تواند به درک اهمیت نقش ساختار سیاسی و اقتصادی بر جوامع کمک کند. ساختارهایی که بطور مستقیم و نامستقیم به تولید فرهنگ نیز می‌پردازند و سرنوشت زندگی فردی و اجتماعی شهروندان خود را رقم می‌زنند. در یک نمونه که به تاریخ پیوسته می‌توان به آلمان شرقی و غربی توجه کرد. ملتی با تاریخ و فرهنگ مشترک که در پیامد یک جنگ بزرگ به دو «کشور» و «دولت» تبدیل شد! یکی با نظام سیاسی دموکراتیک و اقتصاد لیبرالی که آلمان غربی را به سرآمد اروپا و یکی از قدرت‌های اقتصادی جهان تبدیل کرد. دیگری با نظام سیاسی ایدئولوژیک و «اقتصاد برنامه» و بسته که سر میلیون‌ها تن را در دنباله‌روی از سیاست‌های اتحاد شوروی و «جنگ سرد» به دیوار برلین کوبید! سال‌هاست با اینکه آلمان دوباره یکی شده اما هنوز از پیامدهای ساختار ناکارآمد آلمان شرقی رنجور است.

نمونه دیگر که هنوز در برابر چشم است، زندگی یک ملت با تاریخ و فرهنگ مشترک در کره جنوبی و شمالی است! این دو جز گذشته‌شان با هیچ معیاری به یکدیگر شباهت ندارند! تردیدی نیست که آنها نیز زمانی یکی خواهند شد اما زخمی که ساکنان کره شمالی بر پیکر خود دارند، شاید فقط در طول دهه‌ها ترمیم شود.

می‌توان امروز و دیروز خود ایران را نیز مقایسه کرد: یک ملت با تاریخ و فرهنگ مشترک که آن را قرن‌ها در مقابل حملات خارجی و توطئه‌های داخلی حفظ کرده اما چهل سال است با ساختار سیاسی ایدئولوژیک و مذهبی و اقتصاد مافیایی و «خصلتی»، از زندگی ساقط شده است.

در چنین شرایطی یک بیماری نسبتا ساده مانند آنفولانزا و یا ایدز که دیگر می‌توان آن را مهار و درمان کرد، تازه در جمهوری اسلامی شایع و سبب مرگ و میر می‌شود! مشکل فقط در نظام بهداشت و درمان نیست چرا که وقتی مردم برای تغییر به خیابان‌ها می‌آیند، تازه خود نظام به عنوان مشکل اصلی آنها را به خاک و خون می‌کشد! مشکل، بحران، تنش، تشنج، بن‌بست، مانع، دیوار، خود نظام جمهوری اسلامی است!

جمهوری اسلامی و نگرانی‌های اروپا

آیا اروپا علاوه بر نگرانی از خرابکاری‌های جمهوری اسلامی در منطقه و خلیج فارس، نگران وضعیت حقوق بشر در ایران نیز هست؟



بر بستری جان برجام در وین؛ ۶ دسامبر ۲۰۱۹

سیاست خلاصه نمی‌شود، جغرافیا نیز در آن نقش مهمی را ایفا می‌کند.

تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

اسلامی از توافق هسته‌ای و بازگشت سریع این کشور به فعالیت‌های اتمی با اهداف نظامی، بدون شک یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای اروپایی است. این دغدغه تنها به

که حکایت از پیچیدگی روابط با جمهوری اسلامی و آمریکا دارد، و فرزند دغدغه‌ها و نگرانی‌های متفاوت اتحادیه اروپا و ۲۹ کشور عضو آن است. نگرانی اروپا از خروج جمهوری

سرویس سیاسی کیهان:

کشورهای اروپایی حاضر در توافق هسته‌ای همزمان نقش پلیس خوب و بد را در ارتباط با جمهوری اسلامی بازی می‌کنند. نقش دوگانه‌ای

نقش تازه اصلاح طلبان: «براندازی از درون نظام!»



اعتراضات سراسری آبان ۹۸ در ایران پیام روشن «نخواستن نظام جمهوری اسلامی» از سوی میلیون‌ها ایرانی را به گوش نظام رساند بطوری که دیگر دستاویزهای نخنما شده مانند «توطئه بیگانه» و «اقدامات دشمنان» و «نقشه بدخواهان» برای انکار این موج گسترده‌ی برخاسته از اراده ملی کارساز نیست.

در صفحه ۲

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اسر خلیان) برای نخستین بار ایجاد کننده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالته رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیما از طریق آدرس ads@kayhan.london یا کیهان لندن www.kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سور هرمز در لندن و کانپروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
 Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
 Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
 Ihex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
 Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
 UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
 Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

قرار نیست «چیزی» باقی بماند

در صفحه ۱۸

جدایی سرمربی بلژیکی از تیم ملی قطعی شد

آمریکا دعوت ایران از تیم‌های کشتی آن کشور را رد کرد

فروش «ساعتی» صندلی‌های اتوبوس‌های تهران با مبلغ بیشتر! صندلی اتوبوس هم نصیب آنهایی می‌شود که پول بیشتری دارند!

در صفحه ۱۰

کیهان منتشر کرد:

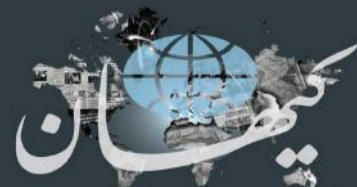
سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده

کتاب سقوط بهشت را از تاریخ ۲۳ فوریه تنها از کیهان لندن می‌توان خریداری کرد

قیمت: ۲۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست



KAYHAN LONDON
 NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

www.kayhanlife.com

جمهوری اسلامی و نگرانی‌های اروپا

● آیا اروپا علاوه بر نگرانی از خرابکاری‌های جمهوری اسلامی در منطقه و خلیج فارس، نگران وضعیت حقوق بشر در ایران نیز هست؟

از صفحه ۱

فاصله برخی از کشورهای اروپایی با ایران در حدی است که اگر ادعاهای موشکی زاماداران ایران با واقعیت منطبق باشند یا روزی تحقق پیدا کنند، می‌توانند جنوب اروپا را هدف قرار دهند. این تهدید اگر این موشک‌ها قادر به حمل کلاهک اتمی باشند و ایران قادر به تولید بمب هسته‌ای، حتی یک بمب هسته‌ای باشد، به کابوسی تبدیل خواهد شد که حتی تصور آن نیز برای بسیاری از دولتمردان اروپایی خارج از تحمل به نظر می‌رسد. کابوسی که خواب بسیاری از کشورهای منطقه را نیز به کابوس تبدیل ساخته است. اروپایی‌ها معتقدند در موقعیت کنونی بهترین روش برای جلوگیری از این واقعیت و یا به تعویق انداختن آن، وقت‌کشی است.

سیاست وقت‌کشی اروپا

یکی از ابزار این وقت‌کشی، وعده‌ی اجرایی کردن ساز و کار مالی یا «اینستکس» است. بیانیه شش کشور



اروپایی (بلژیک، دانمارک، فنلاند، نروژ، سوئد و هلند) مبنی بر آمادگی پیوستن به «اینستکس» را باید در همین رابطه در نظر گرفت. این ساز و کار مالی که قرار بود دقیقاً ۱۲ ماه پیش، در دسامبر ۲۰۱۸، اجرایی شود، هنوز کوچکترین گامی برای اجراش برداشته نشده است و بسیار بعید به نظر می‌رسد که بتواند از حد طرح عبور کند. اگر هم قدم به مرحله اجرایی بگذارد، هرگز نخواهد توانست حداقل خواست‌های جمهوری اسلامی را که فروش نفت و فرآورده‌های پتروشیمی است، پاسخگو باشد.

هیچ شرکت نفتی اروپایی حاضر نیست در شرایط کنونی از ایران حتی یک قطره نفت بخرد و ریسک در حاشیه قرار گرفتن در بازار آمریکا را بپذیرد. ایتالیا و یونان که در مرحله اول تحریم‌های نفتی آمریکا از معافیت برخوردار بودند، در آن دوران نیز حتی یک قطره نفت از جمهوری اسلامی نخریدند. البته آمادگی این ۶ کشور اروپایی برای پیوستن به «اینستکس» هم مشروط به عقب‌نشینی جمهوری اسلامی از گام‌هایی است که در ماه‌های گذشته در جهت تعلیق تعهدات برجامی خود برداشته است. اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی نیز به این واقعیت در روزهای گذشته اذعان کرد و در نشست «بیست و سومین سالروز ملی صادرات» خیلی روشن اعلام کرد که فشارهای تحریمی آمریکا در حدی تأثیرگذار بوده است که حتی کشورهای دوست و همسایه هم جرأت خرید نفت از جمهوری اسلامی را ندارند.

شکایت از جمهوری اسلامی به شورای امنیت

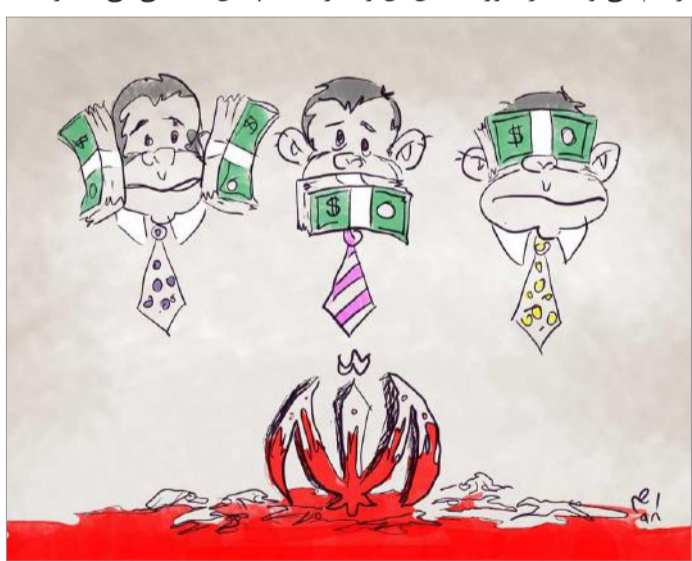
اروپایی‌ها که روز جمعه، ۶ دسامبر ۲۰۱۹، در وین در نشست با چین، روسیه و جمهوری اسلامی، به باین توافق بی‌جان برجام شتافتند، چند روز قبل از آن در نامه‌ای خطاب به آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل متحد، برنامه‌های موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را نقض قطعنامه ۲۲۳۱ خواندند و خواهان به بحث گذاشتن این مسئله در نشست ۲۰ دسامبر شورای امنیت شدند. در یکی از بندهای این قطعنامه از جمهوری اسلامی خواسته

شده است هرگونه فعالیت مرتبط با توسعه سیستم‌های موشکی بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را متوقف سازد. به احتمال زیاد در نشست ۲۰ دسامبر شورای امنیت سازمان ملل، دو مورد دیگر از نقض قطعنامه‌های این نهاد توسط جمهوری اسلامی نیز در دستور کار قرار خواهد گرفت. شورای امنیت جمهوری اسلامی را از فروش و حمل جنگ‌افزار و تسلیحات در خارج از مرزهایش منع کرده است. تنها در هفته گذشته اخباری مبنی بر ارسال موشک‌های هدایت‌شونده برای حوثی‌های یمنی و انبار کردن موشک‌هایی با برد محدود در خاک عراق، در انباری که رسماً به حشدالشعبی تعلق دارد، منتشر شد. ارسال موشک برای حوثی‌ها نقض قطعنامه دیگری نیز هست. سازمان ملل فروش و ارسال سلاح و تسلیحات برای شورشیان یمنی را نیز غیرقانونی اعلام کرده است. اگر اخباری که در این دو مورد منتشر شده‌اند تأیید شوند، جمهوری اسلامی در نشست

محتاطانه اروپا از خیزش مردمی در ایران و حتی عراق نیز دخیل هستند. یکی از همراهان جوزپه کونته نخست‌وزیر ایتالیا در اجلاس اخیر پیمان آتلانتیک که در بریتانیا برگزار شد، به کیهان لندن می‌گوید: «نگرانی‌ها از رفتار جمهوری اسلامی روز به روز رو به افزایش است. آنچه در داخل ایران می‌گذرد، دخالت‌های ایران در سوریه، عراق، لبنان و یمن، حمایت‌های نظامی تهران از حماس و جهاد اسلامی در غزه و از گروه‌های مشابه در بحرین، کویت و پادشاهی سعودی، از جمله مسائلی هستند که بدون استثنا در کلیه دیدارهای جانبی این نشست در دستور کار قرار داشتند.»

«صفر»های سرنوشت‌ساز

همین منبع در توجیه عدم محکومیت سرکوب شدید معترضین در جمهوری اسلامی از سوی کشورهای اروپایی به کیهان لندن می‌گوید: «در موقعیت کنونی ما نمی‌خواهیم وضعیتی به وجود آید که جمهوری اسلامی فعالیت‌های خرابکارانه‌اش را به کشورهای عضو پیمان آتلانتیک (ناتو) گسترش دهد. نگرانی ما از امکان گسترش فعالیت‌های خرابکارانه ایران در خاک کشورهایمان است و بر اساس اطلاعاتی که سرویس‌های امنیتی کشورهای اروپایی و آمریکا به دست آورده‌اند، جمهوری اسلامی ایران خود را آماده چنین عملیاتی می‌کند. وظیفه



ما قبل از حمایت از خواست‌های بحق مردم ایران، حفاظت از امنیت و جان مردم کشورهایمان است.» البته باید این مسئله را نیز در نظر داشت که تحریم اقتصاد ایران از جانب آمریکا که ۴۰ سال است روابط تجاری قابل توجهی با جمهوری اسلامی ندارد، قابل مقایسه با روابط اقتصادی اروپا با این کشور نیست. یکی دیگر از نگرانی‌های اروپا همین است که در صورت تغییر شرایط در ایران، موقعیت اقتصادی را که مدیون غیبت آمریکا، است، از دست دهد. وزن این نگرانی چه بسا بیشتر از نگرانی‌های کشورهای اروپایی درباره سرکوب و وحشیانه معترضین و نقض سیستماتیک حقوق اولیه شهروندان در جمهوری اسلامی باشد. چندی پیش یکی از فعالین حقوق بشر ایتالیایی با طنز تلخی گفت: «واحد اندازه‌گیری نقض حقوق بشر سرنوشت انسان‌ها نیست، بلکه صفحهای ارقام صادرات به کشور ناقض این حقوق است.»

خیزش مردم ایران قربانی اختلافات در غرب

در بررسی رفتار ضد و نقیض اروپا در جمهوری اسلامی، نمی‌توان برخی اختلاف نظرهای بین دو سوی آتلانتیک، یا اروپا و آمریکا را مد نظر نداشت. تصمیم یکجانبه آمریکا برای خروج از برجام، بدون رایزنی با کشورهای اروپایی، سیاست‌های اقتصادی کاخ سفید که محدودیت‌هایی برای واردات از اروپا را در بر می‌گیرد و همچنین اختلاف نظر در ارتباط با سیاست‌های احمد رأفت

نقش تازه اصلاح‌طلبان:

«براندازی از درون نظام!»

را در بیان خود برجسته کرده‌اند. در همین رابطه نیز بازوی آنها در مجلس شورای اسلامی دوباره به تبلیغ برای تعیین مکانی جهت برگزاری تجمعات و اعتراضات مردم پرداخته است.

با اینهمه، پیامدهای سنگین اعتراضات سراسری این برای جمهوری اسلامی آنقدر قابل توجه است که به سرعت تلاش کرد ضربه‌ی محکم از سوی مردم به مشروعیت پوسیده نظام را با اقداماتی سریع خنثی کند. نظامی که اصلاح خود را نپذیرفته حالا از استیصال و هراس فروپاشی، هم پذیرفت موسوی و کروبی و خاتمی سر از لاک بیرون آورده و شعارهای را در چهارچوب نظام تکرار کنند و هم به اصلاح‌طلبان برای دست‌برد به مفهوم «براندازی» میدان می‌دهد!

تلاش برای به دست گرفتن سکان کشتی نظام

در عین حال، برخی مواضع اصلاح‌طلبان نشان می‌دهد آنها آگاهانه می‌خواهند اعتراضات مردم را که فریاد می‌زنند «جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم نمی‌خواهیم!» به برخی مشکلات اقتصادی و معیشتی کاهش دهند و با هراس‌افکنی درباره هرج و مرج، براندازی از درون نظام را به عنوان یک پتانسیل به معترضان قالب کنند!

تنها راهکاری که آنها برای این اقدام در چینه دارند اینست که راه حل مشکلات اقتصادی کشور را برقراری ارتباط با آمریکا اعلام می‌کنند تا به این ترتیب فشار اعتراضات اجتماعی را به سمت شخص علی خامنه‌ای که ظاهراً با این رابطه مخالفت است، هدایت کرده و شاید با برجامی دیگر، بتوانند فضای تازه‌ای برای تنفس اقتصادی در نظام ایجاد کنند.

آنها در این اقدام بازی برد-بردی نیز با رقبای سیاسی خود به ویژه نیروهای تندرو را خواهند انداخت چرا که در ازای خدمت آنها برای حفظ نظام و خنثی کردن خطر جدی براندازی، خواستار کرسی‌های مجلس شورای اسلامی خواهند شد تا مسیر رانت اقتصادی را نیز برای خود باز نگه دارند.

اصلاح‌طلبان می‌دانند در شرایطی

خارج از چهارچوب نظام جمهوری اسلامی برنداشتند و تصور تنفس در هوای دیگری بجز نظام اسلامی را حتی به خیال خود نیز راه نداده‌اند! اما اعتراضات سراسری این ۹۸ و سرکوب شدید مردم به نقطه‌ی عطفی نیز برای اصلاح‌طلبان تبدیل شد. آنها از نخستین دقایق شکل‌گیری اعتراضات این، دوباره تقسیم‌کار کردند؛ برخی که به دولت نزدیکتر و رانت دریافتی‌شان چاق‌تر بود با استفاده مکرر از کدواژه‌هایی چون «ویرانی طلب»، «اغتشاشگر» و «خشونت‌طلب» درباره معترضان تلاش کردند عصبان عمومی جامعه را که حاصل عملکرد نظام است به عنوان یک شورش سازماندهی شده توسط «دشمنان» نشان دهند و میان معترضان و خاموشان جامعه مرزبندی کنند تا بین مردم شکاف ایجاد شود.

آندسته از اصلاح‌طلبانی که پیشتر هم کارکردشان به کار گرفتن زبان انتقادی درباره نظام بود، با برجسته کردن عبارت «مطالبات مردم» بدون اینکه نقدی بر اصل نظام وارد کنند تلاش کردند بخش‌هایی از نظام را سرزنش کرده و مورد نکوهش قرار دهند! در این میان اما اثرات و پیام جنبش این ۹۸ آنقدر گسترده و روشن است که اتاق فکر اصلاح‌طلبان پس از دو هفته مجبور شد بساط این بازی لورفته را جمع کند و تاکتیک دیگری بیندیشد تا خیزش بزرگ مردمی را در جهت اهداف خود به کار بگیرد. این تاکتیک وقتی جدی‌تر در دستور کار قرار گرفت که در اقدامی همزمان، میرحسین موسوی و مهدی کروبی و محمد خاتمی، که به سوپاپ‌های اطمینان نظام معروفند، در پیام‌هایی جداگانه ژست دفاع از مردم به خود گرفتند و سرکوب معترضان را مورد انتقاد قرار دادند.

هرچند در پیام‌های این سه تن، وفاداری به ارکان نظام سرکوبگر معترضان مستتر است اما همین پیام‌ها، ابزار مورد نظر را به دست اصلاح‌طلبان داد. آنها تلاش کردند مانور تبلیغاتی گسترده‌ای روی پیام‌های موسوی و کروبی و خاتمی بدهند. موسوی و کروبی در حالی از سوی آنها افراد «دلیر»، «شجاع» و «با

اعتراضات سراسری این ۹۸ در ایران پیام روشن «تخواستن نظام جمهوری اسلامی» از سوی میلیون‌ها ایرانی را به گوش نظام رساند بطوری که دیگر دستاویزهای نخرمانده مانند «توطئه بیگانه» و «اقدامات دشمنان» و «نقشه بدخواهان» برای انکار این موج گسترده‌ی برخاسته از اراده ملی کارساز نیست.

جنبش ملی ایرانیان علیه نظام سرکوبگر در حالی با وجود گلوله‌ها و باتوم‌ها و دستبندها و احضارها، محکم و امیدوار به راه خود ادامه می‌دهد که این بار مقامات جمهوری اسلامی به خوبی بوی الرحمن نظام را استشمام می‌کنند. در این میان، اصلاح‌طلبان که بیش از ۲۰ سال با قلمز «گفتگوی تمدن‌ها» و عبارات بی‌پایه مانند «مردمسالاری دینی» به بزک کردن نظام پرداختند، از اعتراضات سراسری دی‌ماه ۹۶ تا ۹۸ ماه ۹۸ این پیام مردم را شنیدند که «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا!»

ریزش شدید پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان در حالی که مردم کلیت نظام را نمی‌خواهند، و همچنین پیش‌رو بودن انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند ۹۸ موجب شده است که این طیف نظام در پی تغییر تاکتیک برای جلب توجه مردم به سوی خود باشند.

انتقاد از دولت روحانی، تَف سربلای اصلاح‌طلبان!

بسیاری از چهره‌های اصلاح‌طلب از دی‌ماه ۹۶ مرحله‌ی انتقادی در مواجهه به دولت روحانی را در دستور کار قرار داده‌اند. اقتصاددانان اصلاح‌طلبی که حضور دولت روحانی را راهگشا و آمدن رقبای او از جمله سیدابراهیم رئیسی را برابر با بدبختی و تحمیل فشار معیشتی به جامعه القا می‌کردند، جزو نخستین گروه‌هایی هستند که زبان انتقادی درباره سیاست‌های نداشت‌های دولت روحانی در حوزه اقتصاد به کار گرفته‌اند. نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس شورای اسلامی نیز که با موج «تکرار» وارد مجلس شده بودند تا حامی دولت حسن روحانی باشند، در یک تقسیم‌کار سازماندهی شده به دو دسته



تقسیم شده‌اند: برخی کارچاق‌کنی لویح دولت در مجلس را برعهده داشته‌اند و عده‌ای دیگر با گرفتن ژست منتقد دولت، تلاش می‌کردند پایگاه اجتماعی خود را حفظ کنند. با وجود این در ماه‌های گذشته عملکرد دولت روحانی در حوزه‌های مختلف آنقدر منفی است که هر عقل سلیمی بدون شک نمی‌تواند توجیه عامه‌پسندی برای کارنامه دولت ارائه دهد.

پروژه‌سازی به سبک اصلاح‌طلبان

درایت و دلسوز مردم خطاب شدند که بسیاری از اصلاح‌طلبان تا چند روز پیش همین مردم را «ویرانی‌طلب» و «اغتشاشگر» و «خشونت‌طلب» می‌خواندند! پروژه‌سازی به سبک اصلاح‌طلبان حالا از شوک و رخوت بیرون آمده و تلاش می‌کنند پروژه اصلاحات را با ترفند «براندازی از درون نظام»، عین اصلاحات از طریق «مشارکت پرشور و فعال در انتخابات»، به جامعه قالب کنند! آنها از دی‌ماه ۹۶ تا کنون تلاش کرده‌اند هر موضع و اقدامی از سوی نیروهای اپوزیسیون و حتی مردم معترض را «خشونت‌زا» اعلام کرده و «خشونت» را به عنوان ویژگی اصلی اعتراضات سراسری این برجسته کنند آنهم در حالی که ابزار خشونت و سرکوب بطور انحصاری در دست حکومت است! آنها همچنین آرام آرام عبارت «اعتراضات کنترل‌شده»

که مردم از کل نظام خشمگین و متنفرند، آنها خارج از کشتی نظام زدوتر غرق خواهند شد پس تلاش دارند با سوء استفاده از اعتراضات مردم، سکان کشتی را به دست بگیرند! آنها برای هدایت کشتی و جلوگیری از اصابت آن به صخره‌ی فروپاشی، ظاهراً روی کشتاننده مردم پای صندوق رأی و خنثی کردن موج اعتراضات با «براندازی از درون نظام» حساب کرده‌اند.

اشتباه محاسباتی اصلاح‌طلبان اما این است که هنوز برای خود و رهبران‌شان اندکی محبوبیت قائل هستند و ظاهراً نمی‌دانند که چهار دهه سهم بودن در رانت و فساد و جنایت و خیانت علیه مردم، موقعیت آنها را که دودوزه بازی می‌کنند، در نزد مردم به اندازه‌ی اصولگرایان وخیم کرده است! اکنون «زمان انتخاب» فرا رسیده و آنها دیر یا زود باید بپذیرند که «دیگه تمومه ماجرا!» روشنگ آسترکی

دونالد ترامپ: آمریکا از مردم شجاع ایران که برای آزادی خود تظاهرات می‌کنند حمایت می‌کند؛ حسن روحانی: ترامپ تحریم‌ها را بردارد من ساعت بعد ملاقات می‌کنم!

تظاهرات می‌کنند حمایت می‌کند. ما در دستگاه دولت ترامپ از مردم ایران حمایت کردیم و همیشه هم خواهیم کرد. یک روز بعد از موضع‌گیری رئیس جمهوری آمریکا، حسن روحانی روز چهارشنبه ۱۳ آذر در سخنانی به شرح آنچه حدود سه ماه پیش در حاشیه نشست سازمان ملل در نیویورک اتفاق افتاد پرداخت و گفت «ترامپ تحریم‌ها را بردارد من ساعت بعد ملاقات می‌کنم»



او در بخش دیگری از سخنانش موضوع ملاقات را جور دیگر بیان کرد و گفت «بلافاصله بعد از لغو تحریم‌ها سران ۵-۱ می‌توانند با هم ملاقات کنند» روحانی همچنین به جزئیاتی از اعتراضات آبان‌ماه اشاره کرد و گفت هیأتی سه نفره از وزیر کشور و وزیر دادگستری و معاون حقوقی رئیس جمهور برای رسیدگی به آنچه در اعتراضات گذشت تشکیل داده است. او ادعا کرد گروهی از دو سال پیش برای اغتشاش برنامه‌ریزی کرده بودند و قرار بود در دی‌ماه و نزدیک انتخابات مجلس در اسفندماه دست به آشوب بزنند اما بعد از گران شدن قیمت بنزین اربابانشان دستور دادند به خیابان بریزند!

روحانی هیچ اشاره‌ای به تعداد کشته‌شدگان نکرد و ادعا کرد اغتشاشگران به مردم تیراندازی کردند! سازمان دیده‌بان حقوق بشر در بیانیه‌ای اعلام کرده است که مقامات ایران سرکوب گسترده معترضان را مخفی نگه داشته و از اعلام آمار دقیق کشته‌شدگان خودداری می‌کنند. سازمان عفو بین‌الملل در آخرین گزارش خود از سرکوب اعتراضات مردم در آبان اعلام کرد حداقل ۲۰۸ نفر کشته شده‌اند.

است که هزاران نفری که در ایران دارند کشته می‌شوند فقط معترض‌اند. اوضاع بدیست، شمار کشته‌شدگان بالاست، که این واقعا بد است.»

ترامپ در ادامه، در پاسخ به خبرنگاری که پرسید آیا آمریکا می‌تواند کار بیشتری انجام دهد گفت: «ترجیح می‌دهم فعلا چیزی نگویم. بسیار وحشتناک است و من فکر می‌کنم جهان باید اوضاع را زیر نظر داشته باشد. تعداد زیادی از مردم ایران در حال حاضر برای اعتراض کردن در حال کشته شدن هستند، فقط به این دلیل که اعتراض می‌کنند.»

پرسش این خبرنگار از ترامپ با یک حاشیه جنجالی در رسانه‌ها روبرو شد. او سوال را با مکث پاسخ داد و گفت «نه... نه!» «آه» خوراک رسانه‌هایی شد که احتمالا آرزوی شنیدن آن را در ذهن می‌پروراندند که بشنوند آمریکا نمی‌خواهد در رابطه با اعتراضات مردم ایران حمایتی انجام دهد. اما ساعتی بعد او دقیق و مشخص در توییتی نوشت: «ایالات متحده آمریکا از مردم شجاع ایران که برای آزادی خود

● رئیس جمهوری آمریکا در حاشیه نشست ناتو: آنها اینترنت را قطع کردند تا ندانیم آنجا چه اتفاقی می‌افتد. هزاران نفر در ایران در حال حاضر کشته می‌شوند.

● «جهان باید به خشونت‌ها در ایران و کشتار معترضان توجه کند.»

● ترامپ در توییتی نوشت، ما در دستگاه دولت ترامپ از مردم ایران حمایت کرده‌ایم و همیشه هم خواهیم کرد! حسن روحانی یک روز بعد از اظهارات ترامپ بار دیگر بحث مذاکره را در صورت برداشته شدن همه تحریم‌ها پیش کشید.

رئیس جمهوری آمریکا، سه‌شنبه ۳ دسامبر (۱۳ آذرماه)، در حاشیه نشست ناتو در لندن درباره شدت سرکوب معترضان در ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی گفت، «درست در همین لحظه که ما صحبت می‌کنیم، ایران در حال کشتن شاید هزاران نفر از مردم است.»

دونالد ترامپ با اشاره به قطع اینترنت در ایران گفت: «آنها اینترنت را قطع کردند تا ندانیم آنجا چه اتفاقی می‌افتد. هزاران نفر در ایران در حال حاضر کشته می‌شوند. واقعا نمی‌دانم شما خبرنگاران چطور وارد آنجا می‌شوید، نمی‌دانم نحوه کار شما چطور است، اما رسانه‌ها باید به آنجا [ایران] بروند و ببینند چه می‌گذرد. موضوع این

برایان هوک: رژیم ایران بیش از هزار نفر را در حوادث اخیر کشته است



برایان هوک

صورت وحشیانه‌ای مرتکب تخلفات حکومت تهران طبق مواد قانون اساسی وعده حمایت از آزادی بیان و مطبوعات را به مردم داده‌اند. قانون اساسی ایران هم بر آزادی گردهمایی و راهپیمایی‌های عمومی صحنه گذاشته و این امور از مواد حقوق بشر نیز قلمداد می‌شوند. او اضافه کرد: رژیم جمهوری اسلامی در چهل سال گذشته به

خواهد گذاشت. وی ادامه داد: رهبران حکومت تهران طبق مواد قانون اساسی وعده حمایت از آزادی بیان و مطبوعات را به مردم داده‌اند. قانون اساسی ایران هم بر آزادی گردهمایی و راهپیمایی‌های عمومی صحنه گذاشته و این امور از مواد حقوق بشر نیز قلمداد می‌شوند. او اضافه کرد: رژیم جمهوری اسلامی در چهل سال گذشته به

نماینده ویژه آمریکا در امور ایران پنجشنبه شب این هفته گفت: گزارش‌هایی در دست داریم که ثابت می‌کند نیروهای امنیتی و پلیس جمهوری اسلامی، در جریان اعتراضات اخیر مردم علیه رژیم تهران بیش از هزار نفر از تظاهرکنندگان را کشته است.

برایان هوک که در یک جلسه خبری در وزارت خارجه آن کشور صحبت می‌کرد به خبرنگاران گفت: اطلاعاتی در اختیار داریم که نیروهای وابسته به حکومت بیش از هزار نفر را به قتل رسانده و نزدیک به ۷ هزار تن را نیز دستگیر و زندانی کرده‌اند. وی تعداد مجروحان حمله نیروهای سپاه، بسیج و پلیس به مردم را نیز بسیار زیاد دانست. هوک یادآور شد: رژیم حاکم بر ایران پایگاهی در بین مردم آن کشور ندارد و تنها به لطف بازوی امنیتی و سرکوب، قدرت را حفظ کرده است. برایان هوک پیشتر هم در پیامی به مردم ایران از اعتراضات اخیر آنها حمایت کرده و گفته بود که آمریکا تحریم‌های بیشتری علیه ناقضان حقوق بشر در ایران به اجرا

اعتراض سه کشور اروپایی به توسعه موشک‌های بالستیک توسط جمهوری اسلامی؛ سپاه پاسداران در عراق زرادخانه موشکی مخفی ایجاد کرده



آزمایش موشک شهاب سه در بیابان‌های مرکزی ایران توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

● سه کشور اروپایی عضو برجام از جمهوری اسلامی ایران به دلیل ساخت موشک با قابلیت حمل کلاهک اتمی اعتراض کرده‌اند.

● نیویورک تایمز در گزارشی به نقل از منابع آمریکایی گزارش داده که جمهوری اسلامی با سوء استفاده از ناآرامی‌های عراق در خاک این کشور موشک‌های بالستیک انبار کرده است.

● وال استریت ژورنال: دولت ترامپ در حال بررسی طرح اعزام نیروهای بیشتر به خاورمیانه از جمله ۱۴ هزار نیروی نظامی به این منطقه است.

● آلیسا فرح سخنگوی پنتاگون در یک رشته توییت ادعای وال استریت ژورنال را رد کرد.

سه کشور اروپایی هنوز عضو برجام در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد از جمهوری اسلامی ایران به دلیل توسعه موشک‌های بالستیک با توانایی حمل کلاهک هسته‌ای اعتراض کرده‌اند.

آزمایش موشک شهاب سه در بیابان‌های مرکزی ایران توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به گزارش بلومبرگ نمایندگان فرانسه، آلمان و بریتانیا در نامه‌ای مشترک به آنتونیو گوتیش دیبرکل سازمان ملل گفته‌اند اقدامات ایران برای ساخت موشک‌های بالستیک با توانایی حمل کلاهک اتمی مغایر قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است. این قطعنامه که پس از توافق اتمی در سال ۲۰۱۵ صادر شد و بر اساس آن ایران مشمول برخی محدودیت‌ها در زمینه تسلیحاتی و فعالیت‌های اتمی شد و در مقابل تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران لغو شد.

نماینده‌گان سه کشور اروپایی از دبیرکل سازمان ملل خواسته‌اند تا در گزارش بعدی خود به شورای امنیت در مورد پیشرفت اجرای قطعنامه ۲۲۳۱، محتوای نامه این سه کشور را نیز گزارش کند.

در نامه کشورهای اروپایی به یک ویدئو اشاره شده که ۲۲ آوریل سال ۲۰۱۹ در رسانه‌های اجتماعی منتشر

شد. این فیلم آزمایش نوع جدیدی از موشک میان‌برد شهاب-۳ را نشان می‌داد که دارای تجهیزات MARV بود. این موشک‌ها قادر به حمل کلاهک هسته‌ای هستند.

شورای امنیت سازمان ملل، پنجشنبه ۱۹ دسامبر (۲۸ آذرماه)، در جلسه‌ای نحوه‌ی اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ را بررسی کرد. در جلسه سال گذشته، وزیر خارجه آمریکا از اعضای شورا خواست که برنامه ایران در زمینه موشک‌های قادر به حمل کلاهک اتمی را تحریم کنند.

نامه اروپایی‌ها به دبیرکل سازمان ملل از پیامدهای نقض تعهدات برجام توسط جمهوری اسلامی است با این حال برخی تحلیلگران معتقدند شرایط داخلی ایران به ویژه سرکوب گسترده اعتراضات و نقض حقوق بشر توسط رژیم ایران در کاهش مماشات اتحادیه اروپا با تهران بی‌تاثیر نیست. در دو ماه گذشته دست‌کم در سه بیانه کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه به حکومت ایران هشدار دادند که نقض برجام ممکن است به فعال شدن «مکانیسم ماشه» منجر شود که به معنی بازگشت تحریم‌های سازمان ملل است. طبق قطعنامه ۲۲۳۱ ارجاع شکایت در مورد نقض برجام به شورای امنیت می‌تواند به بازگشت تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران منجر شود.

● زرادخانه مخفی موشکی در خاک عراق همزمان مقامات اطلاعاتی و نظامی آمریکا بر اساس گزارش‌های میدانی گفته‌اند رژیم ایران با سوء استفاده از اعتراضات عراق در خاک این کشور اقدام به ایجاد زرادخانه مخفی برای موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد خود کرده است.

همزمان مقامات اطلاعاتی و نظامی آمریکا بر اساس گزارش‌های میدانی گفته‌اند رژیم ایران با سوء استفاده از اعتراضات عراق در خاک این کشور اقدام به ایجاد زرادخانه مخفی برای موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد خود کرده است. روزنامه نیویورک تایمز به نقل از مقامات نظامی و اطلاعاتی آمریکا

شد. این فیلم آزمایش نوع جدیدی از موشک میان‌برد شهاب-۳ را نشان می‌داد که دارای تجهیزات MARV بود. این موشک‌ها قادر به حمل کلاهک هسته‌ای هستند.

شورای امنیت سازمان ملل، پنجشنبه ۱۹ دسامبر (۲۸ آذرماه)، در جلسه‌ای نحوه‌ی اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ را بررسی کرد. در جلسه سال گذشته، وزیر خارجه آمریکا از اعضای شورا خواست که برنامه ایران در زمینه موشک‌های قادر به حمل کلاهک اتمی را تحریم کنند.

نامه اروپایی‌ها به دبیرکل سازمان ملل از پیامدهای نقض تعهدات برجام توسط جمهوری اسلامی است با این حال برخی تحلیلگران معتقدند شرایط داخلی ایران به ویژه سرکوب گسترده اعتراضات و نقض حقوق بشر توسط رژیم ایران در کاهش مماشات اتحادیه اروپا با تهران بی‌تاثیر نیست. در دو ماه گذشته دست‌کم در سه بیانه کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه به حکومت ایران هشدار دادند که نقض برجام ممکن است به فعال شدن «مکانیسم ماشه» منجر شود که به معنی بازگشت تحریم‌های سازمان ملل است. طبق قطعنامه ۲۲۳۱ ارجاع شکایت در مورد نقض برجام به شورای امنیت می‌تواند به بازگشت تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران منجر شود.

● زرادخانه مخفی موشکی در خاک عراق همزمان مقامات اطلاعاتی و نظامی آمریکا بر اساس گزارش‌های میدانی گفته‌اند رژیم ایران با سوء استفاده از اعتراضات عراق در خاک این کشور اقدام به ایجاد زرادخانه مخفی برای موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد خود کرده است.

همزمان مقامات اطلاعاتی و نظامی آمریکا بر اساس گزارش‌های میدانی گفته‌اند رژیم ایران با سوء استفاده از اعتراضات عراق در خاک این کشور اقدام به ایجاد زرادخانه مخفی برای موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد خود کرده است. روزنامه نیویورک تایمز به نقل از مقامات نظامی و اطلاعاتی آمریکا

توقیف یک کشتی حامل قطعات موشک‌های ایرانی برای حوثی‌های یمن



حوثی‌های یمن مورد حمایت جمهوری اسلامی

مقادیر سنگینی اسلحه و قطعات موشک حمل می‌کرده است. ۱۹ دی‌ماه سال ۱۳۹۶ علی دریای عرب محدوده آب‌های سواحل شرقی کشور عمان تا دهانه دریای سرخ است. جمهوری اسلامی ایران با وجود تحریم‌ها بارها قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را زیر پا گذاشته و اقدام به انتقال سلاح

مقادیر سنگینی اسلحه و قطعات موشک حمل می‌کرده است. ۱۹ دی‌ماه سال ۱۳۹۶ علی دریای عرب محدوده آب‌های سواحل شرقی کشور عمان تا دهانه دریای سرخ است. جمهوری اسلامی ایران با وجود تحریم‌ها بارها قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را زیر پا گذاشته و اقدام به انتقال سلاح

● منابع آگاه می‌گویند که این رویداد نشان می‌دهد روند قاچاق اسلحه و ارسال غیرقانونی تجهیزات نظامی از سوی جمهوری اسلامی به شورشیان حوثی در یمن همچنان ادامه دارد.

● افسران ناوشکن «یو اس اس فارست شرمن» می‌گویند در حال گشت‌زنی بودند که متوجه حرکت یک لنج کوچک می‌شوند که هیچ پرچم و مشخصاتی نداشت.

یک ناو نیروی دریایی آمریکا محموله‌ای از قطعات موشک‌را که از ایران برای یمن ارسال شده بود ضبط کرد. مقام‌های آمریکایی، چهارشنبه ۳ دسامبر (۱۳ آذر)، اعلام کردند یک کشتی کوچک حامل مقادیر زیادی از قطعات مربوط به موشک‌های هدایت‌شونده ایرانی که برای شورشیان یمن ارسال شده بود را کشف و ضبط کرده‌اند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از یک مقام آمریکایی نوشت کشتی یادشده چهارشنبه گذشته در آب‌های شمال دریای عرب توسط نیروی دریایی آمریکا و یک تیم گارد ساحلی همراه آنها توقیف شد.

منابع آگاه می‌گویند که این رویداد نشان می‌دهد روند قاچاق اسلحه و ارسال غیرقانونی تجهیزات نظامی به شورشیان حوثی در یمن همچنان از سوی جمهوری اسلامی ادامه دارد. به گزارش ABC افسران ناوشکن «یو اس اس فارست شرمن» می‌گویند در حال گشت‌زنی بودند که متوجه حرکت یک لنج کوچک می‌شوند که هیچ پرچم و مشخصاتی نداشت. این لنج متوقف می‌شود و سپس در ساحل مشخص شده که

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

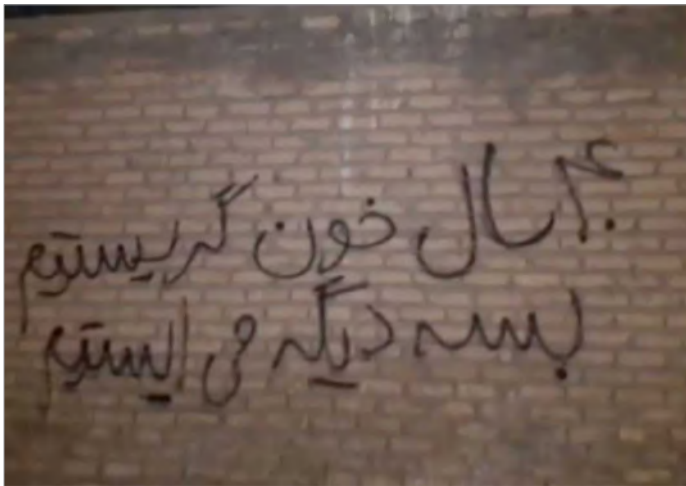
ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن: 020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-7760 7160
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون اعتراضات سراسری آبان ۹۸



و شلیک مستقیم به مردم و به قتل رساندن تعداد زیادی از آنها تا گسیل نیروهای گارد ویژه به خیابان‌ها و قطع اینترنت که اصلی‌ترین راه برقراری ارتباط بین مردم برای اعتراضات‌شان بود، اما خشم جامعه نه تنها فرو نخوابیده بلکه هنوز از ترس شروع دوباره اعتراضات، اینترنت در بسیاری از نقاط کشور توسط اپراتورهای اصلی متصل نگه داشته است.

چپاولگران و غارتگرانی که جامعه ایران را به فلاکت کشانده‌اند خواهند دید که نمی‌توانند جامعه را وادار به خودکشی نمایند و جنبش عظیم علیه فقر و فلاکت در امتداد اعتراضات خود قاطعانه ایجاد تغییرات بنیادین اجتماعی و اقتصادی را محقق خواهد ساخت و در دوره آتی جنبش کارگری به عنوان نقطه ثقل اصلی جنبش عظیم مردمی در ایران با ورود به اعتصابات گسترده در کنار تسخیر خیابان‌ها توازن اجتماعی کنونی را دگرگون خواهد ساخت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن ابراز همدردی با خانواده کشته‌شدگان آبان‌ماه، به مردم معترض درودمی فرستد و اعلام می‌دارد که تنها راه برون‌رفت طبقه کارگر و کل جامعه از وضعیت فلاکت‌بار کنونی، تغییر مناسباتی است که در بن‌بست همه جانبه خود این وضعیت را تداوم می‌بخشد. کارگران و تمامی مزدبگیران و کل اقشار تحت ستم جامعه به درست طریق خویش را یافته‌اند و در پس این سرکوب‌ها و در نزدیک‌ترین فرصت ممکن باز به پیگیری خواست و مطالبات خویش به شکلی قدرتمندتر دست خواهند زد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
آذرماه ۹۸

نهادهای امنیتی از ترس گسترش و تداوم اعتراضات از روز یکشنبه اقدام به قطع سراسری شبکه اینترنت در کل کشور نمودند تا از این طریق، هم در هماهنگ شدن مردم برای ادامه حضور در خیابان‌ها خلل وارد کنند و هم کشتار و جنایات سبغانه خویش را از چشم جهانیان پنهان دارند.

از چهار دهه قبل که روند مناسبات طبقاتی در ایران وارد دوره نوینی شد حاکمیت سرمایه‌داران با تعرض هر چه شدیدتر به طبقه کارگر و کل جامعه و سرکوب و اختناق تمام‌عیار، هر چه بیشتر به زیست و معیشت آحاد جامعه تعدی کرده و جامعه را به فلاکتی عمومی کشانده است.

ما بارها گفته بودیم که طبقه کارگر اقدامی خودجوش اما هماهنگ جمعیت گسترده‌ای با توقف خودروها در خیابان اقدام به راه‌بندان و سپس راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی نمودند. از همان لحظات ابتدایی شروع اعتراضات، نیروهای امنیتی و انتظامی که از روز گذشته شهرها را به حالت حکومت نظامی درآورده بودند با یورش وحشیانه به مردم معترض دست به سرکوب و ضرب و شتم و کشتار مردم زدند و در مقابل، جمعیتی که در طی سال‌ها تحت فشارهای گسترده معیشتی و فقر و فلاکت و بیکاری جانشان به لب رسیده بود به مقاومت جانانه‌ای دست زدند.

خیزش بزرگ مردمی که شامل کارگران و تمامی اقشار کم درآمد و رنج‌دیده جامعه می‌شد تمامی کشور را درنوردید و بیشتر از صد شهر را به صحنه اعتراض تبدیل نمود. جنبش عظیم اعتراضی مردم ایران به خوبی دریافته بود که گران شدن بنزین آغاز دور جدیدی از تحمیل گرانی و فقر و فلاکت به اکثریت جامعه است. ایرانی، از خاکریزهای جنوب گرفته تا کف خیابان‌های تهران و مشهد، گلگون شده. باید از هم‌اکنون تکلیف فرقه‌ی حاکم و بیت‌آن‌را از ساختارهای متعارف کشورداری و دولت متمایز کرد. که فردا از سران دولت هیچ عذری پذیرفته نخواهد بود. امروز، دو سالی پس از آن خیزش، تندباد مهینی و مردمی آبان، ضرورت بازاندیشی و آماده‌سازی مردم و کشور برای فروپاشی نظام را دو چندان کرده چرا که فروپاشی حتمی است و باید برای آن آماده شد.

کارگران و تمامی مزدبگیران و کل اقشار تحت ستم جامعه به درست طریق خویش را یافته‌اند و در پس این سرکوب‌ها و در نزدیک‌ترین فرصت ممکن باز به پیگیری خواست و مطالبات خویش به شکلی قدرتمندتر دست خواهند زد.

اتحادیه آزاد کارگران در بیانیه‌ای اعتراضات سراسری آبان ۹۸ را «اعتراضات قدرتمند مردمی» خوانده که به صورت «خودجوش» شکل گرفت. این اتحادیه نوشته است: «جمعیتی که در طی سال‌ها تحت فشارهای گسترده معیشتی و فقر و فلاکت و بیکاری جانشان به لب رسیده بود به مقاومت جانانه‌ای دست زدند.» در ادامه این بیانیه آمده است: «خشم جامعه نه تنها فرو نخوابیده بلکه هنوز از ترس شروع دوباره اعتراضات، اینترنت در بسیاری از نقاط کشور توسط اپراتورهای اصلی متصل نگه داشته است.» متن کامل این بیانیه به شرح زیر است: چند ساعت پس از اعلام افزایش سه برابری نرخ بنزین در روز جمعه ۲۴ آبان، مردم در تعدادی از شهرهای کشور به خیابان‌ها آمدند و دست به اعتراض زدند.

روز شنبه ۲۵ آبان در ده‌ها شهر و در اقدامی خودجوش اما هماهنگ جمعیت گسترده‌ای با توقف خودروها در خیابان اقدام به راه‌بندان و سپس راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی نمودند. از همان لحظات ابتدایی شروع اعتراضات، نیروهای امنیتی و انتظامی که از روز گذشته شهرها را به حالت حکومت نظامی درآورده بودند با یورش وحشیانه به مردم معترض دست به سرکوب و ضرب و شتم و کشتار مردم زدند و در مقابل، جمعیتی که در طی سال‌ها تحت فشارهای گسترده معیشتی و فقر و فلاکت و بیکاری جانشان به لب رسیده بود به مقاومت جانانه‌ای دست زدند.

خیزش بزرگ مردمی که شامل کارگران و تمامی اقشار کم درآمد و رنج‌دیده جامعه می‌شد تمامی کشور را درنوردید و بیشتر از صد شهر را به صحنه اعتراض تبدیل نمود. جنبش عظیم اعتراضی مردم ایران به خوبی دریافته بود که گران شدن بنزین آغاز دور جدیدی از تحمیل گرانی و فقر و فلاکت به اکثریت جامعه است. ایرانی، از خاکریزهای جنوب گرفته تا کف خیابان‌های تهران و مشهد، گلگون شده. باید از هم‌اکنون تکلیف فرقه‌ی حاکم و بیت‌آن‌را از ساختارهای متعارف کشورداری و دولت متمایز کرد. که فردا از سران دولت هیچ عذری پذیرفته نخواهد بود. امروز، دو سالی پس از آن خیزش، تندباد مهینی و مردمی آبان، ضرورت بازاندیشی و آماده‌سازی مردم و کشور برای فروپاشی نظام را دو چندان کرده چرا که فروپاشی حتمی است و باید برای آن آماده شد.

بیانیه شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت خیزش آبان‌ماه ۹۸:

فروپاشی حتمی است و باید برای آن آماده شد



کمتراز دو سال، لُخت و نمایان شد، طالحی فاسق و غریبان. دروغی که به نام مستضعفان از ایمان مردم پیراهن عثمان دوخت و کشوری را غصب کرد تا برای بقای خود، مستضعفان را به ربگبار ببندد. آبان ۹۸ ناقوس مرگ تبهکاران را چنان به صدا در آورده که طنین آن کماکان در چهارگوشه‌ی جهان به گوش می‌رسد. طنینی که بیش از پیش در اذهان سیاستمداران با این پرسش همراه شده که چگونه می‌توان برای سقوط اجتناب‌ناپذیر جمهوری اسلامی آماده شد؟

هم‌میهنان عزیزم،

کمتراز دو سال پیش در چنین روزهایی، پس از خیزش دی‌ماه، در سخنانی خطاب به جامعه‌ی مدنی ایران، ضمن تأکید بر نزدیک‌بودن و اجتناب‌ناپذیربودن روند سقوط جمهوری اسلامی، یادآور شده بودم که چشم‌انداز فروپاشی نظام و پس از آن، ضرورت سازمان دادن به یک اتوریتیه‌ی نوین را بیش از هر زمان دیگری در برابر ما ایرانیان گذاشته است. فروپاشی یک نظام سیاسی به آماده‌سازی نیاز دارد.

رهبری سیاسی چنین اتوریتیه‌ی بازسازی شده‌ای است که می‌تواند گذار به یک نظام کارآمد را کم‌هزینه‌تر کند.

تحت رهبری سیاسی همین اتوریتیه‌ی نوین است که می‌توان در دوران گذار به مطالبات جامعه‌ی مدنی رسیدگی کرد. «کوسیتسم سیاسی مدرن و پایداری» که نزدیک به دو سال پیش به آن اشاره کرده بودم، از دل همین فرآیند و همین جامعه‌ی مدنی بر خواهد خاست. همانجا یادآور شده بودم که در نبود چنین بدیلی، خلاء قدرتی را که با سقوط جمهوری اسلامی پدید خواهد آمد، نیروی دیگری پر خواهد کرد؛ نیرویی که نگران مدنیت نخواهد بود. گفته بودم که «فرصت گران است و خطر در کمین» و بازسازی یک اتوریتیه‌ی ملی و ملی‌اندیش، «در هرج و مرج ممکن نخواهد بود». امروز، دو سالی پس از آن خیزش، تندباد مهینی و مردمی آبان، ضرورت بازاندیشی و آماده‌سازی مردم و کشور برای فروپاشی نظام را دو چندان کرده چرا که فروپاشی حتمی است و باید برای آن آماده شد.

امروز بیش از دیروز، «در برابر دوگانه‌ای سهمگین» قرار داریم؛ دوگانه‌ی بقا یا انقراض. مسئولیت ملی و تاریخی هر یک از ما در این بزرگ‌نگاه دوران‌ساز این است که با تشخیص درست شاخص‌های انسانی و گفتگمانی نیرویی که بتواند به چنین اتوریتیه‌ی شکل بدهد، راه را برای بازسازی کشور در چارچوب مدنیتی نوین هموار کنیم.

هم‌میهنانم،

در سوگ جوانان وطن بودن، بخشی از مهر و از آداب ماست. ولی هدف ما باید این باشد که لاله‌زارهای ایران آینده، نه از خون جوانان وطن، نه از اشک مادران و بازماندگان، که از شادی و از استعداد آنها برویند. هدف ما دستیابی به چنین ایرانی است و دستیابی به چنین هدف والایی به آمادگی ملی و به آماده‌سازی نیاز دارد.

هم‌میهنانم،

بازسازی اتوریتیه‌ی سیاسی نوین برای رهبری فرآیند گذار باید از هم‌اکنون آغاز شود. همین رهبری سیاسی است که سرانجام کشور را برای گذار حقوقی، سیاسی و اقتصادی، مبتنی بر صندوق رأی، از حکومت اسلامی به حکومت ایرانی، آماده خواهد کرد.

در سوگ جوانان وطن بودن، بخشی از مهر و از آداب ماست. ولی هدف ما باید این باشد که لاله‌زارهای ایران آینده، نه از اشک مادران و بازماندگان، که از شادی و از استعداد آنها برویند. هدف ما دستیابی به چنین ایرانی است و دستیابی به چنین هدف والایی به آمادگی ملی و به آماده‌سازی نیاز دارد.

در سوگ جوانان وطن بودن، بخشی از مهر و از آداب ماست. ولی هدف ما باید این باشد که لاله‌زارهای ایران آینده، نه از اشک مادران و بازماندگان، که از شادی و از استعداد آنها برویند.

هدف والایی به آمادگی ملی و به آماده‌سازی نیاز دارد.

رویدادی بزرگ در راه است. نگاه ایران به شماس‌ت. نگاه معلم، نگاه کارگر، نگاه دهقان، پیر و جوان، زن و مرد. دی رفت و آبان آمد. دی دیگری و آسانی دیگر می‌آید، گسترده تر، خروشان تر، میهنی تر از گذشته. فروپاشی حکومت اسلامی قطعی است.

فراهم آوردن ابزارهای

آمادگی ملی برای رهبری سیاسی دوران گذار، مسئولیت همگی ماست. به عنوان یک سرباز، لحظه‌ای برای به دوش گرفتن سهم خود در این کارستان ملی از پا نخواهم نشست... هر چند ابزارهای سیاسی را باید به دست توانای سیاستمداران دانا سپرد.

هم‌میهنان مهربان و دلاور من، خیزش دلاورانه، میهنی و حق‌طلبانه‌ی شما در دی‌ماه ۹۶، در فقر زمستان‌چهل‌ساله‌ی جهالت و فلاکت تحمیلی آن، سرفصل نوینی بود در تاریخ معاصر ایران. نویدی که پایان شب سیه نزدیک است و سرزمین ما ایستن بهاری نو در عمر پر فراز و نشیب. با خیزشی که به نمادین‌ترین شکلی از گوه‌رشاد مشهد آغاز شد، تمام چارچوب‌های تحلیلی استخوان‌پوکیده در هم شکسته شدند و چارچوبی نوین جایگزین تحلیل‌های عقیم شد. دی‌ماه ۹۶ می‌رفت تا در تندبادی از خواست برحق شما، طومار نظریه‌پردازان شکست و وکلای اهریمن را در هم بیچد.

کمتراز دو سال پس از آن خیزش ملی، تهدیدستانی که همه‌چیزشان را برده‌اند، گام به گام با زنان و جوانان، از کلان‌شهر و شهر و شهرستان بپا خاستند تا حماسه‌ای نو بیافرینند. تهرانی به یاری شهرستانی رفت، گرد به کمک آذری، خوزستانی به مدد شیرازی و گیلانی... و بار دیگر در تاریخ میهن، در سرزمین سیاه‌جامگان و خرم‌دینان، بهزادان و بابکان، ایران در خیزشی سراسری، در ایستادگی‌اش در برابر دشمن، با قیام خود دوباره ملی شد، از کران تا کران، از کردستان تا خراسان، از شمال تا جنوب. ترسان و لرزان‌تر از همیشه، ضحاک زمانه مرگ خود را در فاق می‌بیند. بیت فساد در حال فروپاشی است. میرغضب‌هایش وحشت‌زدانده، دزدان‌سراسیمه گرفتار در شن‌های روان، منزوی در جهان، منفور در ایران، تبهکاران، بیمناک‌تر از همیشه‌اند. هیبت کاذب نظامی که همه چیزش را از دروغ ساخته بود، در

معاون روحانی: حتی کشورهای دوست هم جرأت ندارند از ایران نفت بخرند

ضمناً باید بگویم که صادرات نفت ایران کم شده و درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت کاهش پیدا کرده ولی در ۸ ماه امسال بیش از ۸۸ میلیون تن کالا صادر شده است. صادرکنندگان باعث شده‌اند درآمد ارزی داشته باشیم. بطوری که در ۸ ماه گذشته از نظر وزنی ۱۶ درصد رشد صادراتی داشته‌ایم ولی از نظر ارزش، صادراتمان کاهش داشته و دلیل آنهم تحریم‌هاست.

معاون رئیس جمهوری اسلامی رژیم یادآور شد: این روزها مردم صورت خود را با سبلی سرخ نگه داشته‌اند و ما باید در برابر راهبرد آمریکا، راهبرد تهیه می‌کردیم زیرا آنچه که می‌تواند کشور را از گردنه سخت عبور دهد، یک اجماع و انسجام ملی است! و هیچکس نباید دنبال فرصت‌طلبی و تسویه حساب باشد زیرا امروز ایران در خطر است!

معاون اول حسن روحانی که جزو باران قاسم سلیمان و «حلقه کرمان» به شمار می‌رود که برادر او و رئیس جمهورش به دلیل فسادهای مالی دارای پرونده‌های قضائی هستند، این حقیقت را نگفت که مسبب تحریم‌ها نظام جمهوری اسلامی است و این نظام است که نه از سوی آمریکا و اسرائیل بلکه از سوی مردم ایران در خطر قرار گرفته است.



تمام گلوگاه‌های اقتصادی ایران را بسته‌اند.

مردم صورت خود را با سبلی سرخ نگه می‌دارند.

معاون اول حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی می‌گوید: آمریکا نتوانسته صادرات نفت ما را به صفر برساند ولی حتی کشورهای دوست هم جرأت خرید نفت ایران را ندارند و ما برای فروش نفت به روش‌های دیگر متوسل شده‌ایم.

اسحاق جهانگیری گفته: دو سال از فشار جدید دولت آمریکا علیه ایران می‌گذرد. بعد از آنکه ما توافق برجام را انجام دادیم و فضا را برای توسعه کشور آماده نمودیم، آمریکایی‌ها به بهانه تغییر رئیس جمهوری آن کشور به تمام توافقات و برجام پشت پا زدند و با خروج از این پیمان، فشار بی‌سابقه‌ای بر ما وارد نمودند.

او ادامه داد: آنها تصور می‌کردند اقتصاد ایران فرو می‌پاشد و اعتراضات ناشی از تحریم‌ها به فروپاشی اقتصاد و حتی تمامیت ارزی ایران منجر می‌شود و از آن پس هر روز فشارهای آمریکایی‌ها بر جمهوری اسلامی شدیدتر شده است.

جهانگیری اضافه کرده: آمریکایی‌ها مهمترین محصولات صادراتی ما از جمله پتروشیمی را شناسایی کردند

جاوید ایران!
رضا پهلوی
آذر ۱۳۹۸

دولت سوپرستارها و تعزیه خوانها را در یک رده مالیاتی قرار می‌دهد!



سینما مقایسه کنید که همه چیزشان از فروش فیلم‌ها تا هزینه ساخت فیلم‌شان مشخص است. وی هنرمندان را دارای یک عمر مفید خواند و گفت: «عمر مفید اهالی سینما از بازیگر و کارگردان گرفته تا تهیه‌کننده و دیگر عوامل بسیار کوتاه است و سوپرستارهای امروز هم بعد از چند سال مانند ستاره‌های دهه شصت بیکار می‌شوند و دیگر کسی به آنها کار نمی‌دهد به همین خاطر به نظر من تنها باید معافیت‌های مالیاتی به قوت خود باقی بماند که مالیات بر ارزش افزوده هم باید برداشته شود»

منیژه حکمت تهیه‌کننده و کارگردان سینما نیز به تمدید لغو مالیاتی هنرمندان توسط دولت انتقاد کرده و آن را اگر «باج انتخاباتی» نباشد، یک «بدسلیقگی» خوانده است.

منیژه حکمت در یادداشتی درباره تمدید معافیت مالیاتی هنرمندان نوشت: «بخشودن مالیات هنرمندان اگر باج انتخاباتی به یکی از گروه‌های مرجع جامعه نباشد، مسلماً نشانه سردرگمی و عدم شناخت از هدف و کارکرد مالیات است و اعلام آن در این زمان و در این شرایط وخیم اقتصادی، نهایت بدسلیقگی است.»

این تهیه‌کننده سینما گفت که نوبخت مثل باقی همفکرانش در دولت «وقت و حوصله فکر کردن به عواقب راه‌حل‌های خلق‌الساعه و نوع‌آمیزشان را ندارند» و «ساده‌ترین راه را برگزیده‌اند».

سود هنگفت تمدید معافیت مالیاتی هنرمندان به جیب صاحبان دستمزدهای میلیاردی می‌رود

وی تمدید معافیت مالیاتی هنرمندان را «یک کاسه کردن درآمدهای به شدت ناممگون و حکم واحد برای آنان» خواند و نتیجه «این چنین بذل و بخشش» را «افزایش شکاف طبقاتی و فقیرتر شدن اقشار کم درآمد عرصه هنر» و رفتن «سود هنگفت‌اش مستقیماً به جیب همان صاحبان دستمزدهای میلیاردی و سرمایه‌های ناسالم» دانست.

منتقدان تداوم مالیات هنرمندان بر این باورند سرمایه‌هایی که تا بن دندان تحت نفوذ رانت‌خواران قرار دارد و ابزاری برای پولشویی نهادها و شرکت‌های بانفوذ است، با این قانون آنها را پروا تر می‌کند و بیش از پیش به قدرت آنان در سینما می‌انجامد.

حق سکوت دولت به هنرمندان در آستانه انتخابات

حتی برخی در شبکه‌های اجتماعی می‌گویند این لغو معافیت مالیاتی حق سکوت دولت روحانی به هنرمندان است تا برای شرکت مردم در انتخابات پیش روی مجلس شورای اسلامی اگر هم برایش تبلیغ نمی‌کنند، دست‌کم موضوع منفی نگیرند یا سکوت کنند. هرچند این نکته را مد نظر قرار ندادند که اعتبار کنونی همین هنرمندان در ترغیب و هدایت سیاسی و اجتماعی مردم، اکنون نیز زیر یک علامت سوال بزرگ قرار دارد و از درجه اعتبار ساقط شده است!

از دیگر سو اما موافقان تداوم معافیت مالیاتی هنرمندان می‌گویند که رانت‌خواران و برخورداران از دستمزدهای

فرشته طائرپور که از سینماگران نزدیک به دولت حسن روحانی و از اعضای کمیته‌های سانسور آثار هنری نیز بوده، گفت که «کل کسانی که از فعالیت‌های فرهنگی اعم از سینما و تئاتر و دیگر حوزه‌ها درآمدهای قابل توجه دارند تعدادشان به ۲۰ نفر هم نمی‌رسد ولی از طرف دیگر ۵ هزار نفری داریم که هر ۵ سال یک‌بار فرصت کار دارند و بسیاری از آنها در طول یک سال درآمدهای قابل توجهی ۳ میلیون تومان است!»

تمدید معافیت مالیاتی هنرمندان در بودجه سال ۹۹ با دستور رئیس سازمان برنامه و بودجه، با واکنش‌های منفی حتی از سوی برخی سینماگران مواجه شده است. برخی این معافیت را باج و حق سکوت دولت به سینماگران برای انتخابات پیش رو می‌دانند و برای این باورند که عده‌ای اندکی از اهالی سینما درآمد هنگفت دارند و باقی حتی حساب بانکی هم ندارند!

تمدید معافیت مالیاتی هنرمندان در بودجه سال ۹۹ با دستور رئیس سازمان برنامه و بودجه منتقدان بسیاری از جمله در میان سینماگران داشته که تنور تعداد انگشت‌شماری از سینماگران را داغ توصیف می‌کنند و می‌گویند برخی دیگر از سینماگران حتی فاقد یک کارت بانکی هستند!

طرح موضوع مالیات هنرمندان در بودجه سال ۹۹ هرچه نداشت ولی دست‌کم با طرح شرایط کنونی سینماگران، این موضوع را بطور رسمی نشان داد که سینمای ایران تحت انحصار بودجه‌ی نفت و رانت، نه در بالای پرتگاه که در میانه‌ی مسیر سقوط است.

از ۲۵۰ دفتر تولید فیلم، فقط ۱۰ دفتر فعالیت دارند

مرتضی شایسته تهیه‌کننده سینما می‌گوید: «از ۲۵۰ دفتر تولید در حال حاضر تنها ۱۰ دفتر فعالیت دارد و از ۳۵ دفتر پخش نیز تنها ۵ دفتر پخش فعال داریم، در این شرایط قرار است از چه چیز این سینما مالیات گرفته شود؟» او گفته که اساساً سرمایه‌گذاران با انگیزه معافیت مالیاتی به سینما می‌آیند و اگر نباشد کلاس سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. این تهیه‌کننده فعالیت سینماهای کشور را انگشت‌شمار دانسته و گفته که «در میان سالن‌های سینمایی و پردیس‌ها تنها چهار پردیس سینمایی سود می‌دهند و بقیه سینماها مانند عصرجدید، آفریقا، قدس، فلسطین، پارس، مرکزی، بهمن، زندان، شکوفه و... تماماً ضرر می‌دهند!»

۹۲ درصد کسانی که اولتیماتوم مالیاتی گرفتند، اصلاً کارت بانکی ندارند!

مرتضی شایسته می‌گوید: «مدیر سازمان امور مالیاتی صراحتاً اعلام کردند که ۹۲ درصد آنها‌یی که بهشان اولتیماتوم داده بودیم که برای پرداخت مالیات مراجعه کنند اصلاً کارت بانکی ندارند! حالا این را با خانواده

می‌خواستی ترانه‌سرای وطن شوی

برای نیکتا اسفندانی که در اعتراضات آبان ۹۸ کشته شد

چشم تو از کدام غزل، آب خورده است؟
ای شوکت شریف غزال قصیده‌ها!
آواز تازه‌ات
در سینه‌ی سپیده و آینه‌های ماست.
در باغ داغ‌دیده، که پیغام عشق را -
با شور عاشقانه‌ات پیوند کرده است.
در شعر من، که شاعر شیدایی توام.

می‌خواستی، ترانه‌سرای چمن شوی.
هم‌صحبت صمیمی گیتار -
در کوچه‌سار غم‌زده‌ی این وطن شوی.
می‌خواستی... ولی
فریاد، در گلوئی تو خونین و سرد گشت.
نام تو در زمانه‌ی بیداد -



هرنگ درد گشت.
در روزگار آه
آیا کدام ماه؟
در جستجوی چشم تو می‌گرید.

نصرت کریمی فیلمساز منتقد خرافات دینی در گذشت



رشته‌ی کارگردانی سینما و تلویزیون به پایان برد. سپس یک دوره‌ی تخصصی فیلم‌های عروسکی را گذراند و در سال ۱۳۴۳ به ایران بازگشت، در وزارت فرهنگ و هنر استخدام و متصدی کارگاه نقاشی متحرک شد، در آن دوران حدود ده فیلم کارتون - عروسکی کوتاه ساخت.

به گفته فیروزه خطیبی، وی در شانزده سالگی با خواندن پیش‌برده‌های پرویز خطیبی از جمله پیش‌برده «قیام پیشه‌وری» با لباس زنانه در نقش «حاجی ربابه» پا به صحنه تئاتر می‌گذارد. او بعدها با گروه تئاتر «خیرخواه» در اعتراضات کارگران نفت آبادان علیه استعمار شرکت نفت انگلیس شرکت می‌کند و روی صحنه پیش‌برده «اگر صاحب تویی می‌خوام نباشی» از ساخته‌های پرویز خطیبی را از زبان کارگران و خطاب به رؤسای انگلیسی می‌خواند.

نصرت کریمی تألیفاتی هم در حوزه‌های مختلف دارد از جمله: کتاب «درون و برون» و کتاب «۱۶ نمایشنامه‌ی تلویزیونی».

او همچنین طی سال‌های ۴۴-۵۹ به تدریس کارگردانی فیلم‌های انیمیشن، بیان، بازیگری، گریم و تئاتر عروسکی در دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک و در سال‌های ۴۸-۵۲ به تدریس مبانی گریم در دانشکده هنرهای زیبا و در سال ۵۲ تدریس درام‌نویسی در دانشکده روزنامه‌نگاران مؤسسه کیهان پرداخت. از جمله فعالیت‌های این هنرمند طی سال ۴۴ تا ۸۰، طراحی و ساخت آگهی‌های تلویزیونی با شیوه

بازی کریمی در سریال معروف «دائی‌جان ناپلئون» ساخته ناصر تقوایی در نقش «آقا جان» یکی از خاطره‌انگیزترین بازی‌های اوست.

نصرت کریمی در بسیاری از ساخته‌هایش خرافات نخ‌نمای دینی و سنتی جامعه را با زبان طنز مورد انتقاد قرار می‌داد به همین دلیل از طرف مذهبیون مورد حمله قرار می‌گرفت و پس از انقلاب بایکوت شد.

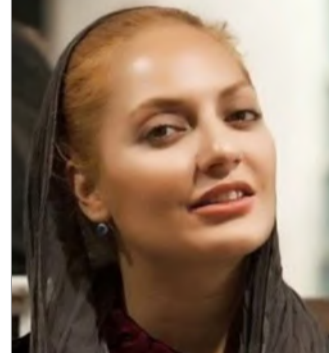
نصرت کریمی کارگردان، بازیگر، طراح عروسک، عروسک‌گردان، گریمر و انیماتور پیشکسوت در ۹۵ سالگی بر اثر کولت درگذشت. او متولد اول دی ۱۳۰۳ در تهران بود و از دوران دبستان با تئاتر «روحوضی» آشنا شد.

از سال ۱۳۲۰ زمانی که ۱۷ سال داشت در تئاترهای تهران، هنر، فرهنگ، فردوسی و سعدی به عنوان گریمر، بازیگر و کارگردان فعالیت می‌کرد و تا سال ۱۳۳۱ به این کار ادامه داد. در همین سال برای تحصیلات عازم اروپا شد و یک سال در ایتالیا به مطالعه تئاتر و سینما پرداخت و فعالیت سینمایی را نیز در ایتالیا و با کارآموزی در فیلم «پستگاه مرکزی» ساخته ویتوریودسیکا شروع کرد. سپس عازم چکسلواکی شد و دوره پنج ساله‌ی دانشکده‌ی سینمای پراگ را در

بازپرسی نیست...» به گفته این وکیل مدافع، طبق اعلام بازپرس، «پرونده خانم افشار در وقت احتیاطی یک ماهه تحت نظر خواهد بود و چنانچه ایشان به بازپرسی مراجعه نکنند، ناگزیر به صدور قرار مناسب برای او است.»

چندی پیش ویدئویی از حضور مهناز افشار در یک برنامه‌ی استعدادیابی در فضای مجازی منتشر شد. این بازیگر سینما، با انتشار تصویری در اینستاگرام خود از این برنامه، نوشت: «برای من افتخار بزرگیست که در کنار آقای صدا بی، آرش و نازنین و یک گروه درجه یک باشم، تا برای همه و شما مردم عزیزمون امید و شادی بیاریم... شو بزرگ استعدادیابی پرشیاژ گات تلنت». مهلت یک‌ماهه برای بازگشت او به ایران تعیین کرده است. آنگونه که عبدالصمد خرمشاهی وکیل مدافع مهناز افشار به ایسنا گفته است، اتهامات وارده به این بازیگر سینما از سوی شعبه ۴ دادسرای فرهنگ و رسانه، «تبلیغ علیه نظام»، «جریحه‌دار کردن عفت عمومی» و «نشر اکاذیب» اعلام شده است. این وکیل مدافع گفته که خود وی «جهت ادای توضیحات وضعیت موکل» اش روز سه‌شنبه هفته گذشته از سوی شعبه چهارم دادسرای فرهنگ و رسانه، احضار شده است.

خرمشاهی گفته که «حسب اطلاع واصله ضمن حضور در شعبه مذکور عنوان کردم که موکلم برای پارهای از تعهدات کاری و محذورات قادر به بازگشت به ایران و حضور در جلسه



دادسرای فرهنگ و رسانه به مهناز افشار یک ماه مهلت داد به کشور بازگردد!

آنگونه که عبدالصمد خرمشاهی وکیل مدافع مهناز افشار به ایسنا گفته است، اتهامات وارده به این بازیگر سینما از سوی شعبه ۴ دادسرای فرهنگ و رسانه، «تبلیغ علیه نظام»، «جریحه‌دار کردن عفت عمومی» و «نشر اکاذیب» اعلام شده است.

وکیل مدافع مهناز افشار بازیگر سینما می‌گوید بازپرس دادسرای فرهنگ و رسانه اعلام کرده که پرونده این بازیگر «در وقت احتیاطی یک ماهه تحت نظر خواهد بود و چنانچه ایشان به بازپرسی مراجعه نکنند، ناگزیر به صدور قرار مناسب برای او است.» در حالی که مهناز افشار بازیگر سینما با انتشار تصویری در کنار ابی (ابراهیم حامدی) و آرش خوانندگان شناخته شده ایرانی

خشم عراقی‌ها از حضور مجدد قاسم سلیمانی در بغداد، کنسولگری جمهوری اسلامی در نجف را دوباره به آتش کشید



کنسولگری جمهوری اسلامی در نجف پس از نخستین حمله: ۲۷ نوامبر ۲۰۱۹

سه‌شنبه برای بار سوم عراقی‌های خشمگین به ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی در نجف حمله کردند و آن را دوباره به آتش کشیدند.

حضور قاسم سلیمانی در بغداد و تلاش او برای تشکیل دولت جدیدی که نفوذ جمهوری اسلامی را بپذیرد، خشم معترضین عراقی را شعله‌ور ساخته است.

یک روزنامه‌نگار عراقی: همان کسانی که عادل عبدالمهدی را انتخاب کردند در بغداد جمع شده‌اند که جانشین او را انتخاب کنند! آنهم قاسم سلیمانی! حضور یک فرمانده نظامی ایرانی در بغداد و در نشست برای انتخاب نخست وزیر جدید، اهانتی غیرقابل قبول برای مردم عراق است.

احمد رأف - سه‌شنبه، ۳ دسامبر ۲۰۱۹، عراقی‌های خشمگین برای سومین بار به ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی در نجف حمله کردند و آن را به آتش کشیدند. ساختمانی که در روزهای گذشته دو بار مورد حمله قرار گرفته و به آتش کشیده شده بود. دلیل حمله مجدد به این ساختمان، حضور دوباره قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که عراقی‌های خشمگین به او لقت «ملعون» داده‌اند، در بغداد است.

عبدالممنع البشاری روزنامه‌نگار در بصره به کیهان لندن در مورد سفر جدید قاسم سلیمانی به بغداد می‌گوید: «مردم این کشور دولت و نخست‌وزیر بی‌لیاقت و فاسد را مجبور به استعفا کردند اگرچه هدف اعتراض‌ها برکناری این یا آن فرد نبود بلکه تغییر شیوه انتخاب افرادی است که قرار است بر ما حکومت کنند. حالا همان کسانی که عادل عبدالمهدی را انتخاب کردند در بغداد جمع شده‌اند که جانشین او را انتخاب کنند! آنهم در نشستی به ریاست قاسم سلیمانی! حضور یک فرمانده نظامی ایرانی در بغداد و در نشست برای انتخاب نخست وزیر جدید، اهانتی غیرقابل قبول برای مردم عراق است. جوانان عراقی با حمله مجدد به کنسولگری جمهوری اسلامی در نجف پاسخ این رفتار کثیف دولت تهران را دادند.»

این روزنامه‌نگار عراقی در ادامه می‌افزاید «محمد کوثرانی از رهبران حزب‌الله لبنان نیز که در این سازمان مثلا ریاست میز عراق را بر عهده دارد، قاسم سلیمانی را در این سفر همراهی می‌کند. هدف آنها قانع کردن رهبران احزاب شیعی، سنی و کردی برای تشکیل دولت جدیدی است که رئیس آن را باز هم جمهوری اسلامی تعیین خواهد کرد. هر دولتی که در این شرایط و به خواست جمهوری اسلامی در عراق بر سر کار بیاید، به سرنوشت عادل عبدالمهدی دچار خواهد شد زیرا ما خواهان تغییر در

راس دولت نیستیم، خواست ما تغییر در نحوه تشکیل دولت و اداره کشور است. مردم به زبانی ساده و بسیار گویا بیش از دو ماه است که با پرداخت هزینه سنگینی می‌گویند خواهان این هستند که سیاست‌های فرقه‌ای کنار گذاشته شود و کسانی اداره کشور را در دست گیرند که نماینده شیعه، سنی یا کرد نباشند، بلکه نماینده مردم عراق باشند و منافع این مردم را در اولویت قرار دهند و نه منافع ایران، ترکیه، عربستان یا آمریکا و هر کشور دیگری را. ما بچه‌های یتیم نیستیم که احتیاج به قیم داشته باشیم!»

اعتراض بدون وقفه مردم عراق برخی از سیاستمداران را مجبور به عقب‌نشینی کرده است. اسامه نجیفی، از سیاستمداران سنی و رئیس سابق پارلمان، خواهان پایان سیاست‌های «توسعه‌طلبانه» جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه شده و افزود: «نفوذ ایران در عراق حتی اگر هم برای مدتی به طول انجامد، پایان خواهد پذیرفت.» اسامه نجیفی خواستار «برگزاری انتخابات زودهنگام برای بازنگری در روند سیاسی» شده و تاکید کرده است که این انتخابات باید بدون استثنا با «نظارت بین‌المللی» برگزار شود.

قبل از او حیدر العبادی که در بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ با حمایت جمهوری اسلامی ریاست

دولت عراق را بر عهده داشت نیز خواهان پایان دخالت‌های تهران شده و گفته بود «جمهوری اسلامی باید سیاست‌های خود در قبال عراق را بطور جدی تغییر دهد.» حیدر العبادی که در آخرین انتخابات عراق با فهرست «فتح» نتوانسته بود موفقیت چشمگیری داشته باشد، در هفته‌های گذشته بارها تاکید کرده بود که «منافع عراق حکم می‌کند که این کشور با تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی همراهی کند.»

خبرگزاری فرانسه می‌نویسد نمایندگان ائتلاف انتخاباتی «آلسائرون» که علاوه بر گروه مقتدی صدر برخی از گروه‌های چپ‌گرا را نیز در بر می‌گیرد در نشست روز سه‌شنبه با قاسم سلیمانی و محمود کوثرانی شرکت نکردند و اعلام کردند حاضر به شرکت در روند کنونی انتخاب نخست‌وزیر جدید نیستند. البته مقتدی صدر در ماه‌های اخیر بارها در مخالفت با سیاست‌های جمهوری اسلامی صحبت کرده ولی در عمل در سفرهایش به تهران این سیاست‌ها را تأیید کرده است. عبدالممنع البشاری در خاتمه گفتگوی تلفنی با کیهان لندن، مقتدی صدر را «مهره‌ای در دست جمهوری اسلامی» می‌خواند که از او در صورت ادامه اعتراض‌ها «برای آرام کردن مردم» استفاده خواهد کرد.

پولیتیکو: دولت آمریکا به دنبال راه‌های عملی برای حمایت از اعتراضات مردم ایران است



دونالد ترامپ در کنار وزیر خارجه مایک پمپئو

تلاش می‌کنند تا به رهبران جمهوری اسلامی فشار بیاورند تا بجای هزینه کردن سرمایه ملی خارج از مرزها برای تقویت از شبه‌نظامیان و فعالیت اتمی، این پول‌ها برای مردم داخل کشور صرف شود.

پولیتیکو در ادامه می‌نویسد، مسئولان آمریکا روی این مسئله متمرکز شده‌اند که چگونه می‌توان از لحظه کنونی، نهایت بهره‌برداری را کرد؟ آنهم با توجه به میزان و سرعت افزایش روند فشار و واکنش‌هایی که می‌تواند در یک منطقه به شدت بحران‌زده در پی داشته باشد. پرسش اکنون این است با افزایش تحریم‌ها و فشار اقتصادی رژیم ایران چه واکنشی نشان خواهد داد؟

مسئولان جمهوری اسلامی ایران از جمله علی خامنه‌ای آمریکا و اسرائیل را عامل به راه افتادن اعتراضات می‌دانند. رهبر جمهوری اسلامی این اعتراضات را توطئه‌ای عمیق و گسترده و خطرناک توصیف کرده است.

مارک دبوویوئتر مدیر اجرایی «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» که یک اندیشکده نزدیک به دولت ترامپ است می‌گوید: «باید برای یک تنش بزرگ آماده شد.» او با این حال معتقد است دولت آمریکا باید فشار بر رژیم ایران را ادامه دهد. یک مقام مسئول در دولت ترامپ که نخواست نامش فاش شود می‌گوید، «این باور گسترده وجود دارد که روند اعتراضات کنونی متفاوت با دیگر اعتراضات است و حرکت‌های اعتراضی بیشتری در راه هستند.»

پولیتیکو با اشاره به ارسال ۳۶ هزار عکس و ویدئو از اعتراضات ایران توسط مردم به وزارت خارجه آمریکا به نقل از یک مقام آگاه فاش کرد وزارت خارجه آمریکا به کارکنان خود دستور داده تا داده‌هایی را که حاوی اطلاعات خصوصی افراد، اماکن، قربانیان و همچنین عاملان قتل و کشتار هستند را تجزیه و تحلیل کنند.

تحلیلگران معتقدند مسئولان آمریکایی در سرویس‌های اطلاعاتی، وزارت خزانه‌داری و سایر آژانس‌ها می‌توانند در جمع‌آوری اطلاعات و آنالیز آنها در روند تکمیل پرونده‌ی مسئولان ایرانی که دستشان آلوده به نقض حقوق بشر علیه ایرانیان معترض است، نقش مهمی ایفا کنند. مقامات آمریکایی اشاره‌ای به افرادی که ممکن است مشمول تحریم‌ها شوند نکرده‌اند. محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی از افرادی است که اخیرا به دلیل نقش‌اش در قطع اینترنت تحریم شد.

بسیاری در دولت آمریکا معتقدند باراک اوباما در بهره بردن از شرایط به وجود آمده در جریان «جنبش سبز» در سال ۲۰۰۹ شکست خورد. علت این شکست تا حدود زیادی تعلل شدید اوباما در بیان مواضع قاطع در زمان وقوع آن اعتراضات بود زیرا فکر می‌کرد اعلام حمایت از معترضان ایران باعث تضعیف آرمان آنها از طریق وابسته دانستن آنان به غرب خواهد شد. آنهم در حالی که معترضان در یکی از شعارهای خود فریاد می‌زدند: اوباما، اوباما، یا با او یا با ما! و از او می‌خواستند که بین نظام جمهوری اسلامی و مردم یکی را انتخاب کند که دولت اوباما در عمل جانب رژیم ایران را گرفت.

اما حالا بسیاری از مقامات دولت ترامپ معتقدند که «خردورزی سنتی دیگر خردمندانه نیست» و مردم ایران که بسیاری از آنها جوان هستند، از هر نوع کمک خارجی استقبال می‌کنند.

● دولت ترامپ به زودی راهکارهای تازه‌ای را برای کمک به ایرانیان جهت شکستن سانسور اینترنت و سد نظارت رژیم بر آن اعلام خواهد کرد.

● تیم ترامپ بر این باور است که تظاهرات در ایران از نشانه‌های موفقیت سیاست فشار حداکثری علیه رژیم ایران است.

● پرسش اکنون این است که با افزایش تحریم‌ها و فشار اقتصادی، رژیم ایران چه واکنشی نشان خواهد داد؟

● بسیاری در دولت آمریکا معتقدند باراک اوباما در بهره بردن از شرایط به وجود آمده در جریان «جنبش سبز» در سال ۲۰۰۹ شکست خورد. علت این شکست تا حدود زیادی تعلل شدید اوباما در بیان مواضع قاطع در زمان وقوع آن اعتراضات بود زیرا فکر می‌کرد اعلام حمایت از معترضان ایران باعث تضعیف آرمان آنها از طریق وابسته دانستن آنان به غرب خواهد شد. آنهم در حالی که معترضان در یکی از شعارهای خود فریاد می‌زدند: اوباما، اوباما، یا با او یا با ما! و از او می‌خواستند که بین نظام جمهوری اسلامی و مردم یکی را انتخاب کند که دولت اوباما در عمل جانب رژیم ایران را گرفت.

هفته‌نامه آمریکایی «پولیتیکو»، سه‌شنبه ۳ دسامبر (۱۲ آذر)، در

مایک پمپئو به رهبران جدید اتحادیه اروپا: روسیه، حزب کمونیست چین و جمهوری اسلامی ایران تهدیدات مشترک ما هستند



یورونیوز گزارش داده رهبران نهادهای اروپایی همزمان با آغاز به کار کمیسیون در مراسم دهمین سالگرد معاهده لیسبون را در بروکسل جشن گرفتند

● جوزف بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و جانشین موگرینی شد.

● وزیر خارجه آمریکا در بیانیه‌ای بر لزوم همکاری با اروپایی‌ها برای تقویت استقلال انرژی اروپا و مقابله با چالش‌های مشترک در برابر امنیت و ارزش‌های دموکراتیک توسط طرفین تاکید کرده است.

● موگرینی از آنهایی که در دوران مسئولیتش کمک کردند تا به گفته او اتحادیه اروپا تبدیل به شریک قابل اعتماد و ستون قابل اتکای چندجانبه و مدافع سرسخت دفاع از حقوق بشر باشد تشکر کرد.

وزیر خارجه آمریکا در بیانیه‌ای به مناسبت آغاز به کار جوزف بورل مسئول جدید سیاست خارجی اتحادیه اروپا و رؤسای جدید کمیسیون و شورای اروپا بیانیه‌ای صادر کرد.

مایک پمپئو در این بیانیه تقویت روابط تجاری، تقویت استقلال انرژی اروپا و مقابله با چالش‌های مشترک در برابر امنیت و ارزش‌های دموکراتیک شامل تهدیدات روسیه، حزب کمونیست چین و جمهوری اسلامی ایران را از اهداف مشترک ایالات متحده و اروپا برشمرد. وی افزود: «ایالات متحده و اتحادیه اروپا یک نیروی خیر در جهان

کمیسیون اروپا و شورای اروپا را در دست گرفتند. فون درلاین رئیس جدید کمیسیون اروپا با انتشار ویدئویی از اسباب‌کشی به دفتر جدیدش در ساختمان کمیسیون در بروکسل خبر داد. مسئولیت موگرینی در حالی تمام شد که وی همچنان به تبعیت از اعضای اتحادیه بر حفظ برجام تاکید می‌کرد. وی در خصوص سرکوب اعتراضات آبان‌ماه در ایران و همچنین تظاهرات در عراق و لبنان صرفا گفت اتحادیه اروپا هرگونه خشونت از تمام طرف‌ها را محکوم می‌کند. گفته می‌شود بورل جایگزین موگرینی نیز مانند او چپ‌گرا و از مدافعان برجام و مداخلات با رژیم ایران است و با آنچه برخی اروپایی‌ها آن را «یکجانبه‌گرایی» از سوی آمریکا در صحنه بین‌المللی می‌نامند مخالف در آمد.

است. رئیس جدید کمیسیون اروپا سخنانی با اشاره به قدرت اتحادیه اروپا گفت: «هیچ روزی بهتر از این سالگرد ۴۰مین سال معاهده لیسبون برای آغاز به کار ما وجود ندارد. ما نگرهبان روح معاهده لیسبون هستیم.» کریستین لاگارد رئیس جدید بانک مرکزی اروپا نیز با اشاره به اینکه جهان در این یک دهه تغییرات باورنکردنی از جمله ظهور فناوری، بحران مالی و فعالیت جامعه بین‌المللی در تغییرات اقلیمی را شاهد بوده است، گفت: «زمان آن رسیده است که از عصر ترمیم به عصر نوسازی و امید گذر کنیم.»

● معاهده لیسبون پیمانی است مبنی بر اصلاح قانون اساسی اتحادیه اروپا که در دسامبر ۲۰۰۷ امضا شد و از روز اول دسامبر ۲۰۰۹ به اجرا در آمد.

واکنش فاجعه بار اروپا در برابر سرکوبها در ایران



محافظة کار ۲۰۰ هزار تن به خیابانها ریختند. ۵ برابر بیش از آن زمان، ترس تظاهرکنندگان کمتر بود و خشم خود را آشکارتر بیان می‌کردند. در کنار چیزهای دیگر، عکس‌های آیت‌الله خامنه‌ای و یک مجسمه بنیادگذار جمهوری اسلامی آیت‌الله خمینی به آتش کشیده شد، اینکه نمادهای سرکوب رژیم مسئول خسارت‌های مالی دیگر هستند، یا غیرنظامیان، هنوز در پرده ابهام مانده است. با اینکه خشم مردم به دلیل انباشت فشار شدت داشت، نشانه‌هایی در این مورد وجود دارد که نیروهای امنیتی خود در اغتشاش‌ها نقش داشتند تا گناه را به گردن تظاهرکنندگان بینانند.

واکنش شدید دولت

انطور که غفو بین‌الملل تأکید می‌کند، اعتراض‌ها بیشتر مسالمت‌آمیز بودند. برعکس، دولت با شدتی نامناسب واکنش نشان داد. بسیاری از قربانیان با شلیک به سر عملاً تیرباران شده‌اند. افزایش قیمت بنزین در ایران بار دیگر ناراضی‌هایی همگانی را بر ملا کرد. رژیم بارها و بارها امید مردم را به عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد و حاکمیت خانواده‌های خودی نابود کرده است. جمهوری اسلامی همواره در بحران وضاعت قانونی عمیق‌تری فرو می‌رود و سلطه خود را به صورتی فزاینده با خشونت عریان حفظ می‌کند. اکنون تعیین کننده این است که ایرانی‌ها در مرحله اول حاکمان خود را مسئول رنج اقتصادی خود می‌شناسند و نه نیروهای خارجی را! تحریم‌های آمریکا در واقع بودجه ایران را به شدت تحت تأثیر قرار داده، وضعیت اقتصادی طبقه متوسط بدتر شده است. اما برخلاف ادعاهای مسئولان در تهران، واشنگتن و اروپا، این تحریم‌ها زمینه‌ساز اوضاع خراب بسیاری از ایرانی‌ها و اعتراضات سراسری نیستند.

نقطه عطف برای ایران

تردید نیست که قیام ایرانی‌ها نقطه چرخشی برای جمهوری اسلامی است زیرا رژیم همچنان اصلاح‌ناپذیر باقی می‌ماند و در موقعیتی نیست یا بهتر بگوییم، خواستار آن نیست که خرابی اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور را ترمیم کند. به این ترتیب، شعله‌ور شدن خشم مردم دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد. این نخستین باری نیست که گوش اروپا در برابر حمام خون ایران کر مانده است. اروپا خود را پشت پچ‌پچه‌های دیپلماتیک پنهان کرد و از این طریق پیام فجیعی به مردم ایران فرستاد. آیا آنها نمی‌دانستند که در جریان اعتراض‌ها در ایران برای اهدای خون وضعت اضطراری اعلام شد؟ گزارش‌های هشداردهنده غفو بین‌الملل را نفهمیدند؟ اروپا می‌باید ضمن ایفای بر ارزش‌های خود، حکومت ایران را محکوم و نسبت به پیامدهای سرکوب خشن مردم تهدید می‌کند. هنوز هم برای این کار دیر نشده است.

منبع: روزنامه تاگس اشپیگل
نویسنده: علی فتح‌الله نژاد
(مرکز بروکینگز دوچه)
ترجمه و تنظیم: جواد طالعی

این بار اما موضوع بسیار جدی‌تر است. این بار واکنش خشن و وحشت‌زده رژیم نیز نشان می‌دهد. برخلاف دی‌ماه ۹۶ این بار حتی بر اساس اطلاعات وزارت کشور محافظه‌کار ۲۰۰ هزار تن به خیابان‌ها ریختند. ۵ برابر بیش از آن زمان. ترس تظاهرکنندگان کمتر بود و خشم خود را آشکارتر بیان می‌کردند. در کنار چیزهای دیگر، عکس‌های آیت‌الله خامنه‌ای و یک مجسمه بنیادگذار جمهوری اسلامی آیت‌الله خمینی به آتش کشیده شد. اینکه نمادهای سرکوب رژیم مسئول خسارت‌های مالی دیگر هستند، یا غیرنظامیان، هنوز در پرده ابهام مانده است. با اینکه خشم مردم به دلیل انباشت فشار شدت داشت، نشانه‌هایی در این مورد وجود دارد که نیروهای امنیتی خود در اغتشاش‌ها نقش داشتند تا گناه را به گردن تظاهرکنندگان بینانند.

اعتراضات همگانی در ایران به خاطر افزایش نرخ بنزین شعله‌ور شد، اما در واقع مسائلی بسیار فراتر از این مطرح بود. جمهوری اسلامی آخرین ذرات وجاهت حقوقی خود را هم از دست داد، اما واکنش اروپا در برابر کشتار مردم ایران که از «پچ‌پچه‌های دیپلماتیک فراتر رفت فاجعه‌بار است. حتی گزارش‌های غفو بین‌الملل هم را هم نفهمیدند؟ هنوز هم برای پافشاری بر ارزش‌های اروپایی است. تهدید رژیم حاکم بر ایران نسبت به پیامدهای خشونت‌هایش دیر نشده است.»

این بخشی از تحلیلی است که علی فتح‌الله نژاد، همکار میهمان مرکز بروکینگز دوچه اخیراً برای روزنامه آلمانی «تاگس اشپیگل» نوشته است. مرکز بروکینگز دوچه شعبه محلی اندیشکده‌ی آمریکایی بروکینگز در پایتخت قطر است.

در این مقاله می‌خوانیم: علی ضیا یک مجری جوان و سرشناس تلویزیون دولتی ایران اندکی پس از سه برابر شدن نرخ بنزین در ۲۴ آبان، سر اصل مطلب رفت و گفت: «مسئولان ما کرایه تاکسی را با نیویورک، نرخ بنزین را با لندن و اجاره‌ها را با پاریس مقایسه می‌کنند، اما وقتی نوبت به حقوق‌ها می‌رسد، مقایسه آنها سر از اتیوپی در می‌آورد.»

این برای رسانه‌هایی که از سوی حکومت هدایت می‌شوند، طنزی تند و غیرمنتظره بود، اما برای ایرانی‌هایی که بلافاصله پس از افزایش شدید نرخ بنزین به خیابان‌ها ریختند تا وضعیت خراب را فریاد بکشند، روزگار هم به گونه‌ای غیرمنتظره سخت شده بود. اعتراض‌ها در حدود صد شهر برگزار شد. با این همه تظاهرکنندگان از

«ابتکار صلح هرمز»؛ ائتلاف تک عضوی جمهوری اسلامی برای تأمین امنیت خلیج فارس!

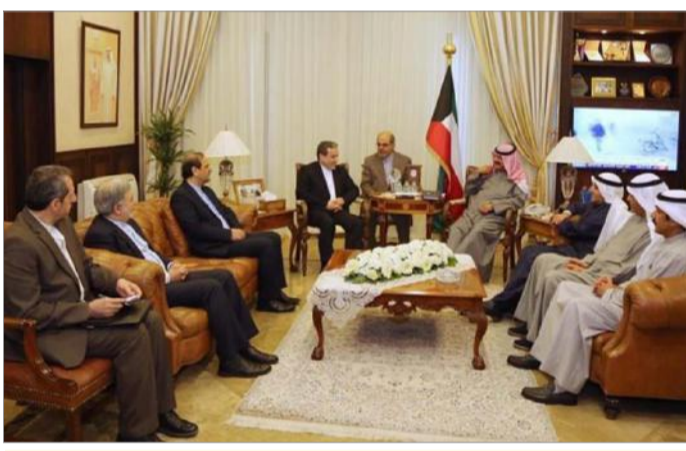


به گزارش ABC افسران ناوشکن «یو اس اس فارست شرمن» می‌گویند در حال گشت زدن بودند که متوجه حرکت یک لنج کوچک می‌شوند که هیچ پرچم و مشخصاتی نداشت؛ این لنج مقادیر سنگینی اسلحه و قطعات موشک حمل می‌کرده

مستقر شده و هواپیماهای جنگنده آمریکا در آن به تمرین روزانه و گشت زدن می‌پردازند که نشان می‌دهد آمریکا در خلیج فارس دست بالا را دارد. در عین حال، استقرار این ناو در نزدیکی سکوها نفتی ایران می‌تواند پیامی جدی برای جمهوری اسلامی باشد.

مقام‌های آمریکایی، چهارشنبه ۳ دسامبر (۱۳ آذر)، اعلام کردند یک کشتی کوچک حامل مقادیر زیادی از قطعات مربوط به موشک‌های هدایت‌شونده جمهوری اسلامی را که برای شورش‌یمن ارسال شده بود کشف و ضبط کرده‌اند.

اینهمه در حالیتیست که روشن است جمهوری اسلامی ایران زمان مناسبی را برای مذاکره با کویت و ترغیب این کشور برای پیوستن به «ائتلاف هرمز» انتخاب نکرده است. به ویژه آنکه اکنون اروپایی‌ها در مورد فعالیت‌های موشکی ایران و همین‌طور فعالیت‌های اتمی رژیم فشارهای سنگینی را به تهران وارد می‌کنند. اخیراً سه کشور اروپایی عضو برجام در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد نسبت به توسعه موشک‌های



دیدار عراقچی و جاراالله در کویت

در ماه سپتامبر سال جاری در جریان سخنرانی خود در سازمان ملل ارائه داد و از کشورهای منطقه خواست امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز و دریای عمان بدون حضور کشورهای فرامنطقه‌ای تأمین شود اما مسئله اینجاست که رژیم ایران خود عامل اصلی خرابکاری‌ها علیه نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری و عدم امنیت منطقه است! از این رو با گذشت حدود دوماه از اعلام طرح جمهوری اسلامی هنوز هیچ کشوری به آن پیوسته است.

اظهارات سخنگوی وزارت خارجه فرانسه در پاسخ به توثیاتی از جواد ظریف است که در آن نوشته: «تازه‌ترین نامه تروئیکای اروپایی (فرانسه، آلمان، بریتانیا) به دبیرکل سازمان ملل درباره موشک‌ها دروغی از سر استیصال است تا بی‌کفایتی رقت‌بار خودشان در اجرای حداقلی تعهدات ذیل برجام را لاپوشانی کنند. اگر تروئیکای اروپایی خواهان اندکی اعتبار جهانی است، می‌تواند با اعمال حق حاکمیت و اختیارات خود بجای تسلیم شدن جلوی قلدی آمریکا، شروع کند.»

عراقچی به کویت رفت تا با همتای خود در مورد امنیتی جمهوری اسلامی در خلیج فارس مذاکره کند.

کویت‌ها حتی قول بررسی پیوستن به «ابتکار صلح هرمز» را هم ندادند و عراقچی دست خالی برای شرکت در نشست کمیسیون مشترک برجام پس از ترک کویت، راهی اتریش شد.

استقرار ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن حوالی مرز ایران و قطر و پرواز هواپیماهای جنگنده آمریکا در این نواحی نشان می‌دهد آمریکا همچنان در خلیج فارس دست بالا را دارد.

وزارت خارجه فرانسه: بارها نگرانی‌های شدید خود درباره فعالیت موشک‌های بالستیک ایران که با تعهدات این کشور بر اساس قطعنامه شماره ۲۲۳۱ سازمان ملل تطابق ندارد و تهدیدی برای امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود، اعلام کرده‌ایم.

جمهوری اسلامی در حالی طرح برای «امنیت می‌دهد که خودش عامل اصلی خرابکاری و عدم امنیت و تنش در منطقه است! به همین دلیل هم طرح‌هایش مورد استقبال قرار نمی‌گیرد.

سیدعباس عراقچی معاون وزیرخارجه جمهوری اسلامی با هدف ترغیب کویت‌ها برای پیوستن به «ائتلاف امید» یا همان «ابتکار صلح هرمز» به کویت رفت و پنجشنبه ۱۴ آذر با خالد جاراالله قائم مقام وزارت خارجه این کشور مذاکره کرد.

ایرنا گزارش داد عراقچی در این سفر به تشریح «ابتکار صلح هرمز» پرداخته و به جاراالله گفت «ایران قائل به همکاری دسته‌جمعی توسط کشورهای منطقه برای تأمین امنیت بوده و گفتگو را تنها راه حل همکاری و غلبه بر مشکلات می‌داند».

معاون محمدجواد ظریف از آمدگی ایران برای یافتن ساز و کارهای اجرایی در زمینه کاهش تنش‌ها در منطقه صحبت کرده است و راه حل سیاسی و مذاکره بین جریان‌ها مختلف یعنی را تنها راه خاتمه جنگ در یمن دانست و از مذاکرات موجود میان دولت نجات ملی یمن و سایر طرفین استقبال کرد.

در توییت محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی، پنجشنبه، به زبان عربی نوشته شده است: «ایران هیچ فایده‌ای در ادامه جنگ و محاصره یمن نمی‌بیند و از راهکارهای مسالمت‌آمیز استقبال و همه طرف‌ها را به پیامودن این مسیر تشویق می‌کند. جمهوری اسلامی ایران پشتیبان ابتکاراتی است که برای



دو تصویر بالا از محموله‌ای است که آمریکایی‌ها اخیراً در دریای عرب از لنج چوبی کشف کردند و دو تصویر پایین تسلیحاتی است که قبلاً ایران برای حوثی‌ها ارسال کرده

بازگشت سعادت و نیکروزی به یمن دعوت به گفتگو می‌کند»

در روزهای اخیر ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن در حوالی مرز ایران و قطر

زنان شاخص

پروانه وثوق (۱۳۱۴ - ۱۳۹۲)



پروانه وثوق دارای مدرک فوق تخصص خون و سرطان شناسی کودکان، رئیس هیئت امنای بیمارستان محک و عضو فرهنگستان علوم پزشکی ایران بود. وی را «فرشته نجات کودکان سرطانی ایران» و «مادر ترازای ایران» می‌نامیدند. او دکترای عمومی خود را در سال ۱۳۴۲ از دانشکده علوم پزشکی تهران گرفت و دوره‌های تخصصی و فوق تخصصی در خون و سرطان شناسی را در دانشگاه‌های کمبریج، ماساچوست و ایلینوی گذراند. وثوق همچنین دوره تکمیلی پزشکی خود را در دانشگاه واشنگتن به پایان رساند. وی پس از اتمام تحصیلاتش به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۰ در «مرکز آموزشی درمانی شهرآزاد» تهران آغاز به کار کرد. او بخش خون شناسی و سرطان شناسی را در این بیمارستان راه‌اندازی کرد. او همچنین از ابتدای تأسیس مؤسسه محک در سال ۱۳۷۰ با این مرکز همکاری می‌کرد و از آغاز فعالیت بیماری در سن ۷۸ سالگی درگذشت.



سلامت قلب و عروق خونی با خوردن پنیر

عاشقان پنیر، شاد باشید! مطالعه‌ای که در مورد فواید خوردن پنیر توسط Penn State انجام شده، نشان می‌دهد که آنتی‌اکسیدان‌های موجود در پنیر، از عروق خونی در مقابل آسیب‌های ناشی از نمک رژیم غذایی، محافظت می‌کند. محققان معتقدند بزرگسالانی که بیش از اندازه نمک در رژیم غذایی مصرف می‌کنند، عملکرد عروق خونی مختلی دارند. اما آنهایی که در کنار همین مقدار نمک، چهار نوبت پنیر می‌خورند، اختلال قابل توجهی در رگ‌های خونی دیده نمی‌شود. بیلی الیا، یکی از محققان در مرکز Penn State اظهار دارد این یافته‌ها به مردم کمک می‌کند تا با کاهش دادن خطرات ناشی از خوردن نمک زیاد، غذاهایی را که مزه‌ی خوبی دارند، متعادل کنند. از آنجایی که سدیم در دوزهای پایین یکی از موادمعدنی مورد نیاز بدن است، محققان باور دارند که مقدار زیاد سدیم رژیم غذایی در افزایش ریسک ابتلا به بیماری‌های قلبی و فشارخون بالا تاثیر دارد. انجمن قلب آمریکا اعلام کرده که مصرف ۲.۳۰۰ میلی‌گرم نمک در روز خطرناک است. میزان ایده‌آل نمک مصرفی برای اغلب بزرگسالان، ۱.۵۰۰ میلی‌گرم می‌باشد. طبق گفته‌های لیسی الکساندر، استاد کینز پولوژی (مطالعه‌ی مکانیسم‌های حرکات بدن) و یکی از محققان Penn State، ارتباط مستقیمی بین محصولات لبنی و حتی پنیرهای پرنمک، و بهبود سلامت قلبی عروقی وجود دارد. نتایج مطالعات مرتبط با فواید خوردن پنیر نشان می‌دهد افرادی که به طور روزانه و چند نوبت لبنیات مصرف می‌کنند،

باید بدانید؟ باز فشارخون کمتری نسبت به سایرین کک و مک، لکه هم رنگ‌های مکمل؛ هر چند که گاهی برای جذاب شدن آرایش نیاز به رنگ‌های متضاد هم دارید. بنابراین اگر چشم شما آبی یا قهوه‌ای روشن است از رنگ‌های مسی و برنز استفاده کنید که این ترکیب جلوه شگفت‌انگیزی به چهره شما خواهد داد. اگر چشمان شما سبز یا قهوه‌ای سوخته است، رنگ‌های بنفش یا مایه‌های سرخ را به کار ببرید. و اگر رنگ چشم شما قهوه‌ای نه تیره و نه خیلی روشن است شما خوش شانس هستید! چون می‌توانید از هر رنگی برای آرایش چهره استفاده کنید اما با این حال اگر می‌خواهید چشم‌های شما در نقطه‌ی کانونی قرار بگیرد سعی کنید از سایه‌های چشم به رنگ‌های آبی، بنفش و طلایی کمک بگیرید.

رنگ لب را درست انتخاب کنید
همان طور که قبلاً گفتیم قانون مشخصی در آرایش وجود ندارد بنابراین هر رنگی که دوست دارید مناسب خواهد بود. اما انتخاب رنگ به طور جدی در زیبایی ظاهر شما کمک می‌کند. اگر سایه‌ای با رنگ نامناسب بزنید ممکن است شما بیمار به نظر بیایید بنابراین رنگ‌ها در ظاهر چهره شما تاثیر خواهند گذاشت و کمک می‌کند جذاب تر به نظر بیایید. پس اگر رنگ زمینه پوست شما سرد است برای مثال رنگ سرخابی یا بنفش را انتخاب کنید که ته مایه‌های رنگ آبی دارد. و اگر رنگ زمینه پوستی شما گرم است از رنگ‌های گرم مثل گلبهی یا قرمز-نارنجی کم‌رنگ استفاده کنید که بر پایه رنگ قرمز هستند. برای عمق دادن به رنگ چهره می‌توانید از قهوه‌ای-قرمز و یا رنگ‌های تیره تر کمک بگیرید.

تئوری رنگ در آرایش چهره

خود را می‌بینید زمینه پوست شما سرد است. همچنین اگر در هر دو - طلا و نقره- به خوبی دیده می‌شوید پس رنگ پوست شما خنثی است. تعیین درست زمینه رنگ پوست شما ضرورت دارد چرا که پوست زمینه گرم بر پایه رنگ زرد و پوست زمینه سرد بر پایه صورتی هستند. به طور کلی، دانستن رنگ زمینه پوست شما اساس انتخاب رنگ‌ها در آرایش را به شما نشان خواهد داد.

به خوبی لک‌ها را بپوشانید
مطمئناً کانسیلر بهترین پوشاننده است ولی برای این کار باید قطعا از حجم زیادی کانسیلر استفاده کنید. به بیان دیگر کانسیلر جوش و لک را روشن تر نشان می‌دهد به جای این کار رنگ زمینه پوست خود را در نظر بگیرید سپس با یک رنگ همسان یا پوست، جوش و لک خود را بپوشانید تا یکدست به نظر بیاید. رنگ‌های مکمل را به خاطر دارید؟ اینجا همان

تسلط بر دایره رنگ و تغییر نحوه آرایش
بارها اتفاق افتاده که وقتی به یک فروشگاه لوازم آرایشی یا فروشگاه اینترنتی وارد می‌شوید می‌گویید «وای! چه رنگ‌های قشنگ و با حالی!» و بلافاصله دست به جیب می‌شوید و خرید می‌کنید. شاید خرید شما به یک رژ لب صورتی یا یک سایه چشم نقره‌ای محدود شود اما نزدیک شدن به رنگ‌هایی فراتر از این برای شما ترسناک باشد. این ترس یک علت مهم دارد و آن تئوری رنگ است. آرایش هم به گونه‌ای بی‌ارتباط نیست. چرخه رنگ برای چنین کاربردهایی لازم است. گام اول برای شناخت چرخه رنگ درک درست دسته بندی رنگهاست. رنگ‌ها دو نوع هستند: سرد و گرم. رنگ مثلا رنگ‌های قرمز، زرد و نارنجی جزء رنگ‌های گرم و رنگ‌هایی مثل آبی و سبز در دسته رنگ‌های سرد محسوب می‌شوند. گام دوم شناخت رنگهای مکمل است. کار ساده‌ایست هر رنگی که از چرخه رنگ انتخاب کردید رنگ مقابل آن مکمل است. مثلا قرمز مقابلش سبز، آبی مقابلش نارنجی و بنفش مقابلش زرد است. به همین سادگی! حالا این‌ها چه اهمیتی دارند؟ خواهید دید.

زمینه رنگ پوست خود را بشناسید
رنگ پوست همه افراد یک زمینه کلی دارد: گرم، خنثی و سرد. چند راه برای تعیین رنگ پوست وجود دارد. ساده‌ترین راه بررسی رگ است. رگ قسمت زیر مچ دست را نگاه کنید. اگر رنگ آن آبی است زمینه پوست شما «سرد» است. و اگر سبز است زمینه پوست شما «گرم» است. اگر برای تشخیص این موضوع دچار مشکل می‌شوید، روش بعدی این است که خود را در یک جواهر ببینید. اگر شما خودتان را در طلا بهتر می‌بینید زمینه رنگ پوست شما گرم است و اگر در نقره بهتر

جایی است که رنگ‌های مکمل به کار می‌آیند. آرایش از اسمش مشخص است تنها چهره را آراسته می‌کند. و به واقع هیچ قانون مشخصی برای آن وجود ندارد. اما اگر شما می‌خواهید به چهره‌ای همه‌پسند برسید لازم است که از زمینه رنگ گرم کمک بگیرید. اگر زمینه رنگ پوست شما سرد است از رنگ‌های هم خانواده صورتی کمک بگیرید و اگر رنگ پوست شما گرم است از رنگ‌های هم خانواده نارنجی کمک بگیرید. حالا اگر زمینه رنگ پوست شما خنثی بود می‌توانید از گرم‌های برنزه کردن یا سفید کننده‌ها استفاده کنید. یک قانون کلی وجود دارد: پوست برنزه با قهوه‌ای متمایل به زرد خیلی متناسب است در عین حال می‌توانید خطوطی از رنگ‌های سرد را هم به کار بگیرید. چشم‌هایتان را بر طرفدار کنید خوب می‌دانید که آرایش چشم‌ها وقتی کامل و زیباتر می‌شود که سایه‌ها درست استفاده شوند. و برای این کار فکر می‌کنید که چه چیزهایی



زن روز



فروغ فرخزاد

آه، ای مردی که لب‌های مرا از شرار بوسه‌ها سوزانده‌ی هیچ در عمق دو چشم خامشم راز این دیوانگی را خوانده‌ی هیچ می‌دانی که من در قلب خویش نقشی از عشق تو پنهان داشتم هیچ می‌دانی کز این عشق نهان آتشی سوزنده بر جان داشتم گفته‌اند آن زن زنی دیوانه است کز لبانش بوسه آسان می‌دهد آری، اما بوسه از لب‌های تو بر لبان مرده‌ام جان می‌دهد ... این کتابی بی‌سرانجامست و تو صفحه‌کوتاهی از آن خوانده‌ی!

علت و راه‌های درمان کک و مک

کک و مک به کار گرفته می‌شوند. تجمع زیاد و غیر طبیعی ملانین در نقطه‌ای از پوست نیست. افراد مختلف دارند و این لکه‌های پوستی اغلب با قرارگیری در معرض پرتو فرابنفش بازمی‌گردد. کرم‌های روشن کننده: محصولات حاوی هیدروکینون و کوئیک اسید به صورت نسخه و غیر نسخه ای برای درمان کک و مک به کار می‌روند. غلظت بالای هیدروکینون بالای ۲ درصد، دارویی نسخه ای است. این محصولات در صورت استفاده مداوم در طول چند ماه می‌توانند به روشن تر شدن کک و مک‌ها کمک کنند. کرم‌های روشن کننده اغلب در کنار عدم قرارگیری در معرض نور خورشید و استفاده از ضد آفتاب می‌تواند در درمان کک و مک موثر باشد.

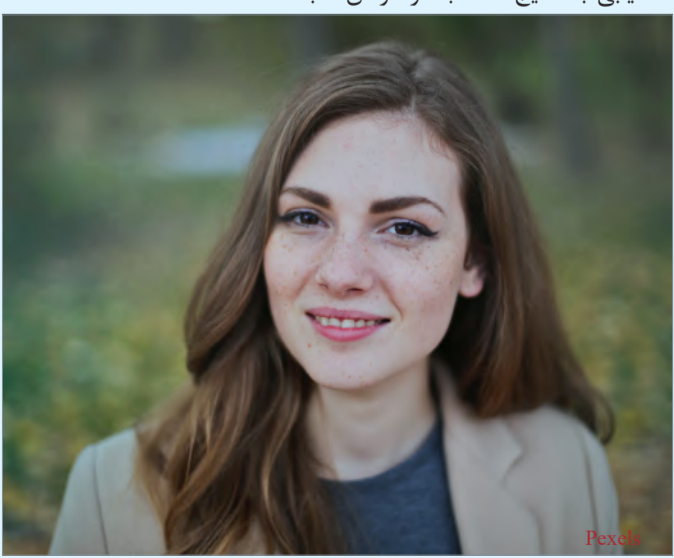
رتینوئیدها: داروهایی چون تریتینوئین، تازاورتن و آداپالن می‌توانند در ترکیب با کرم‌های روشن کننده در درمان کک و مک به کار گرفته شوند. این داروها با استفاده مداوم برای مدت چند ماه به روشن تر شدن کک و مک‌ها کمک می‌کنند.

کرایوسرجی: انجماد پرتو با نیتروژن مایع می‌تواند در درمان برخی از انواع کک و مک به کار رود. همه انواع کک و مک به روش درمانی کرایوسرجی پاسخ نمی‌دهند.

لیزر درمانی: لیزر درمانی روش دیگری است که برای روشن کردن و رفع کک و مک به کار می‌رود. در این روش از یک منبع نوری قوی برای درمان کک و مک استفاده می‌شود.

نکات مهم:

روش‌های درمانی با نور با پالس بالا از دیگر راه‌های درمان کک و مک و روشن تر کردن آن‌ها هستند. پیلینگ شیمیایی نیز می‌تواند در روشن تر کردن کک و مک و بهبود پیگمنتاسیون نامنظم کمک کننده باشد.



زیادی به وراثت بستگی دارد. **درمان کک و مک**
درمان کک و مک به ندرت انجام می‌شود. برخی از روش‌های ایمن برای کمک به روشن تر شدن یا کاهش کک و مک‌ها وجود دارند. در بیشتر موارد، ترکیبی از چندین روش برای دستیابی به نتایج مناسب در درمان

یا سیاه است. در واقع کک و مک، اندکی از پوست اطراف تیره تر است. این لکه‌های پوستی بعد از قرارگیری در معرض نور خورشید تیره تر شده و در ماه‌های زمستان رنگ روشن تری پیدا می‌کنند. کک و مک در اثر افزایش مقدار رنگدانه پوستی به نام ملانین و افزایش تعداد سلول‌های تولید کننده رنگدانه پوستی به نام ملانوسیت‌ها ایجاد می‌گردد. **علت کک و مک**
نصرت بر این است که کک و مک در اثر ترکیبی از زمینه ژنتیکی و قرارگیری در معرض نور خورشید ایجاد می‌شود. خورشید و دستگاه‌های برنزه کننده هر دو پرتو فرابنفش را متصاعد می‌کنند که جذب شدن آن به پوست، تولید رنگدانه ملانین توسط ملانوسیت‌های پوستی افزایش می‌یابد. افرادی که موهای بلوند یا قرمز، چشم‌هایی با رنگ روشن و پوست روشن دارند به طور خاص مستعد آسیب دیدن تحت تاثیر پرتوهای فرابنفش و در نتیجه ابتلا به کک و مک هستند. این لکه

جدایی سرمربی بلژیکی از تیم ملی قطعی شد



مارک ویلموتس

کناره‌گیری ویلموتس سرمربی تیم ملی فوتبال ایران که پس از جدایی کارلوس کیروش جانشین او شده بود، حتمی شد و گفته می‌شود به احتمال زیاد برانکو ایوانکوویچ سرمربی کروات پیشین تیم ملی دوباره رهبری تیم ایران را عهده دار خواهد شد. رسانه بلژیکی Walfoot نوشته: مارک ویلموتس که پیش از این سرمربیگری تیم آن کشور را به عهده داشته پیش از آنکه در مسئولیت جدید خود در ایران جا بیفتد، به زودی تهران را ترک می‌کند. بعد از آنکه کیروش سرمربی اهل پرتغال بعد از ۸ سال مدیریت تیم ملی ایران برای مدیریت تیم ملی کلمبیا به آن کشور رفت، فدراسیون فوتبال ماه‌ها به دنبال استخدام یک مربی سرشناس و خوش‌سابقه در حد کیروش بود. تا آنکه سرانجام با ویلموتس به توافق رسید. اما این مربی در طول مدتی که رهبری تیم ایران را به عهده داشت، هیچگاه در پست جدید خود جا نیفتاد و نتایج خوبی به دست نیاورد. ضمن آنکه او هم مانند کیروش از نظر دریافت حقوق خود به ارز خارجی همواره با فدراسیون فوتبال و شخص مهدی تاج

رئیس آن مشکل داشت و سرانجام تصمیم به استعفا گرفت. به گزارش رسانه بلژیکی در حال حاضر دو طرف بر سر مسائل مالی مشغول بحث و گفتگو هستند. البته مربی بلژیکی کار را به وکلای خود واگذار کرده است. با قطعی شدن خداحافظی ویلموتس با تیم ملی فوتبال و انتشار خبر آن در رسانه‌ها، یکی از کاربران در وبسایت فرارو نوشته: فدراسیون نشینان، در رأس آنها مهدی تاج به خاطر سوء

فروش «ساعتی» صندلی‌های اتوبوس‌های تهران با مبلغ بیشتر! صندلی اتوبوس هم نصیب آنهایی می‌شود که پول بیشتری دارند!



واحد، در پی گران شدن قیمت بنزین رسیده است! در پی افزایش قیمت بنزین و در نتیجه افزایش جمعیت مسافران وسایل نقلیه عمومی، سازمان اتوبوسرانی عمومی تهران، نه تنها قیمت بلیت اتوبوس‌ها را پایین نیاورده بلکه اقدام به فروش صندلی اتوبوس‌ها با قیمت بالاتر نیز کرده است!

پیمان سنندجی مدیرعامل اتوبوسرانی تهران به خبرگزاری فارس یکی از راهکارهای مدیریت افزایش تعداد مسافران وسایل نقلیه عمومی را فروش صندلی به مسافران خواند و گفت: «یکی از این راهکارها امکان خرید صندلی برای مسیرهای خاص توسط مسافر است که این سیستم DRT نام دارد.»

وی این «راهکار» را یکی از راهکارهای زیادی دانست که پیش‌بینی شده است! سنندجی همچنین گفته که «در حال حاضر آمار دقیقی از تأثیر گرانی بنزین بر تعداد مسافران اتوبوس مشخص نشده و در حال بررسی این موضوع هستیم. آنگونه که مدیرعامل سازمان اتوبوسرانی تهران شرح داده، این فروش صندلی در ساعات اوج ترافیک تهران صورت می‌گیرد و قرار است در همین آذرماه راه‌اندازی شود.

به گفته‌ی سنندجی، نرخ بلیت این صندلی‌ها کمی بیشتر از اتوبوس‌های معمولی است ولی راهکار مناسبی با توجه به شرایط موجود است! او درباره سودهای اجرایی شدن این طرح گفته است: «خرید صندلی و رزرو آن سبب می‌شود تا متوجه شویم میزان تقاضا در یک مسیر چه تعداد است و بر همان اساس اتوبوس به تعداد مناسب در زمان خاص پیش‌بینی کنیم.»

آمریکادعوت ایران از تیم‌های کشتی آن کشور را رد کرد



محمد بنا



هومن توکلیان

درگیر حرف باشیم؟ آنهم حرف‌های صد من یک‌گاز! به گفته‌ی وی، متأسفانه لیگ کشتی ما هم شده محل کاسی برای یک عده خاص که با رفقا و اقوام جمع شده‌اند دور هم بدون آنکه به فکر یک مربی سازنده باشند. بعد هم الهی شکر همیشه انگشت اتهام آنها به سوی ماست که به سازنده‌ها بها نمی‌دهیم. او ادامه داد: واقعا مسئولین و مربیان تیم‌های حاضر در لیگ با چه معیاری انتخاب شده‌اند؟ افرادی در رأس تیم‌ها می‌بینیم که نه سابقه مربیگری دارند و نه تجربه مدیریتی. صرفاً به خاطر پیوند قوم و خویشی صاحب منصب شده‌اند و تنها دنبال نشان دادن خودشان هستند. آقایانی که از گردش مالی میلیاردی لیگ کشتی حرف می‌زنند، چرا هنوز طلب کشتی‌گیران را نپرداخته‌اند؟ گویا مسائل بزرگتری شما را درگیر کرده، مثل گرفتن عکس یادگاری با استاندار، رئیس فدراسیون و مسئول ثروتمند فلان تیم!

انفجار گاز در مراسم عروسی در سقز ۱۱ کشته از جمله پنج کودک بر جای گذاشت



تصویری از تالار عروسی پس از حادثه‌ی تلخ در سقز



تجمع مردم سقز مقابل بیمارستان «امام خمینی» محل بستری شدن مجروحان

کردستان، «مالک تالار شب گذشته بلافاصله بعد از وقوع حادثه به دستور دادستان بازداشت شده و امروز هم یک کارگروه برای پیگیری و نظارت بر وضعیت ایمنی واحدهای فعال در این حوزه در سطح استان تشکیل شده است.» این خوراکی بامیرای شهردار سقز در خصوص گفته که این حادثه در تالار مانگه‌شو در شهر سقز روی داده و «دلیل ازدحام جمعیت و همچنین حضور ماشین‌های مختلف در مقابل این تالار عروسی»، امدادرسانی «با مشکل مواجه» شده است. آنگونه که شهردار سقز شرح داده، بر اثر وحشت مردم از صدای انفجار کپسول گاز و هجوم جمعیت به سمت در خروجی سالن، تعدادی «زیر دست و پا مانده و متأسفانه در نهایت ۱۱ نفر کشته و بیش از ۴۰ نفر زخمی می‌شوند.»

با اعلام اسامی افراد کشته شده در این حادثه معلوم شد که شمار زیادی از آنها کودک و افراد سالخورده هستند.

آمریکا در این مسابقات و آمادگی میزبان برای پرداخت هزینه سفر آنها به ایران، آیا امکان تجدید نظر در این تصمیم وجود دارد یا خیر، تأکید کرده: زمان کوتاهی تا پایان سال میلادی باقی نمانده و معمولاً مسابقات در سراسر جهان به صورتی برنامه‌ریزی شده که با این ایام تداخل نداشته باشد. ضمن آنکه تنها دو هفته تا شروع این دیدارها زمان باقی است و عملاً فرصت کافی برای آمادگی و تدارک سفر وجود ندارد. سرپرست تیم آمریکا یادآور شده: برای انجام هماهنگی باید حداقل سه ماه پیش از آغاز تورنمنت‌ها در مورد این دعوت اقدام می‌شد تا در صورت موافقت با شرکت تیم‌های کشتی آمریکا در این زورآزمایی‌ها، امکانات سفر مهیا می‌شد. همزمان با دعوت فدراسیون کشتی ایران از تیم‌های کشتی آزاد و فرنگی آمریکا برای حضور در رقابت‌های جام باشگاه‌های جهان، محمد بنا سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی ایران از سخنان اخیر عبدالمهدی نصیرزاده رئیس سازمان لیگ کشتی کشور به شدت انتقاد کرده و گفته است: رئیس سازمان لیگ کشتی در مصاحبه اخیر خود در مورد گردش مالی لیگ کشتی طوری حرف زده که انگار وزارت نفت درباره صادرات نفت با اعداد و ارقام گزارش سالانه داده است. آخر چقدر حرف؟! تا کی باید

انتقاد شدید سرمربی تیم ملی از فدراسیون کشتی: افرادی در رأس تیم‌های لیگ کشتی کشور هستند که نه سابقه مدیریت و نه بجا‌ی نان و خاویار نوش جان کردن، طلب کشتی‌گیران مظلوم را پرداخت کنید!

در حالی که جمهوری اسلامی از تیم‌های کشتی آزاد و فرنگی ایالات متحده برای شرکت در رقابت‌های جام کشتی باشگاه‌های جهان که در هفته آخر آذرماه در شهر بجنورد برگزار می‌شود، بطور رسمی دعوت به عمل آورده اما دولت آمریکا به این دعوت پاسخ مثبت نداده است. هومن توکلیان سرپرست ایرانی تیم ملی کشتی آمریکا در مورد رد دعوت ایران از سوی فدراسیون کشتی ایالات متحده گفته: تمرکز آمریکا در حال حاضر بطور کلی روی موفقیت کشتی‌گیران این کشور در بازی‌های المپیک توکیو است. بنابراین از شروع سال ۲۰۱۹ و زمان بسته شدن تقویم مسابقات هم تصمیم بر این است که در مبارزات باشگاه‌های جهان حضور نداشته باشیم. او در پاسخ این پرسش که با توجه به اهمیت شرکت کشتی‌گیران ملی

تالار عروسی فاقد کپسول آتش‌نشانی بوده و انفجار بر اثر پاره شدن شلنگ بخاری گازی صورت گرفته است.

مالک تالار عروسی دیشب بازداشت شده است. پنج کودک در این حادثه‌ی تلخ کشته شدند.

شامگاه دیروز پنجشنبه ۱۴ آذرماه بر اثر انفجار کپسول گاز در یک تالار عروسی در شهر سقز استان کردستان ۱۱ نفر جان باختند و ۴۲ نفر مصدوم شدند. جانب‌باختگان عمدتاً کودک و افراد سالمند هستند که زیر دست و پا ماندند. شامگاه دیروز پنجشنبه ۱۴ آذرماه بر اثر انفجار کپسول گاز در یک تالار عروسی در شهر سقز استان کردستان، ۱۱ نفر جان باختند و ۴۲ نفر مصدوم شدند.

گزارش‌ها حاکیست این حادثه به دلیل نشت گاز مایع از شلنگ کپسول ال‌پی‌جی و در نتیجه آتش‌سوزی

سنندجی ادامه داد: «بطور مثال مسیر میدان ونک به آزادی در ساعات پیک ترافیک مسافران زیادی دارد ولی در ساعات غیرپیک تعداد مسافران به شدت کاهش می‌یابد. بر همین اساس می‌توانیم برای دو ساعتی که اوج ترافیک است، فروش ساعتی صندلی‌های اتوبوس را انجام دهیم. به طور مثال مسافرین می‌توانند از ساعات ۷ تا ۷:۱۰ را یک صندلی برای خود خریداری کنند.»

به گفته‌ی سنندجی، این طرح در ساعات اوج ترافیک تهران صورت می‌گیرد و قرار است در همین آذرماه راه‌اندازی شود.

خامنه‌ای، وحشت از سقوط، انسان‌نمایی مصلحتی و مزورانه



حوادث اخیر با پوشش و حجاب زنانه به نقطه دیگری از شهر منتقل شده گفته، ایده اصلی این بیانیه از سردار شمشانی دبیر شورای امنیت ملی است. او در این اطلاعیه مصلحتی نوشته است: شهروندان عادی که بدون داشتن هیچگونه نقشی در اعتراضات ساخته نیست.

خامنه‌ای در این سال‌ها به عنوان معجونی از ترکیب استالین، کیم جونگ اون، چائوشسکو و انور خوجه حرف زده و رفتار کرده است. او در واکنش به اظهار نظرهای برخی از اسلام‌شناسان و مجتهدین که می‌گویند: اسلام دین مهربانی و رثوت است گفته: برداشت و تصور شما از اسلام درست نیست، اسلام دین جنگ است!

به اختیارات همه و همه را مانند سیلی خروشان با خود به دیار عدم خواهد برد.

بنابراین روحانی نیز مانند دیگر مقامات و مسئولان رژیم جز خوابیده پارس کردن هنر دیگری از دستش ساخته نیست.

خامنه‌ای در این سال‌ها به عنوان معجونی از ترکیب استالین، کیم جونگ اون، چائوشسکو و انور خوجه حرف زده و رفتار کرده است. او در واکنش به اظهار نظرهای برخی از اسلام‌شناسان و مجتهدین که می‌گویند: اسلام دین مهربانی و رثوت است گفته: برداشت و تصور شما از اسلام درست نیست، اسلام دین جنگ است!

مینو یگانه - علی خامنه‌ای از آغاز فعالیت‌های سیاسی به عنوان آخوندی تندرو با تمایلات چپ شناخته می‌شد. او نه تنها همچنان اینگونه خلق و خو را حفظ کرده بلکه به دلیل رسیدن به تخت سلطنت و جانشینی روح‌الله خمینی و حرص مقام، قدرت و ثروت به دیکتاتوری بی‌رحم و سرکوبگر تبدیل شده بطوری که اکنون وجوهات مشترک فراوانی با حسین شریعتمداری، نماینده اش در کیهان غضب شده در تهران دارد.

حسن روحانی در ماه‌های آغازین ریاست جمهوری هرگاه برای کسب محبوبیت میان نسل جوان و دانشجویان می‌گفت، باید روزنه‌هایی را برای اظهار نظر و اعتراضات دانشجویی باز گذاشت، ساعتی بعد خامنه‌ای به شدت از او انتقاد می‌کرد و می‌گفت اینگونه دست و دلبازی‌ها که از سوی بعضی مقامات برای تشویق دانشجویان به گسترش فعالیت‌های سیاسی مطرح می‌شود، آرامش کنونی محیط‌های آموزشی و دانشجویی را بر هم می‌زند و مورد سوء استفاده مخالفان حکومت قرار خواهد گرفت. در حالی که فضای دانشگاه‌ها در حال حاضر آرام و بدون تشنج است! و دانشجویان سرگرم تحصیل و تحقیق هستند و نباید آنها را به فعالیت‌های سیاسی که تهدیدی برای حکومت است تشویق نمود.

تا پایان دوره اول ریاست جمهوری روحانی، این قبیل طعنه‌ها و کشمکش‌های لفظی بین رهبر رژیم و رئیس جمهوری که خود را منتخب مردم تصور می‌کند ادامه داشت و واکنش او نیز معمولاً احم و تخم خامنه‌ای را به همراه داشت و خلاصه چیزی نمانده بود تا رابطه روحانی با ولایت مطلقه فقیه نیز شبیه رابطه او با رفسنجانی و احمدی نژاد شود.

در روزهای اخیر مردم برای نخستین بار «رهبر فرزانه» را با چهره‌ای بیمارگونه، فرسوده و رنگ پریده در حالی که سخنان خود را درباره لزوم رفتار مهربانانه با معترضین بازداشت شده و خانواده مقتولین، جویده جویده ادا می‌کرد، در تلویزیون دیدند.

خامنه‌ای روز چهارشنبه این هفته برای اولین بار بعد از رسیدن به خلافت، سخنانی در همدردی با قربانیان اعتراضات اخیر که به دستور خود او به دست آتش به اختیارانش کشته شده‌اند به زبان آورد که از انسان سنگدلی مانند او سابقه نداشته است.

وی که در شروع اعتراضات مردمی به گرانی، تبعیض و فساد در درون حکومت، سپاه و اطرافیان شخص او در سراسر ایران به خیابان آمده بودند، به نیروهای تحت فرمانش دستور اکید داد هرگونه حرکت اعتراضی را در نطفه خفه کنند و در سرکوب معترضین هیچگونه ملاحظه‌ای روا ندارند.

اما رهبر مزور رژیم، روز چهارشنبه ناگهان بیانیه‌ای منتشر کرد که پیدا بود ترس از سر گرفته شدن شورش مردمی و ادامه آن تا سقوط او و حکومتش باعث گردش ناگهانی وی شده است.

خامنه‌ای که گفته می‌شود در جریان

پاسخ به آشنا نوشته است: «هن از شما عذرخواهی می‌کنم که بنزین را گرون کردم. از ملت می‌خوام در انتخابات به شما رأی بدهند تا این اتفاقات تکرار نشه».

آشنا یک روز بعد در توییت دیگری نوشته است: «اینکه مردم احساس کنند بنزین ناگهان سه برابر شده است (خود سهمیه‌های هم ۵۰ درصد که میزان کمی نیست) و هیچ کاری هم نمی‌توانند بکنند، تاثیر بسیار ویرانگری دارد. ذهن‌ها ملتهب است و باید قدمی بلند به سوی مردم برداشت تا از این احساس تلخ رها شوند!»

حال آنکه چنین حرف‌هایی بیش از پیش خشم مخاطبان را علیه دولت و مدافعانش بر می‌انگیزد چرا که آنها می‌بینند مسیبان این وضعیت نه تنها حاضر نیستند نقش و مسئولیت خود را بپذیرند بلکه با ژست‌های مضحک گاه از مردم طلبکار هم می‌شوند!

عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور دولت روحانی نیز در پی گران شدن کالاها و ایجاد موجی از تورم به دلیل گران شدن بنزین، نگران افکار عمومی است. او گفته است «زمانی که قیمت بنزین افزایش می‌یابد، یک مقدار افزایش قیمت‌ها طبیعی است. وقتی بنزین ۱۵۰۰ تومان شده طبیعی است که بر برخی مسائل تاثیر می‌گذارد، اما این میزان تاثیر، کارشناسی شده و معلوم است، اما اگر کسانی فراتر از این بخواهند سودجویی کنند، انصافاً بی‌توجهی به افکار عمومی و مردم است.»

همه اینها نشان می‌دهد مقامات جمهوری اسلامی که چهار دهه است بطور پی در پی در حال تخریب فرصت‌ها و منابع کشور هستند، در مقابل موج گسترده‌ای از اعتراضات مردم و نارضایتی آنها از کلیت نظام، چنان در لب پرتگاه قرار گرفته‌اند که تمرکز خود را برای تعیین راهبردهای کوتاه‌مدت جهت عبور از بحران یا دست کم مدیریت آن کاملاً از دست داده‌اند و پریشانگویی می‌کنند.

فراقنی حسن روحانی و پاسکاری حسام‌الدین آشنا؛ علت این عدم تمرکز و پریشانگویی چیست؟



دست و پنجه نرم می‌کنند از سوی رئیس دولت تدبیر و امید دو هفته پس از تصمیم ناگهانی سهمیه‌بندی و افزایش قیمت بنزین و ایجاد موجی تازه از تورم در حالیست که او پیشتر در دروغی بزرگ مدعی شده بود که همزمان با مردم، از خبر اجرای گران شدن بنزین مطلع شده است! او گفته بود: «من هم صبح جمعه فهمیدم قیمت بنزین تغییر کرده، چون اجرای تصمیم سران قوا را به شورای امنیت کشور واگذار کرده بودم.»

این سخنان روحانی با واکنش‌های بسیاری روبرو شد. جدا از مردم و کاربران شبکه‌های اجتماعی برخی از مقامات نیز بر او تاختند. علی مطهری نماینده مجلس شورای اسلامی ادعای بی‌اطلاعی روحانی از گران شدن بنزین را نقد کرد و گفت: «می‌توان این عذر را برای تقصیر ایشان در نحوه اجرای تصمیم مذکور پذیرفت.»

حمیدرضا حاجی بابایی رئیس فراکسیون نمایندگان ولایتی مجلس شورای اسلامی نیز گفت که این ادعای روحانی «در شان رئیس جمهور ایران و ملت بزرگ ایران نبود.»

اما شیوه اظهار نظر درباره بحرانی که سهمیه‌بندی و گرانی بنزین راه انداخته تنها مختص حسن روحانی نیست و برخی دیگر از مقامات دولتی نیز اظهار نظرهایی بحث‌برانگیز داشته‌اند.

حسام‌الدین آشنا مشاور فرهنگی رئیس جمهور و رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری نیز در روزهای گذشته با توییت‌های پی در پی درباره گران شدن بنزین بسیاری از کاربران را به حیرت وا داشته است؛ برخی این شیوه از موضعگیری او را وقیحانه و برخی از سر استیصال و پریشان‌حوالی ارزیابی می‌کنند.

پس از آنکه خامنه‌ای در سخنانش به مردم و کارکنان دستگاه‌های دولتی و نظامی دستور داد که با مردم مهربانانه برخورد کنند، روحانی نیز در سخنانش به مردم و کارکنان دستگاه‌های دولتی و نظامی دستور داد که با مردم مهربانانه برخورد کنند.

اما روحانی در دور دوم ریاست جمهوری‌اش همان اندرز معروف را که «همه ما سرنشینان یک کشتی هستیم و اگر توفان سهمگینی رخ بدهد، نه تو منی و نه من» بعد از دیدار با رؤسای ارتش و سپاه آویزه گوش قرار داد و ناگهان دم فرو بست بطوری که از یک سال پیش تا کنون نیز وقت و بی‌وقت برای سران آمریکا، اروپا و عربستان کرکری خوانده و خط نشان کشیده است. اما در همان حال می‌گوید آماده مدت‌هاست صدای شکستن استخوان‌های کمر دولت، رهبر رژیم، سپاه، ارتش و بقیه تشکیلات و تاسیسات جمهوری اسلامی به گوش همه دنیا رسیده است. به هر روی در صورت ادامه طغیان مردم همانطور که این‌بار نیز دنیا شاهد آن بود، رهبر و رئیس جمهوری و سپاه و بسیج و آتش

حسن روحانی پس از شش سال کشورداری و در شرایطی که اقتصاد ایران بحران‌های شدید معیشتی برای اکثر قشرهای جامعه ایجاد کرده، به این نتیجه رسیده است که اگر رفتید در مغازه و کالایی امروز ۱۰۰۰ تومان و ۶ ماه بعد ۲۰۰۰ تومان شد، دیگر زندگی خیلی سخت می‌شود؛ خیلی مشکل می‌شود!

سهمیه‌بندی و گران شدن بنزین در آخرین هفته آبان‌ماه موجی از اعتراضات سراسری در ایران را ایجاد کرد و جرقه‌ای برای بروز نارضایتی مردم از نظام و خواست آنها برای عبور از جمهوری اسلامی شد. در آنسوی اعتراضات اما کارشناسان معتقدند ایجاد موجی از تورم در پی گران شدن بنزین موضوعی اجتناب‌ناپذیر است و با توجه به بحران شدید اقتصادی که بر خاورهای ایرانی حاکم است، این موج تورم بار سنگینی برای آنها ایجاد خواهد کرد.

تنها دو سه روز پس از سهمیه‌بندی و گران شدن بنزین بود که افزایش قیمت در کالاهای مصرفی و خدماتی آغاز شد. گران شدن مواد غذایی چون گوچه فرنگی و تخم‌مرغ، قطعات و لوازم یدکی اتومبیل و کرایه تاکسی نشان داد این اقدام سران قوا که با پیشنهاد دولت و حمایت علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی صورت گرفته اثرات خود را خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد در زندگی مردم نشان داده است.

اکنون حسن روحانی رئیس دولت دوازدهم صبح امروز چهارشنبه ۱۳ آذرماه در بیست و ششمین همایش ملی بیمه و توسعه در تهران به سهمیه‌بندی و گران شدن بنزین و ارائه پارانه معیشتی به بخشی از مردم اشاره کرده و گفته است: «اینکه قیمت تومان بشود ۱۲۰۰ یا ۱۳۰۰ طبیعی است اما اینکه بشود چند برابر دیگر قابل تحمل نیست. اگر رفتید در مغازه و کالایی امروز ۱۰۰۰ تومان و ۶ ماه بعد ۲۰۰۰ تومان شد، دیگر زندگی خیلی سخت می‌شود؛ خیلی مشکل می‌شود. به همین دلیل هم ما آمدیم برای ۱۸ میلیون خانوار و ۶۰ میلیون جمعیت کشور در امسال و سال آینده و تا آخر دولت دوازدهم برای مردم پرداخت کنیم.»

محمد جواد ظریف می‌گوید استعفا نداده؛ پایداری‌ها مدعی‌اند استعفا مربوط به شکست برجام است!

نشد و حمید رسایی نماینده پیشین مجلس و عضو «جبهه پایداری» در توییتی با هشتگ «#بِن_بست_برجام» نوشت: «خبر استعفای ظریف درست است. ظریف با اشاره به حضورش در جلسه دولت، آن را شایعه دانسته در حالی که حضور وی در دولت منافاتی با استعفا کردن ندارد. استعفا کرده‌اید، قهر که نکرده‌اید. طبعاً پیگیر پذیرش استعفا هستید. خب دلایل را شفاف بگویید.»

خبر استعفای ظریف در شبکه‌های اجتماعی به ویژه اکانت‌ها و چهره‌های نزدیک به جریان‌های حامی خامنه‌ای واکنش‌هایی را در پی داشت. کانال تلگرامی «افسران جنگ نرم» نزدیک به فعالان سایبری جمهوری اسلامی در واکنش به خبر استعفای ظریف آن را «عاملی جدید برای بهم ریختن افکار عمومی پس از حوادث اخیر» خواند و نوشت: «در این دوران برجام عقیم، آقایون فقط دنبال اینن که یه جوری از زیر بار مسئولیت شونه خالی کنن. اون پس از ۷ سال معطل کردن مردم، واقعا الان شرایط کشور، شرایط احساساتی عمل کرده.»



تهران، در اینستاگرام استعفا داد! ولی حسن روحانی با این استعفا موافقت نکرد و سلیمانی هم دل او را به دست آورد و وی به کابینه برگشت. آن زمان ابتدا شایعه استعفای ظریف در شبکه‌های اجتماعی مطرح شد و چند نفر از مقامات دولتی آن را رد کردند اما معلوم شد که واقعیت داشته است. با این سابقه این بار خبر شایعه استعفای ظریف به سرعت در شبکه‌های اجتماعی پیچید. به ویژه آنکه یک روز پیش از آن رسانه‌های ایتالیایی اعلام کردند که سفر وزیر

روز چهارشنبه ۱۳ آذرماه، اکانت توییتری وسایت «رجانیوز» وابسته به جریان‌های «ارزشی» و «نزدیک لیتزر زد» ۳۰ تومن ولی باهوش فقط ۲۶ تومن کار کردم. جماعت زیادی از راه مسافرتی با ماشین شخصی زندگی می‌کنند یا به کمک آن به عنوان کار دوم زندگی‌شان را اداره می‌کنند!

این توییت حسام‌الدین آشنا به عنوان یک مقام دولتی با واکنش‌های زیادی از سوی کاربران روبرو شد. یاسر جبرائیلی تحلیلگر مسائل اقتصادی و سیاسی در

تیم رسانه‌ای دولت در شبکه‌های اجتماعی با لیدری حسام‌الدین آشنا در روزهای گذشته دولت را بیش از پیش در موضع ضعف قرار داده است. نگاهی به توییت‌های حسام‌الدین آشنا نشان می‌دهد او در روزهای اول سعی کرد از تصمیم افزایش قیمت بنزین دفاع کند، اما به نظر می‌رسد او هم مانند دیگر اعضای دولت از اعتراضات گسترده در کشور غافلگیر شده و در چرخشی که می‌خواهد خود و دولت را در کنار مردم نشان دهد، موضعی عجیب و گاه مضحک می‌گیرد.

برای نمونه او روز دوشنبه ۱۱ آذرماه در توییتی نوشت: «جراغ بنزین‌یوش روشن شده بود. گفت: تمام شد! ۱۰ لیتر زد» ۳۰ تومن ولی باهوش فقط ۲۶ تومن کار کردم. جماعت زیادی از راه مسافرتی با ماشین شخصی زندگی می‌کنند یا به کمک آن به عنوان کار دوم زندگی‌شان را اداره می‌کنند!

این توییت حسام‌الدین آشنا به عنوان یک مقام دولتی با واکنش‌های زیادی از سوی کاربران روبرو شد. یاسر جبرائیلی تحلیلگر مسائل اقتصادی و سیاسی در

روز چهارشنبه ۱۳ آذرماه، اکانت توییتری وسایت «رجانیوز» وابسته به جریان‌های «ارزشی» و «نزدیک لیتزر زد» ۳۰ تومن ولی باهوش فقط ۲۶ تومن کار کردم. جماعت زیادی از راه مسافرتی با ماشین شخصی زندگی می‌کنند یا به کمک آن به عنوان کار دوم زندگی‌شان را اداره می‌کنند!

این توییت حسام‌الدین آشنا به عنوان یک مقام دولتی با واکنش‌های زیادی از سوی کاربران روبرو شد. یاسر جبرائیلی تحلیلگر مسائل اقتصادی و سیاسی در

تیم رسانه‌ای دولت در شبکه‌های اجتماعی با لیدری حسام‌الدین آشنا در روزهای گذشته دولت را بیش از پیش در موضع ضعف قرار داده است. نگاهی به توییت‌های حسام‌الدین آشنا نشان می‌دهد او در روزهای اول سعی کرد از تصمیم افزایش قیمت بنزین دفاع کند، اما به نظر می‌رسد او هم مانند دیگر اعضای دولت از اعتراضات گسترده در کشور غافلگیر شده و در چرخشی که می‌خواهد خود و دولت را در کنار مردم نشان دهد، موضعی عجیب و گاه مضحک می‌گیرد.

برای نمونه او روز دوشنبه ۱۱ آذرماه در توییتی نوشت: «جراغ بنزین‌یوش روشن شده بود. گفت: تمام شد! ۱۰ لیتر زد» ۳۰ تومن ولی باهوش فقط ۲۶ تومن کار کردم. جماعت زیادی از راه مسافرتی با ماشین شخصی زندگی می‌کنند یا به کمک آن به عنوان کار دوم زندگی‌شان را اداره می‌کنند!

این توییت حسام‌الدین آشنا به عنوان یک مقام دولتی با واکنش‌های زیادی از سوی کاربران روبرو شد. یاسر جبرائیلی تحلیلگر مسائل اقتصادی و سیاسی در

● چگونه ایران به پای میز مذاکره با آمریکا رفت؟ و بیانیه الجزایر چگونه مورد قبول واقع شد؟

- بیانیه‌های الجزایر تا حدودی از پیامدهای گروگانگیری است. بحث از اصل این رویداد و ریشه‌های آن و نقش اشخاصی که آن را کارگردانی کرده‌اند نیازمند گفت‌وگوی دیگری است. از آنجا که این رویداد اثرات گسترده‌ای در روابط خارجی کشور ما داشته باید در دستور بررسی‌های رسانه‌ای قرار گیرد. به هر حال پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران بحرانی در روابط پیش آمد و در پی آن به دستور کارتر دارایی‌های ایران توقیف شد. سپرده‌های عظیم ایران در بانک‌های آمریکایی پشتوانه‌ای برای دولت به حساب می‌آمد؛ هنگامی که اموال ایران توقیف شد، مصونیت اموال ایران نادیده انگاشته شد. در حالی که بر پایه اصول حقوق بین‌الملل، یک دولت در قلمرو دولت دیگر دارای دو نوع مصونیت است، نخست محاکمه، چرا که دولت‌ها بنا به اصول حقوق بین‌الملل برابر هستند و نمی‌توانند یکدیگر را در کشور خود محاکمه و محکوم کنند. همچنین دارایی‌ها و اموال هر دولتی نیز در قلمرو دولت دیگر از توقیف و اینکه در معرض اجرای احکام قرار گیرند مصونیت دارند. اما با دستور رئیس جمهور آمریکا مینی بر مسدود کردن اموال ایران اینگونه برداشت شد که این مصونیت‌ها منتفی شده است در حالی که چنین نبود. البته کارتر دستور خود را مستند بر گروگانگیری اعضای سفارت آمریکا در تهران بر شمرد و به این ترتیب یک سلسله دعاوی از طریق افراد حقیقی و شرکت‌ها علیه ایران در دادگاه‌های آمریکایی مطرح شد.

در زمانی که گروگانگیری ادامه داشت به تناوب ادعاهایی در دادگاه‌های آمریکا علیه ایران مطرح می‌شد اما تصمیم نهایی اتخاذ نمی‌گردید. هنگامی که مذاکرات ایران و آمریکا آغاز شد باید این مسائل نیز مطرح می‌گردید؛ و از دستور رئیس جمهور آمریکا رفع اثر می‌شد تا اموال ایران آزاد و دعاوی علیه ایران ملغی شوند. بنابراین هنگامی که امر گروگان‌ها به مجلس ارجاع شد مجلس مصوبه‌ای با عنوان چهار شرط در آبان ماه ۱۳۵۹ تصویب کرد. در آن چهار شرط تأکید شده بود که در مرحله نخست باید تمام اموال ایران آزاد و رفع توقیف و سپس تمامی دعاوی علیه ایران لغو و ابطال شوند. اما هنگامی که مذاکره میان نمایندگان ایران و آمریکا به گونه‌ای غیرمستقیم و با میانجیگری الجزایر آغاز گردید؛ هنگامی که قطعنامه مجلس از طریق میانجی‌های الجزایری در اختیار دولت آمریکا قرار گرفت کارتر رئیس جمهور آمریکا با پذیرش کلی اصل آن، پیشنهادهایی را در این زمینه ارائه داد که متن آن در مجموعه صورتجلسات مذاکرات گروه ایرانی وجود دارد. کارتر در آستانه برگزاری دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود و علاقه و اصرار شدیدی به آزاد شدن اعضای سفارت آمریکا و بازگرداندن آنان به آمریکا به‌عنوان یک برگ برنده در این انتخابات داشت. از این رو بی‌درنگ پیشنهاد متقابل مثبت و قابل قبولی را به میانجی الجزایر ارائه داد که اگر ایران با اندک دستکاری پذیرفته بود نیازی به امضای بیانیه‌های الجزایر وجود نداشت و زمینه بهبود روابط ایران و آمریکا را هم فراهم می‌کرد. به نظر من پذیرش پیشنهاد اولیه کارتر بیشتر از آنچه بعداً توافق شد منافع ایران را تأمین می‌کرد. ولی این گروگان‌ها که باید هرچه زودتر آزاد می‌شدند درگیر گفت‌وگوهای دو طرف با میانجیگری وزیر امور خارجه الجزایر مرحوم بن یحیی شدند. پس از حدود دو ماه گفت‌وگو سرانجام متنی آماده شد که در آن دو طرف توافق کردند دعاوی به یک دیوان داور ارجاع داده شوند تا میان ایران و شهروندان آمریکایی داور انجام گیرد. بنابراین این مذاکرات منتهی به امضای بیانیه حل و فصل دعاوی در ۲۹ دی ماه ۱۳۵۱ و تأسیس دیوان داور ایران و آمریکا در لاهه هلند شد.

● آیا آقای بهزاد نبوی به‌عنوان

غرامت سنگینی که اشغال سفارت آمریکا به ایران تحمیل کرد (۱)

باز نشر

مجلس نفهمید چه بیانیه‌ای را تصویب می‌کند و گروه مذاکره‌کننده نفهمید چه تعهداتی را با امضای توافقنامه یکسویه بر عهده ایران می‌گذارند

اشاره:

از نخستین پیامدهای اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری دیپلمات‌های آمریکایی، که زبان‌های سیاسی و اقتصادی آن بیرون از حساب است، توقیف سپرده‌های عظیم ایران در بانک‌های آمریکایی بود. در پی این اقدام، جدال حقوقی ایران و آمریکا آغاز شد که به میانجیگری الجزایر و تشکیل دیوان داور ایران و آمریکا انجامید. دکتر سید محمود کاشانی که یکی از اعضای ایرانی این دیوان در لاهه (هلند) بود، پس از سال‌ها گوشه‌ای از پرده را بالا زده است و در گفت‌وگو با روزنامه ایران فاش می‌کند که چگونه در جریان این وقایع، آمریکا توانست ایران را به پرداخت غرامت‌های سنگین وادار کند و متصدیان امر، در اجرای سیاست‌های کورکورانه حکومت یا بر اثر بی‌کفایتی و نادانی، تا چه حد در این مسؤلیت تاریخی سهیم بوده‌اند.

وزیر مشاور در امور اجرایی، نماینده مناسبی برای ایران در این گفت‌وگوها بود؟

- اینگونه گفت‌وگوها که به مسائل خارجی کشور مربوط است باید از سوی وزیر امور خارجه که در برابر مجلس پاسخگوست انجام شود. ولی در مذاکرات مربوط به مسائل مالی و حقوقی ایران و آمریکا بهزاد نبوی مسؤلیت را به عهده گرفت که معاون اجرایی نخست وزیر بود. یک هیأت از چند وزارتخانه و بانک مرکزی هم در کنار او بودند.

در سال ۱۹۷۵ یک موافقتنامه در الجزایر میان ایران و عراق به‌عنوان حسن همجواری به امضا رسید؛

بهزاد نبوی شخصاً تصمیم می‌گیرد و تمام وام‌های ایران بی‌درنگ با امضای بیانیه‌ها بازپرداخت می‌شوند.

● تحلیل شما به‌عنوان یک کارشناس در این رابطه چیست؟

- من نمی‌خواهم شخصاً در این باره اظهار نظر کنم اما خوشبختانه تیم آمریکایی برخلاف تیم ایرانی مشروح مذاکرات خود را در ۱۰ گزارش با دیپلوماسی وارن کریستوفر، رئیس هیأت مذاکره‌کننده آمریکایی، منتشر کرد. من یک جلد از این کتاب را در زمانی که در لاهه مشغول به کار بودم به‌دست آوردم و این کتاب از سوی یکی از دوستان من با عنوان «تجربه یک



داشته‌اند را نمی‌دانم ولی اگر به صورت مذاکرات مجلس در تاریخ ۲۴ دی ماه ۱۳۵۹ رجوع کنید شاهد نظرات خوب نمایندگانی به‌ویژه شهید آیت برای کسب تضمین از آمریکا در مورد اجرای احکام دیوان علیه آن دولت خواهید بود ولی به این توصیه‌ها هرگز توجه نشد.

● بیانیه الجزایر از بخش‌هایی تشکیل شده که بسیاری از کارشناسان این بیانیه را یکی از ضعیف‌ترین قراردادهای مورد تصویب برای یک دولت می‌پندارند، استناد این نظر کارشناسان و حضرت عالی بر این امر چیست؟

- نخست باید با مندرجات این

● آیا به این مسائل و مصوبه مجلس دقت و اهمیت داده‌شد؟

- در مصوبه مجلس ارجاع به داور پیش‌بینی نشده بود. اما چون طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی ارجاع اختلافات مربوط به اموال ایران به داور در موردی که طرف دعوی خارجی است نیازمند تصویب مجلس بود. بنابراین در تاریخ ۲۴ دی‌ماه ۱۳۵۹ مجلس با یک مجوز کلی لایحه ارجاع دعاوی مالی و حقوقی ایران و آمریکا به داور را تصویب کرد.

● مهم‌ترین ضعف‌های قرارداد الجزایر چیست؟



مواقتنامه بین‌المللی که به آن نام «بیانیه» داده شده است آشنا شویم. کاری که در سه دهه گذشته رسانه‌ها کمتر به آن پرداخته و صدا و سیما هم سکوت مطلق درباره آن داشته است. این بیانیه‌ها از ۳ بخش تشکیل شده‌اند. یک بخش از آن مربوط به تعهدات کلی جمهوری اسلامی است. در بخش دوم حل و فصل دعاوی پیش‌بینی شده و بخش سوم، سند تعهدات نام‌گذاری شده است. گروه مذاکره‌کننده ایرانی در تدوین، تنظیم و نگارش این موافقتنامه نقش انفعالی داشته یعنی این موافقتنامه‌ها را دولت یا گروه مذاکره‌کننده آمریکایی تنظیم کرده و گروه مذاکره ایرانی به بسیاری از مندرجات آن دقت نکرده و در هر حال بهزاد نبوی آن را امضا کرده‌است؛ این در حالی است که در چنین موافقتنامه‌های بااهمیتی باید بند به بند آن مورد بررسی موشکافانه آن هم از سوی حقوقدانان و کارشناسان مالی قرار می‌گرفت.

این موافقتنامه تنها به زبان انگلیسی امضا شده و نسخه فارسی آن به امضای نمایندگان آمریکایی نرسیده است. در صورتی که در تمامی موافقتنامه‌های دوجانبه رسم بر این است که موافقتنامه به زبان‌های دوطرف به امضا می‌رسد. من یقین دارم که گروه مذاکره‌کننده بسیاری از بندهای این موافقتنامه را اصلاً درک نکرده و نفهمیدند که چه تعهداتی برای کشور ایجاد کرده‌اند.

- هنگامی که بهزاد نبوی در تاریخ ۲۴ دی‌ماه ۱۳۵۹ در مجلس حاضر شد، پیش‌نویس بیانیه‌های الجزایر را به‌عنوان موافقتنامه ایران و آمریکا در اختیار داشت اما آنها را به ناروا به اطلاع نمایندگان مجلس نرساند و این موافقتنامه‌ها را که تعهدات بزرگی برای دولت ایران در آن ایجاد شده بود به صورت لایحه به مجلس تقدیم نکرد. در این موافقتنامه‌ها برای دولت ایران تعهداتی ایجاد کرده بود که باید مجلس از آن آگاه می‌شد و آنها را تصویب یا رد می‌کرد. در نتیجه هنگامی که یک مجوز کلی در زمینه ارجاع اختلافات به داور از مجلس گرفتند در تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ موافقتنامه پایانی را امضا کردند ولی تنها در ۶ بهمن ۱۳۵۹ گزارشی از آن به مجلس رسید. حال آن که قبل از امضای این موافقتنامه مجلس باید مطلع می‌شد و طبق اصل ۷۷ قانون اساسی این موافقتنامه به تصویب کامل مجلس می‌رسید. ولی به غیر از بند ارجاع اختلافات به دیوان داور اصل قرارداد به تصویب مجلس نرسید و این مهم‌ترین نقطه ضعف آن بود.

● بنابراین مجلس از بندهای بیانیه الجزایر اطلاع نداشت؟

- مجلس در ناآگاهی کامل به‌سر برد و از این موضوع حساس به دور نگه داشته شد. اینکه شهید رجایی و هیأت دولت در این زمینه اطلاع

بیشتر بخش‌های این موافقتنامه به‌ضرر کشور ما بود و شاید در تاریخ ایران کمتر موافقتنامه‌ای را می‌توان با این درجه از یکسویه بودن یافت. تعهدات ایران به‌طور بسیار روشن و گسترده و تعهدات آمریکا بسیار مبهم و محدود و با قید آمده‌اند.

● مهم‌ترین تعهدات جمهوری اسلامی در این راستا چه بوده است؟

- در آخرین روزهای مذاکره، هیأت ایرانی موافقت کرد که بدهی‌های مدت‌دار ایران نقد و یا به اصطلاح حقوقی حال شوند و فوراً پرداخت گردند؛ بنابراین در این موافقتنامه‌ها سه رقم پیش‌بینی شده است. نخست ۳ میلیارد و ۶۶۷ میلیون دلار که همان روز آزادسازی گروگان‌ها در اختیار فدرال رزرو، نماینده و کارگزار مالی آمریکا قرار گرفت تا از طرف ایران بدهی‌های ادعایی ایران به بانک‌های آمریکایی و حتی غیر آمریکایی پرداخت شود. این امر شاید شگفت‌انگیز باشد که دولت ایران و آمریکا که رودرروی هم بودند.

به موجب این بیانیه دولت آمریکا به عنوان وکیل ایران انتخاب شده تا بدهی‌های دولت ایران را بپردازد و این از موارد معدود در تاریخ روابط دولت‌ها به حساب می‌آید که یک دولت به دولت دیگر چنین وکالتی بدهد. بعدها هم مشخص شد که این رقم، ۴۰۰ میلیون دلار اضافه‌تر از اصل و بهره بدهی‌های ایران بوده است ولی دولت آمریکا تا چند سال از بازپرداخت آن خودداری می‌کرد. همچنین رقم یک میلیارد و ۴۱۸ میلیون دلار نیز به نام دولت الجزایر در بانک مرکزی انگلستان سپرده شد و این هم در مصوبه چهار شرط مجلس اصلاً جایی نداشت. واریز این وجوه برای آن بود که بدهی‌های بخش خصوصی ایران به بانک‌های آمریکایی بازپرداخت شود. همچنین افرادی از بانک مرکزی برای حل و فصل این رقم به لندن رفتند و هنوز مشخص نیست در آن زمان محدود چگونه و با چه حسابی یک سلسله بدهی‌های شرکت‌های خصوصی را از آن حساب پرداخت کردند.

● پرداخت بدهی‌های شرکت‌های خصوصی از سوی یک دولت در عرف حقوقی جایی دارد؟

- استدلال طرف آمریکایی این بود که دولت ایران این شرکت‌ها را مصادره کرده بنابراین مسؤلیت پرداخت دیون آنها را نیز باید به عهده گیرد. البته مصادره و پرداخت دیون شرکت‌ها از سوی دولت اصولاً غیرقانونی بوده است.

● رقم سوم به چه میزان و دلیلی بود؟

یک حساب یک میلیارد دلاری دیگر از اموال ایران به حساب دولت الجزایر در بانک مرکزی هلند افتتاح شد تا اگر دیوان داور احکامی علیه ایران صادر کرد از محل این یک میلیارد دلار پرداخت شود و چون آمریکایی‌ها این احتمال را می‌دادند که شاید این یک میلیارد دلار کافی نباشد در بیانیه کلی ماده‌ای گذاشتند که دولت ایران باید هر وقت این حساب به زیر ۵۰۰ میلیون دلار رسید از سپرده‌های خود به آن واریز کند تا همیشه این حساب در حد ۵۰۰ میلیون دلار سرریز باشد.

● بنابراین به جای گرفتن امتیاز و آزادی گروگان‌ها امتیاز هم داده‌ایم؟

- بله. اما اینها امتیازهای ناروایی بود که در اثر ضعف گروه مذاکره‌کننده ایرانی و نداشتن اراده حفظ حقوق کشورما این تعهدات به کشور و مردم ایران تحمیل شد.

● آیا آقای بهزاد نبوی این امر را نمی‌فهمیده؟

- به‌رحال این اتفاق تلخ در سایه سانسور کامل رسانه‌ای رخ داد. من شرایط آن زمان را نادیده نمی‌گیرم. اشتباهات مسئولان را هم قابل اغماض می‌دانم ولی پذیرش چنین تعهدات غیر متعارف و نامعقولی پرسش‌برانگیز است.

دنباله دارد

● نصرت کریمی چهل سال در ممنوعیت زیست اما زندگی را فراموش نکرد. تا توانست ساخت. کار کرد. حضور داشت. آموزش داد. از هنر خود دست نکشید. هنرش را به فرموده یا خواست حکومت کهنه‌ی نوآمده، نفروخت.

● نصرت در زمانی که هنوز استندآپ کمدی در جهان شناخته شده نبود، نمایش‌های کودکانه‌اش را تک‌نفره اجرا می‌کرد.

● نصرت خان در اوج است که شیخ انقلاب بالا می‌آید و داستان، دیگر می‌شود. هنر و سینما و تصویر را از نصرت خان می‌گیرند. یا شاید برعکس؛ سینما و هنر را محروم می‌کنند از حضور کاربلدی چون او. نصرت خان بدون جرم و محاکمه به زندان فرستاده می‌شود؛ چهار ماه! کسی نه حرفی می‌زند و نه از آن دوران روایتی دارد جز خود او؛ که بجای تعریف کردن داستان‌های قهرمانانه، فقط می‌گوید در زندان برای زندانیان کلاس آموزش سینما برگزار کردم.

● در این میان، یک «نصرت کریمی» دیگر در سینمای ایران مشغول کار است. یک تشابه اسمی که به عمد برجسته می‌شود تا خیلی‌ها تا همین امروز و صفحه‌ی ویکی‌پدیای نصرت خان و حتی رسانه‌های ظاهراً حرفه‌ای چون «راديو فردا» فکر بکنند که او پس از انقلاب، پایین آمده از اندازه‌ی خود دستیار امثال مسعود کیمیایی شده که جایگاه شاگردی او را هم نداشتند.

حامد احمدی - نصرت کریمی هنرمندی بود یکه هر دو کلمه‌ی «هنرمند» و «یکه» را باید با تاکید خواند. هنرمند بود چون خلق کردن از هیچ را می‌دانست. زمانی فیلم می‌ساخت. فیلم‌نامه می‌نوشت. انیمیشن درست می‌کرد. و زمانه‌ای دیگر، پس از انقلاب اسلامی، همان «روزگار تلخ‌تر از زهر»، وقتی که دیگر اجازه نداشت روی پرده و صحنه باشد، در خانه‌اش مجسمه می‌ساخت. مجسمه‌هایی از انسان‌ها و هیولاها. مجسمه‌ی ضحاک و کاه. رستم و سهراب. و به همین خاطر «یکه» هم بود. او چهل سال در ممنوعیت زیست اما زندگی را فراموش نکرد. تا توانست ساخت. کار کرد. حضور داشت. آموزش داد. از هنر خود دست نکشید. هنرش را به فرموده یا خواست حکومت کهنه‌ی نوآمده، نفروخت.

در میان محصولات چهل ساله‌ی جمشوری اسلامی، این همه «هنرمند یک‌کسبی» و «سلبریتی یک دقیقه‌ای»، چه کسی را می‌شناسید که این همه هنر داشته باشد؟ این همه بلد باشد؟ این همه فرهنگ کشورش را بشناسد و دوست بدارد. او از نسلی بود که با دانستن و آگاهی، با استعداد و ذوق، وارد دنیای هنر می‌شدند.

یک - نصرت کریمی چرا ممنوع شد؟

او هنرمندی بود که اسلامگراها و روحانیون پیش از به قدرت رسیدن، پرونده‌سازی را علیه او آغاز کردند. «محلل» را به سال ۱۳۵۰ ساخت. فیلمی که ورای داستان ساده‌اش به موضوعی مهم اشاره داشت. فیلم همداری بود درباره‌ی خطر قانون شدن احکام اسلامی. به همین خاطر اسلامگراها تاب نیاوردند. اعتراض کردند. فریاد کشیدند. خواستند فیلم را از پرده پایین بیاورند. دست آخر



هنر نصرت کریمی بودن؛ در پاسداشت نصرت کریمی

نصرت خان می‌گوید: «من شخصا برای رفع ممنوعیت اقدام نکردم ولی دوستان کارگردان و تهیه کننده که علاقه داشتند من برای‌شان فیلم بسازم یا در فیلم‌شان بازی کنم، هر بار که اسم مرا به ارشاد داده‌اند، آنها جلوی‌شان نوشته‌اند: «نصرت کریمی فعلا نه!» هر وقت «فعلا» را بردارند حاضرم بازی کنم.» میان این «فعلا» سمج یک «نصرت کریمی» دیگر در سینمای ایران مشغول کار است. یک تشابه اسمی که به عمد برجسته می‌شود تا خیلی‌ها تا همین امروز و صفحه‌ی ویکی‌پدیای نصرت خان و حتی رسانه‌های ظاهراً حرفه‌ای چون «راديو فردا» فکر بکنند که او پس از انقلاب، پایین آمده از اندازه‌ی خود دستیار امثال مسعود کیمیایی شده که جایگاه شاگردی او را هم نداشتند. اما نصرت خان از آنهمه هنر، حضورش محدود می‌شود به ساخت تیزرهای آموزشی. او که به شهادت دوستان و شاگردان‌اش «معلم بالفطره» است، در تیزرهای نمایشی - آموزشی کوتاه‌اش هم توجه مردم را به خود جلب می‌کند. میانه‌ی دهه‌ی هفتاد، سری تیزرهای «آقای آلوده» - مربوط به آلودگی هوا - تبدیل به یکی از محبوب‌ترین برنامه‌های تلویزیونی ایران شد.

بخش پررنگ زندگینامه‌ی هنرمندان، حیات هنری‌شان است و در چهار دهه‌ی حاکمیت جدید، خبری از نصرت خان در بالای اخبار نبود. او تنها در گوشه‌ی امن خود، سعی داشت مرگ را مات بکند و زندگی را ادامه بدهد. نیستی را باور نکرد و بر عقیده‌ی خود ایستاد. نصرت خان مثل چند هنرمند مغضوب دیگر، توبه‌نامه نوشتن بابت کار نکرده را نمی‌پذیرد تا حرمت خود را حفظ کند.

نصرت خان دیگر باید پشت دوربین بایستد و داستان‌های‌اش را فیلم بکند و برای مردم نمایش بدهد. او که پیش از این فیلم عروسکی «دل موش و پوست پلنگ» را ساخته و رکورد نمایش در مدارس را شکسته، حالا به سمت فتح پرده‌ی تفره‌ی «درشکه‌چی» آمده‌ی نمایش می‌شود. به سال ۱۳۵۰. نصرت خان دیگر باید پشت دوربین بایستد و داستان‌های‌اش را فیلم بکند و برای مردم نمایش بدهد. او که پیش از این فیلم عروسکی «دل موش و پوست پلنگ» را ساخته و رکورد نمایش در مدارس را شکسته، حالا به سمت فتح پرده‌ی تفره‌ی «درشکه‌چی» آمده‌ی نمایش می‌شود. به سال ۱۳۵۰.

نصرت خان دیگر باید پشت دوربین بایستد و داستان‌های‌اش را فیلم بکند و برای مردم نمایش بدهد. او که پیش از این فیلم عروسکی «دل موش و پوست پلنگ» را ساخته و رکورد نمایش در مدارس را شکسته، حالا به سمت فتح پرده‌ی تفره‌ی «درشکه‌چی» آمده‌ی نمایش می‌شود. به سال ۱۳۵۰.

نصرت خان دیگر باید پشت دوربین بایستد و داستان‌های‌اش را فیلم بکند و برای مردم نمایش بدهد. او که پیش از این فیلم عروسکی «دل موش و پوست پلنگ» را ساخته و رکورد نمایش در مدارس را شکسته، حالا به سمت فتح پرده‌ی تفره‌ی «درشکه‌چی» آمده‌ی نمایش می‌شود. به سال ۱۳۵۰.

... روی صحنه می‌رود. این اما تمام نصرت کریمی نیست. پس سفرهای‌اش را آغاز می‌کند. روح تشنه و جستجوگر او را به پراک می‌رساند تا آنجا نمایش عروسکی بخواند. پس از آن به ایتالیا می‌رود تا در کلاس سینما بنشیند. به ویوتوریو سسیکا هم می‌رسد. دستیار سوم‌اش می‌شود. با اینهمه تجربه و توشه، دیگر وقت بازگشت به ایران است. بازگشت آتشفشانی که دیگر باید فوران کند.

نصرت خان دیگر باید پشت دوربین بایستد و داستان‌های‌اش را فیلم بکند و برای مردم نمایش بدهد. او که پیش از این فیلم عروسکی «دل موش و پوست پلنگ» را ساخته و رکورد نمایش در مدارس را شکسته، حالا به سمت فتح پرده‌ی تفره‌ی «درشکه‌چی» آمده‌ی نمایش می‌شود. به سال ۱۳۵۰.

نصرت خان دیگر باید پشت دوربین بایستد و داستان‌های‌اش را فیلم بکند و برای مردم نمایش بدهد. او که پیش از این فیلم عروسکی «دل موش و پوست پلنگ» را ساخته و رکورد نمایش در مدارس را شکسته، حالا به سمت فتح پرده‌ی تفره‌ی «درشکه‌چی» آمده‌ی نمایش می‌شود. به سال ۱۳۵۰.

نصرت خان دیگر باید پشت دوربین بایستد و داستان‌های‌اش را فیلم بکند و برای مردم نمایش بدهد. او که پیش از این فیلم عروسکی «دل موش و پوست پلنگ» را ساخته و رکورد نمایش در مدارس را شکسته، حالا به سمت فتح پرده‌ی تفره‌ی «درشکه‌چی» آمده‌ی نمایش می‌شود. به سال ۱۳۵۰.

نصرت خان دیگر باید پشت دوربین بایستد و داستان‌های‌اش را فیلم بکند و برای مردم نمایش بدهد. او که پیش از این فیلم عروسکی «دل موش و پوست پلنگ» را ساخته و رکورد نمایش در مدارس را شکسته، حالا به سمت فتح پرده‌ی تفره‌ی «درشکه‌چی» آمده‌ی نمایش می‌شود. به سال ۱۳۵۰.

نصرت خان دیگر باید پشت دوربین بایستد و داستان‌های‌اش را فیلم بکند و برای مردم نمایش بدهد. او که پیش از این فیلم عروسکی «دل موش و پوست پلنگ» را ساخته و رکورد نمایش در مدارس را شکسته، حالا به سمت فتح پرده‌ی تفره‌ی «درشکه‌چی» آمده‌ی نمایش می‌شود. به سال ۱۳۵۰.

«محلل» هشدارهای خودش را می‌دهد و در زمان خودش جدی گرفته نمی‌شود. جامعه‌ی سنتی و تقابل خشن‌اش با کوچکترین ذرات زیست مدرن را به نمایش در می‌آورد، حاج‌آقا و محمد گشت‌ارشادی را سال‌ها جلوتر به تصویر می‌کشد و زمین خوردن جوان هیبی وسط خیابان را نشان می‌دهد و حتی بسیار جلوتر از علنی شدن اندیشه‌ی صدور انقلاب و مسلمان کردن دنیا، تلاش سنتی‌ها برای سنت کردن یک کشیش آمریکایی و مسلمان کردن‌اش را عیان می‌کند اما باز این تلاش دلسوزانه و هنرمندانه بین فیلم‌های تلخ‌اندیشه‌ی محبوب منتقدان و فیلم‌های خوشباش محبوب عوام، در حد فاصل «گنج قارون» و «قیصر» نادیده گرفته می‌شود تا رسالت هنرمندی چون نصرت کریمی نیمه‌تمام و عقیم باقی بماند و جامعه تخته‌گاز و چشم‌پسته به سمت ساختن آرمانشهری برود که شرع خشن و بی‌تغییر و انعطاف قوانین روزمره و اجتماعی و خانوادگی‌اش را تعیین و مردم را گرفتار قالب خشک و سفت‌اش می‌کند.

سه - نصرت کریمی بودن

زمستان ۱۳۰۳ آغاز شده که متولد می‌شود. او نصرت کریمی است. از همان کودک و خردسالی، به نمایش دل می‌بندد. نمایش‌های سنتی ایران. روحوسی و سیاه‌بازی و شخصیت‌هایش؛ حاجی‌آقا، کاکاسبه، سلطان، پسر حاجی و شلی. اما اتفاق بزرگ برایش زمانی می‌افتد که چارلی چاپلین را بر پرده‌ی سینما می‌بیند. هفت شب هفته را در سینما تمدن می‌گذارند. کودکی‌ست که می‌خواهد جست و خیز بکند و چارلی چاپلین بشود. صحنه‌اش مهمانی‌های خانوادگی‌ست. جایی که نمایش می‌دهد تا دوستان و خویشاوندان از خنده ریسه برونند. محبوب جمع کوچک‌شان است. آنقدر که دست‌اش را بگیرند و بخواهند و بگویند: «نصرت جون چارلی بشو».

نصرت در زمانی که هنوز استندآپ کمدی در جهان شناخته شده نبود، نمایش‌های کودکانه‌اش را تک‌نفره اجرا می‌کرد. داستانی انتخاب و خود را گرم می‌کرد تا نمایش آغاز بشود. از همانجا به گرمی و چهره ساختن علاقمند شد. برادرش، علی از شاگردان کمال‌الملک، متوجه استعدادش می‌شود. تشویق‌اش می‌کند و راه را نشان‌اش می‌دهد. نصرت کودک، از همان ابتدا، آتشفشان استعداد است. بجز بازی و گرمی، مجسمه هم می‌سازد و در ده سالگی تندبسی که از فردوسی ساخته، جایزه می‌گیرد. تجربه‌ها ادامه دارند تا بالاخره در شانزده سالگی پا به صحنه‌ی تئاتر می‌گذارد. ۱۳۱۹ صحنه‌ی هنرنمایی نصرت کریمی بزرگتر می‌شود. نصرت کریمی مدتی‌ست که به گروه تئاتر «نوشین» پیوسته و به عنوان بازیگر در نمایش‌هایی مثل «اژوئی گرانه»، «عروس قرن اتم»

همینجا و قرار شبنامه‌ی دختر با پسر همسایه بر پشت‌بام آغاز می‌شود. فیلم در حقیقت گره‌ی اصلی‌اش را در ارتباط با تقابل زندگی سنتی و زندگی مدرن ایجاد می‌کند. از میانه‌ی فیلم گرچه قانون محلل و مشکل سه‌طلاقه کردن همسر و ازدواج دوباره به عنوان اصل ماجرا مطرح می‌شود، اما حواشی و دور و برها اشارات فراوانی دارند به وجود یک تفکر فاجعه‌آفرین در جامعه. جایی که مرد کمتر مذهبی با بازی کرم رضایی هم برای پسرش حق متفاوت بودن را قائل نیست و به ضرب و زور مجبور می‌کند تیپ هیبی‌وارش را تغییر بدهد تا برایش زن بگیرد. رفتار و نگرشی که آن را می‌توان با گشت‌ارشاد حکومت فعلی مقایسه کرد. قیم‌های تکثیر شده‌ی که در خیابان‌ها کمین نشسته‌اند تا با امر به معروف و نهی از منکر، شکل‌های متفاوت را با زور وارد چارچوب سنت بکنند.

«محلل» اشاره‌ی اصلی‌اش برخلاف نظر مخالفان فیلم نه به اسلام به عنوان مناسک شخصی که به قانون شدن اسلام در جامعه است. گره فیلم در نهایت جایی باز می‌شود که قانون آن زمان جامعه در تضاد با مذهب است و شرع که باعث به وجود آمدن تمام مشکلات شده با حضور قانون مدنی و عرفی به کنار می‌رود تا زن گیر کرده در بن‌بست مرد محلل و شرع مقدس، از عرضه شدن اجباری خلاص بشود و به سمت شوهر و خانه‌اش برگردد. اما هشدار فیلم و سناریست به جامعه که مبدا دین را وارد قوانین روزمره‌ی اجتماعی کند از طرف مخاطبان، از روشنفکر تا عامی، نادیده گرفته می‌شود و چیزی در حدود ۸ سال بعد از اکران فیلم در سینماها، اسلام قانون شده برای تمام زندگی انسان ایرانی، از شکل حضور در خیابان تا شکل همخوابگی در خلوت، تصمیم می‌گیرد و سنت تبدیل به قادر مطلق می‌شود و ابزار حکومتگران برای سرکوب هرگونه دگر بودن.

دو - محلل از چه می‌گفت؟

بی‌راه نیست اگر برای نگاه درست‌تر به فیلم «محلل»، بخش خانوادگی‌زنشویی را حذف کنیم و به قضیه و قانون محلل فقط به عنوان یکی از گزینه‌های مورد انتقاد بپردازیم. آنوقت «محلل» از سطح یک فیلم خانوادگی معمولی با مصالح دم‌دستی نظیر شک و بدگمانی و آخر هم فهمیدن حقیقت و وصال و خوشی، تبدیل می‌شود به فیلمی که خیلی جدی و دقیق و هوشمند لایه‌های زیرین جامعه‌ی ایرانی اسلامی دهه‌ی پنجاه خورشیدی را زیر نورافکن گذاشته و برای مخاطبان نمایش داده و البته که هشدارش جدی گرفته نشده و روند جامعه ادامه پیدا کرده تا مواجهه با حقیقت سال ۱۳۵۷ و انقلاب و بعدتر نظام اسلامی‌اش.

در فیلم «حاج‌آقا» با بازی نصرت کریمی فقط مرد سنتی ایرانی نیست که از «منزل» اش طلب غذای گرم و رختخواب نرم بکند. تفکری‌ست که زندگی به شکل دیگری را برای هیچکس مجاز نمی‌داند و به خودش اجازه می‌دهد در داخل خانه، همسر و فرزندان را بطور پیوسته و بی‌وقفه، امر به معروف و نهی از منکر بکند و به شکل فیزیکی چادر روی سرشان بکشد و برای آنها قوانین اسلامی را بازگو بکند. حاج‌آقایی که دیوار روی دیوار می‌کشد تا چشم نامحرم به خانه‌اش نیفتد اما تا از آن خانه خارج می‌شود، بساط بزن و برقص و بشکن اهالی منزل به راه می‌افتد. حاج‌آقایی که دختر میان‌اش را نتوانسته درست و بر اساس «موازین» تربیت کند و برای همین هم گره ماجرا از

درگیری مسلحانه در شادگان؛ خوزستان ملتهب است



درگیری در شادگان سه شنبه سوم آذر ۱۳۹۸

درگیری مسلحانه رخ داده و پس از تبادل آتش یک مامور کشته و دو نفر دیگر که یکی از آنها فرد مهاجم بوده مجروح شدند.

● **حسین اشتری فرمانده نیروی انتظامی در دزفول سخنرانی داشت و تهدید کرد دستگیری برخی آشوبگران در روزهای آینده انجام می‌شود.**

خبرگزاری دولتی ایران، سه‌شنبه ۱۲ آذر، گزارش داد یک مامور واحد گشت کلانتری ۱۱ شهرستان شادگان (۱۲۰ کیلومتری اهواز) پس از درگیری با یک شهروند کشته شده است.

شاهدان عینی می‌گویند فرد مهاجم حدود ساعت ۸:۴۵ دقیقه صبح به دلایل نامعلوم با مامور پلیس این شهرستان که در میدان مرکزی این شهر کشیک می‌داد درگیر شد. بر اساس گزارش منابع خبری داخل ایران او ابتدا با چاقو مامور نیروی انتظامی را خلع سلاح کرد و سپس با همان اسلحه وی را کشت. در این درگیری یک سرباز زخمی شد.

فرد مهاجم به همراه همدستش قصد فرار داشتند اما پس از تیراندازی ماموران انتظامی زخمی و دستگیر شد و فقط همدستش فرار کرد.

همزمان در شبکه‌های مجازی ویدئوهایی منتشر شد که احتمالاً مربوط به این درگیری است. تعدادی از شهروندان عرب ساکن اهواز می‌گویند این فیلم مربوط به حادثه شادگان «فلاحیه» است. در ویدئوی اول مامور نیروی انتظامی در حال تیراندازی بود که گلوله می‌خورد و در ویدئوی دوم یک مامور به یک فرد غیرنظامی شلیک می‌کند.

استان خوزستان با وجود سرکوب اعتراضات آبان‌ماه که پس از افزایش قیمت بنزین به راه افتاد همچنان ملتهب است و در روزهای اخیر چند مورد گزارش از درگیری‌های پراکنده میان مردم با نیروهای امنیتی گزارش شده است. در جریان این اعتراضات دهها نفر از معترضان در

● **دو ماه پس از مصوبه هیات وزیران توسط دیوان عدالت اداری مبنی بر «اختصاص مکان‌هایی برای تجمعات»، دولت برای لاپوشانی سرکوب خونین تظاهرات آبان ماه لایحه «تضمین آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها» را ارائه داده است.**

● **استاندار تهران می‌گوید، ۹ محل برای اعتراضات قانونی در تهران اختصاص یافته و ما آمادگی لازم برای صدور مجوز در این مناطق را داریم اما برخی نمی‌خواهند از قانون تبعیت کنند.**

● **در ایران بعد از سرکوب گسترده اعتراضات آبان ۹۸، دولت و مصلحت‌آمیز لایحه «تضمین آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها» به دولت ارائه داده است.**

● **لیا جنیدی معاون حقوقی، چهارشنبه ۱۳ آذرماه، در سخنانی با اشاره حق آزادی تجمعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی گفت «رئیس‌جمهور در خصوص انحراف از هر یک از اصول قانون اساسی مسئولیت دارد و باید تذکر بدهد و نفس تذکر و تنبیه موجب تداخل قوا هم نیست.»**

● **استاندار تهران می‌گوید، ۹ محل برای اعتراضات قانونی در تهران اختصاص یافته و ما آمادگی لازم برای صدور مجوز در این مناطق را داریم اما برخی نمی‌خواهند از قانون تبعیت کنند.**

● **در ایران بعد از سرکوب گسترده اعتراضات آبان ۹۸، دولت و مصلحت‌آمیز لایحه «تضمین آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها» به دولت ارائه داده است.**

● **لیا جنیدی معاون حقوقی، چهارشنبه ۱۳ آذرماه، در سخنانی با اشاره حق آزادی تجمعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی گفت «رئیس‌جمهور در خصوص انحراف از هر یک از اصول قانون اساسی مسئولیت دارد و باید تذکر بدهد و نفس تذکر و تنبیه موجب تداخل قوا هم نیست.»**

● **انوشیروان محسنی‌بندی استاندار تهران نیز می‌گوید، ۹ محل برای اعتراضات قانونی احزاب و گروه‌ها در شهر تهران و شهرستان‌های استان تهران اختصاص یافته و ما آمادگی لازم برای صدور مجوز در این مناطق را داریم اما برخی نمی‌خواهند از قانون تبعیت کنند.**

● **بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه محل به مبان‌های اسلام نباشد آزاد است.»** اینک لایحه‌ای برای تضمین اجرای قانون اساسی ارائه شده به نوعی حاکی از عدم پایبندی نهادهای حکومتی در ایران حتی به قانون اساسی خود نظام است.

● **دولت حسن روحانی با وجود اینکه امنیتی‌ترین کابینه در تمام دولت‌های پس از انقلاب اسلامی است با وجود همه وعده‌هایی که در دو دوره انتخابات ریاست جمهوری برای ارتقاء وضعیت آزادی‌های اجتماعی و سیاسی داد به شدت ناکارآمد عمل کرده است.** به بیان دیگر زور امنیتی‌ها برای اجرای اصول قانون اساسی به نظامی‌ها نمی‌رسد. مسئله اساسی این است که روحانی و اطرافیان او

«تضمین آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها» زور امنیتی‌ها به نظامی‌ها نمی‌رسد

مربوطه شامل وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، وزارت کشور و نیروی انتظامی افراد می‌توانند در آنجا تجمع برگزار کنند.

گرچه هیات وزیران اختصاص مکان‌هایی برای تجمعات را تصویب کرد اما با عدم موافقت نهادهای امنیتی روبرو شد و نهایتاً هیات تطبیق این لایحه را در همان سال ۹۶ رد کرد. هفتم آذر سال ۹۸ نیز هیات عمومی دیوان عدالت اداری با صدور رأی ضمن غیرقانونی دانستن مصوبه هیات وزیران درباره تعیین محل تجمعات مردمی، این مصوبه را ابطال کرد.

دو هفته پس از سرکوب خونین اعتراضات آبان ۹۸ اکنون معاونت پیگیری اجرای قانون اساسی برای فراهم آوردن شرایط حق اعتراض مدنی و مسالمت‌آمیز لایحه «تضمین آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها» به دولت ارائه داده است.

لیا جنیدی معاون حقوقی، چهارشنبه ۱۳ آذرماه، در سخنانی با اشاره حق آزادی تجمعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی گفت «رئیس‌جمهور در خصوص انحراف از هر یک از اصول قانون اساسی مسئولیت دارد و باید تذکر بدهد و نفس تذکر و تنبیه موجب تداخل قوا هم نیست.»

انوشیروان محسنی‌بندی استاندار تهران نیز می‌گوید، ۹ محل برای اعتراضات قانونی احزاب و گروه‌ها در شهر تهران و شهرستان‌های استان تهران اختصاص یافته و ما آمادگی لازم برای صدور مجوز در این مناطق را داریم اما برخی نمی‌خواهند از قانون تبعیت کنند.

بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه محل به مبان‌های اسلام نباشد آزاد است.» اینک لایحه‌ای برای تضمین اجرای قانون اساسی ارائه شده به نوعی حاکی از عدم پایبندی نهادهای حکومتی در ایران حتی به قانون اساسی خود نظام است.

دولت حسن روحانی با وجود اینکه امنیتی‌ترین کابینه در تمام دولت‌های پس از انقلاب اسلامی است با وجود همه وعده‌هایی که در دو دوره انتخابات ریاست جمهوری برای ارتقاء وضعیت آزادی‌های اجتماعی و سیاسی داد به شدت ناکارآمد عمل کرده است. به بیان دیگر زور امنیتی‌ها برای اجرای اصول قانون اساسی به نظامی‌ها نمی‌رسد. مسئله اساسی این است که روحانی و اطرافیان او

مربوطه شامل وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، وزارت کشور و نیروی انتظامی افراد می‌توانند در آنجا تجمع برگزار کنند.

گرچه هیات وزیران اختصاص مکان‌هایی برای تجمعات را تصویب کرد اما با عدم موافقت نهادهای امنیتی روبرو شد و نهایتاً هیات تطبیق این لایحه را در همان سال ۹۶ رد کرد. هفتم آذر سال ۹۸ نیز هیات عمومی دیوان عدالت اداری با صدور رأی ضمن غیرقانونی دانستن مصوبه هیات وزیران درباره تعیین محل تجمعات مردمی، این مصوبه را ابطال کرد.

دو هفته پس از سرکوب خونین اعتراضات آبان ۹۸ اکنون معاونت پیگیری اجرای قانون اساسی برای فراهم آوردن شرایط حق اعتراض مدنی و مسالمت‌آمیز لایحه «تضمین آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها» به دولت ارائه داده است.

لیا جنیدی معاون حقوقی، چهارشنبه ۱۳ آذرماه، در سخنانی با اشاره حق آزادی تجمعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی گفت «رئیس‌جمهور در خصوص انحراف از هر یک از اصول قانون اساسی مسئولیت دارد و باید تذکر بدهد و نفس تذکر و تنبیه موجب تداخل قوا هم نیست.»

انوشیروان محسنی‌بندی استاندار تهران نیز می‌گوید، ۹ محل برای اعتراضات قانونی احزاب و گروه‌ها در شهر تهران و شهرستان‌های استان تهران اختصاص یافته و ما آمادگی لازم برای صدور مجوز در این مناطق را داریم اما برخی نمی‌خواهند از قانون تبعیت کنند.

بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه محل به مبان‌های اسلام نباشد آزاد است.» اینک لایحه‌ای برای تضمین اجرای قانون اساسی ارائه شده به نوعی حاکی از عدم پایبندی نهادهای حکومتی در ایران حتی به قانون اساسی خود نظام است.

دولت حسن روحانی با وجود اینکه امنیتی‌ترین کابینه در تمام دولت‌های پس از انقلاب اسلامی است با وجود همه وعده‌هایی که در دو دوره انتخابات ریاست جمهوری برای ارتقاء وضعیت آزادی‌های اجتماعی و سیاسی داد به شدت ناکارآمد عمل کرده است. به بیان دیگر زور امنیتی‌ها برای اجرای اصول قانون اساسی به نظامی‌ها نمی‌رسد. مسئله اساسی این است که روحانی و اطرافیان او

● **دو ماه پس از مصوبه هیات وزیران توسط دیوان عدالت اداری مبنی بر «اختصاص مکان‌هایی برای تجمعات»، دولت برای لاپوشانی سرکوب خونین تظاهرات آبان ماه لایحه «تضمین آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها» را ارائه داده است.**

● **استاندار تهران می‌گوید، ۹ محل برای اعتراضات قانونی در تهران اختصاص یافته و ما آمادگی لازم برای صدور مجوز در این مناطق را داریم اما برخی نمی‌خواهند از قانون تبعیت کنند.**

● **در ایران بعد از سرکوب گسترده اعتراضات آبان ۹۸، دولت و مصلحت‌آمیز لایحه «تضمین آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها» به دولت ارائه داده است.**

● **لیا جنیدی معاون حقوقی، چهارشنبه ۱۳ آذرماه، در سخنانی با اشاره حق آزادی تجمعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی گفت «رئیس‌جمهور در خصوص انحراف از هر یک از اصول قانون اساسی مسئولیت دارد و باید تذکر بدهد و نفس تذکر و تنبیه موجب تداخل قوا هم نیست.»**

● **انوشیروان محسنی‌بندی استاندار تهران نیز می‌گوید، ۹ محل برای اعتراضات قانونی احزاب و گروه‌ها در شهر تهران و شهرستان‌های استان تهران اختصاص یافته و ما آمادگی لازم برای صدور مجوز در این مناطق را داریم اما برخی نمی‌خواهند از قانون تبعیت کنند.**

● **بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه محل به مبان‌های اسلام نباشد آزاد است.»** اینک لایحه‌ای برای تضمین اجرای قانون اساسی ارائه شده به نوعی حاکی از عدم پایبندی نهادهای حکومتی در ایران حتی به قانون اساسی خود نظام است.

● **دولت حسن روحانی با وجود اینکه امنیتی‌ترین کابینه در تمام دولت‌های پس از انقلاب اسلامی است با وجود همه وعده‌هایی که در دو دوره انتخابات ریاست جمهوری برای ارتقاء وضعیت آزادی‌های اجتماعی و سیاسی داد به شدت ناکارآمد عمل کرده است.** به بیان دیگر زور امنیتی‌ها برای اجرای اصول قانون اساسی به نظامی‌ها نمی‌رسد. مسئله اساسی این است که روحانی و اطرافیان او

● **دولت حسن روحانی با وجود اینکه امنیتی‌ترین کابینه در تمام دولت‌های پس از انقلاب اسلامی است با وجود همه وعده‌هایی که در دو دوره انتخابات ریاست جمهوری برای ارتقاء وضعیت آزادی‌های اجتماعی و سیاسی داد به شدت ناکارآمد عمل کرده است.** به بیان دیگر زور امنیتی‌ها برای اجرای اصول قانون اساسی به نظامی‌ها نمی‌رسد. مسئله اساسی این است که روحانی و اطرافیان او

گرفته تا عرب‌های اهوازی در جنوب غرب ایران که اغلب آنها شیعه‌اند اما با گلوله‌های رژیم شیعه‌مدار بی‌رحمانه کشته شدند، برگزار شد.

رژیم ایدئولوژیکی که به منظور محفاظت از گفتمان دینی خود به خشونت متوسل شد به همین دلیل نقش اجتماعی و نفوذ وجدانی دینی که در ترکیب مؤلفه‌های ایرانی یک چتر جامع تلقی می‌شد را بطور کامل از بین برد. مسعود الفک کارشناس در امور ایران می‌گوید: «هویت مذهبی مشترک مردم ایران به دلیل اقدامات رژیم طی چهار دهه گذشته که به نام دین اجرا می‌شد، به کلی ضعیف شده و در مقابل ناسیونالیسم قومی که در اوایل دهه هشتاد در برابر هویت دینی بسیار ضعیف شده بود دوباره قوت گرفت.»

بنابراین توصیف وضعیت کنونی رژیم تهران به «بیمار ایرانی» با توصیف همسایه عثمانی آن در سال ۱۸۵۳ شبیه است وقتی که نیکلاس اول تزار روس لقب «مرد بیمار سلطان عثمانی» را به آن اطلاق کرد و پس از آن امپراتوری عثمانی نیز فرو پاشید.

مردم ایران در سال ۲۰۱۹ بیماری مزمن رژیم جمهوری اسلامی را کشف کرده و خواستار سرنوشتی آن شده‌اند. سرنوشتی عثمانی به دولت مدرن و سکولار معاصر ترکیه تبدیل شد اما به نظر می‌رسد که در ایران سرنوشتی رژیم دینی جمهوری اسلامی ابعاد فراگیری در ایران خواهد داشت.

● **منبع: شرق الاوسط**
● **نویسنده: مصطفی فصیح**
● **ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

گرفته تا عرب‌های اهوازی در جنوب غرب ایران که اغلب آنها شیعه‌اند اما با گلوله‌های رژیم شیعه‌مدار بی‌رحمانه کشته شدند، برگزار شد.

رژیم ایدئولوژیکی که به منظور محفاظت از گفتمان دینی خود به خشونت متوسل شد به همین دلیل نقش اجتماعی و نفوذ وجدانی دینی که در ترکیب مؤلفه‌های ایرانی یک چتر جامع تلقی می‌شد را بطور کامل از بین برد. مسعود الفک کارشناس در امور ایران می‌گوید: «هویت مذهبی مشترک مردم ایران به دلیل اقدامات رژیم طی چهار دهه گذشته که به نام دین اجرا می‌شد، به کلی ضعیف شده و در مقابل ناسیونالیسم قومی که در اوایل دهه هشتاد در برابر هویت دینی بسیار ضعیف شده بود دوباره قوت گرفت.»

بنابراین توصیف وضعیت کنونی رژیم تهران به «بیمار ایرانی» با توصیف همسایه عثمانی آن در سال ۱۸۵۳ شبیه است وقتی که نیکلاس اول تزار روس لقب «مرد بیمار سلطان عثمانی» را به آن اطلاق کرد و پس از آن امپراتوری عثمانی نیز فرو پاشید.

مردم ایران در سال ۲۰۱۹ بیماری مزمن رژیم جمهوری اسلامی را کشف کرده و خواستار سرنوشتی آن شده‌اند. سرنوشتی عثمانی به دولت مدرن و سکولار معاصر ترکیه تبدیل شد اما به نظر می‌رسد که در ایران سرنوشتی رژیم دینی جمهوری اسلامی ابعاد فراگیری در ایران خواهد داشت.

● **منبع: شرق الاوسط**
● **نویسنده: مصطفی فصیح**
● **ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

گرفته تا عرب‌های اهوازی در جنوب غرب ایران که اغلب آنها شیعه‌اند اما با گلوله‌های رژیم شیعه‌مدار بی‌رحمانه کشته شدند، برگزار شد.

رژیم ایدئولوژیکی که به منظور محفاظت از گفتمان دینی خود به خشونت متوسل شد به همین دلیل نقش اجتماعی و نفوذ وجدانی دینی که در ترکیب مؤلفه‌های ایرانی یک چتر جامع تلقی می‌شد را بطور کامل از بین برد. مسعود الفک کارشناس در امور ایران می‌گوید: «هویت مذهبی مشترک مردم ایران به دلیل اقدامات رژیم طی چهار دهه گذشته که به نام دین اجرا می‌شد، به کلی ضعیف شده و در مقابل ناسیونالیسم قومی که در اوایل دهه هشتاد در برابر هویت دینی بسیار ضعیف شده بود دوباره قوت گرفت.»

بنابراین توصیف وضعیت کنونی رژیم تهران به «بیمار ایرانی» با توصیف همسایه عثمانی آن در سال ۱۸۵۳ شبیه است وقتی که نیکلاس اول تزار روس لقب «مرد بیمار سلطان عثمانی» را به آن اطلاق کرد و پس از آن امپراتوری عثمانی نیز فرو پاشید.

مردم ایران در سال ۲۰۱۹ بیماری مزمن رژیم جمهوری اسلامی را کشف کرده و خواستار سرنوشتی آن شده‌اند. سرنوشتی عثمانی به دولت مدرن و سکولار معاصر ترکیه تبدیل شد اما به نظر می‌رسد که در ایران سرنوشتی رژیم دینی جمهوری اسلامی ابعاد فراگیری در ایران خواهد داشت.

● **منبع: شرق الاوسط**
● **نویسنده: مصطفی فصیح**
● **ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

گرفته تا عرب‌های اهوازی در جنوب غرب ایران که اغلب آنها شیعه‌اند اما با گلوله‌های رژیم شیعه‌مدار بی‌رحمانه کشته شدند، برگزار شد.

رژیم ایدئولوژیکی که به منظور محفاظت از گفتمان دینی خود به خشونت متوسل شد به همین دلیل نقش اجتماعی و نفوذ وجدانی دینی که در ترکیب مؤلفه‌های ایرانی یک چتر جامع تلقی می‌شد را بطور کامل از بین برد. مسعود الفک کارشناس در امور ایران می‌گوید: «هویت مذهبی مشترک مردم ایران به دلیل اقدامات رژیم طی چهار دهه گذشته که به نام دین اجرا می‌شد، به کلی ضعیف شده و در مقابل ناسیونالیسم قومی که در اوایل دهه هشتاد در برابر هویت دینی بسیار ضعیف شده بود دوباره قوت گرفت.»

بنابراین توصیف وضعیت کنونی رژیم تهران به «بیمار ایرانی» با توصیف همسایه عثمانی آن در سال ۱۸۵۳ شبیه است وقتی که نیکلاس اول تزار روس لقب «مرد بیمار سلطان عثمانی» را به آن اطلاق کرد و پس از آن امپراتوری عثمانی نیز فرو پاشید.

مردم ایران در سال ۲۰۱۹ بیماری مزمن رژیم جمهوری اسلامی را کشف کرده و خواستار سرنوشتی آن شده‌اند. سرنوشتی عثمانی به دولت مدرن و سکولار معاصر ترکیه تبدیل شد اما به نظر می‌رسد که در ایران سرنوشتی رژیم دینی جمهوری اسلامی ابعاد فراگیری در ایران خواهد داشت.

● **منبع: شرق الاوسط**
● **نویسنده: مصطفی فصیح**
● **ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

گرفته تا عرب‌های اهوازی در جنوب غرب ایران که اغلب آنها شیعه‌اند اما با گلوله‌های رژیم شیعه‌مدار بی‌رحمانه کشته شدند، برگزار شد.

رژیم ایدئولوژیکی که به منظور محفاظت از گفتمان دینی خود به خشونت متوسل شد به همین دلیل نقش اجتماعی و نفوذ وجدانی دینی که در ترکیب مؤلفه‌های ایرانی یک چتر جامع تلقی می‌شد را بطور کامل از بین برد. مسعود الفک کارشناس در امور ایران می‌گوید: «هویت مذهبی مشترک مردم ایران به دلیل اقدامات رژیم طی چهار دهه گذشته که به نام دین اجرا می‌شد، به کلی ضعیف شده و در مقابل ناسیونالیسم قومی که در اوایل دهه هشتاد در برابر هویت دینی بسیار ضعیف شده بود دوباره قوت گرفت.»

بنابراین توصیف وضعیت کنونی رژیم تهران به «بیمار ایرانی» با توصیف همسایه عثمانی آن در سال ۱۸۵۳ شبیه است وقتی که نیکلاس اول تزار روس لقب «مرد بیمار سلطان عثمانی» را به آن اطلاق کرد و پس از آن امپراتوری عثمانی نیز فرو پاشید.

مردم ایران در سال ۲۰۱۹ بیماری مزمن رژیم جمهوری اسلامی را کشف کرده و خواستار سرنوشتی آن شده‌اند. سرنوشتی عثمانی به دولت مدرن و سکولار معاصر ترکیه تبدیل شد اما به نظر می‌رسد که در ایران سرنوشتی رژیم دینی جمهوری اسلامی ابعاد فراگیری در ایران خواهد داشت.

● **منبع: شرق الاوسط**
● **نویسنده: مصطفی فصیح**
● **ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

گرفته تا عرب‌های اهوازی در جنوب غرب ایران که اغلب آنها شیعه‌اند اما با گلوله‌های رژیم شیعه‌مدار بی‌رحمانه کشته شدند، برگزار شد.

رژیم ایدئولوژیکی که به منظور محفاظت از گفتمان دینی خود به خشونت متوسل شد به همین دلیل نقش اجتماعی و نفوذ وجدانی دینی که در ترکیب مؤلفه‌های ایرانی یک چتر جامع تلقی می‌شد را بطور کامل از بین برد. مسعود الفک کارشناس در امور ایران می‌گوید: «هویت مذهبی مشترک مردم ایران به دلیل اقدامات رژیم طی چهار دهه گذشته که به نام دین اجرا می‌شد، به کلی ضعیف شده و در مقابل ناسیونالیسم قومی که در اوایل دهه هشتاد در برابر هویت دینی بسیار ضعیف شده بود دوباره قوت گرفت.»

بنابراین توصیف وضعیت کنونی رژیم تهران به «بیمار ایرانی» با توصیف همسایه عثمانی آن در سال ۱۸۵۳ شبیه است وقتی که نیکلاس اول تزار روس لقب «مرد بیمار سلطان عثمانی» را به آن اطلاق کرد و پس از آن امپراتوری عثمانی نیز فرو پاشید.

مردم ایران در سال ۲۰۱۹ بیماری مزمن رژیم جمهوری اسلامی را کشف کرده و خواستار سرنوشتی آن شده‌اند. سرنوشتی عثمانی به دولت مدرن و سکولار معاصر ترکیه تبدیل شد اما به نظر می‌رسد که در ایران سرنوشتی رژیم دینی جمهوری اسلامی ابعاد فراگیری در ایران خواهد داشت.

● **منبع: شرق الاوسط**
● **نویسنده: مصطفی فصیح**
● **ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**



تکرار شده است بدون آنکه حکومت حتی یک شاهد برای ادعاهای خود عرضه کرده باشد.

کسانی که هر دو بیانیه را امضا کرده باشند (چون بسیاری هیچیک را تکذیب نکرده‌اند) موج‌سواران قابل‌هستی چون حرف‌هایی زده‌اند که هر دو جناح و «بیت رهبری» را در هر دو بیانیه راضی می‌کنند در عین آنکه به مبانی ایدئولوژیک اصلاح‌طلبی در چارچوب نظام اسلامی وفادار می‌مانند. ایندسته از اصلاح‌طلبان می‌دانند که بقای آنها در نظام سیاسی و بهره‌گیری آنها از امتیازات و رانت‌ها وابسته به تداوم حکومت است. کسانی که برای اعتراض به خیابان می‌آیند هیچ نسبتی با اصلاح‌طلبان ندارند و به آنها نیز مانند بقیه‌ی قشر حاکم نگاه می‌کنند. تنها سلب‌بیتی‌ها و رانت‌خوران خود را به اصلاح‌طلبان نزدیک می‌کنند.

اصلاح‌طلبانی که همانند سه گروه فوق فکر نکنند و معتقد باشند که «ریشه و بستر اعتراضات اخیر را باید در فساد، تحقیر، تبعیض و نابرابری حاکم جستجو کرد نه در آنسوی آب‌ها» و برخورد حکومت را سرکوب بنامند (مهدی کروی) یا معتقد باشند سرکوب‌ها «برخورد خشن و خونین با مردمی خشمگین و فرودستانی جان به لب رسیده است» که در اعتراض به یک تصمیم غیرمعمول کاسبکارانه و مخالف منافع اقشار مستضعف، و زخم خورده از سیاست‌های خانمان برانداز به خیابان‌ها آمده بودند» (میر حسین موسوی) جایشان در زندان و حصر است.

اشتراکات این سه رهیافت

اصلاح‌طلبان رهیافت‌های گوناگونی برای واکنش به اعتراضاتی که با آنها غریبه هستند اتخاذ کرده‌اند اما در سه موضوع با هم اشتراک دارند: ۱. حکومت حق انحصاری برای



قرار نیست «چیزی» باقی بماند

اصلاح‌طلبان ایدئولوژیک: معلق می‌زنند

کسانی که اصلاح‌طلبی را به عنوان ایدئولوژی خود انتخاب کرده و از آن در هر شرایطی روی نمی‌گردانند نخست‌نامه‌ای با امضای ۷۷ اصلاح‌طلب منتشر کردند

میدان آمده و مردم را به مشارکت دعوت می‌کند. سوالی که وی باید پاسخ دهد این است که در ازای مشارکت در «بیعت»‌های حکومتی چه چیزی غیر از گلوله و فساد نصیب مشارکت‌کنندگان شده است. **اصلاح‌طلبان نوستالژیک: علیه**

دیگر این است که بگوییم توطئه خارجی نبوده و مردم از یک تصمیم ناراحت شده‌اند و آمده‌اند کاری کرده‌اند. این هم شکست نیروهای امنیتی است. چون نیروی امنیتی باید به‌موقع نبض جامعه را بگیرد. او متوجه نیست که نیروهای امنیتی

او همانند فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اعضای قرارگاه «عمار» دخالت رهبر در سرکوب را می‌ستاید: «در چنین شرایطی [فاجعه‌ی اقتصادی در صورت تداوم وضعیت فعلی] چنانچه رهبری در روز یکشنبه به ماجرا ورود نمی‌کرد

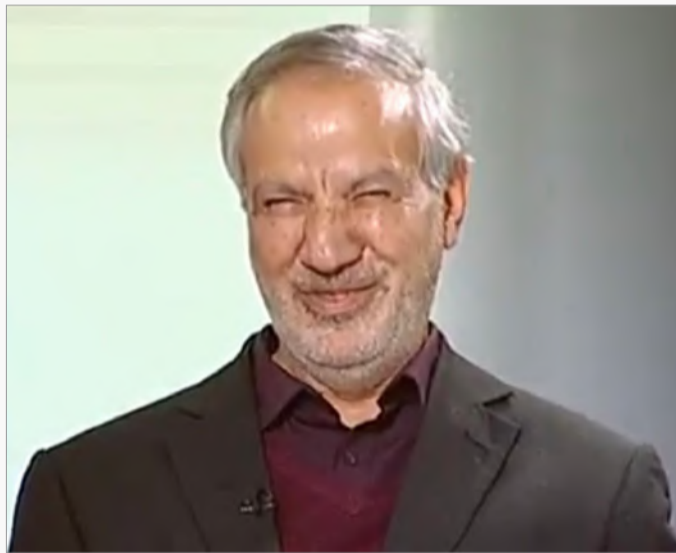
● اصلاح‌طلبان از سقوط حکومت در اعتراضاتی مثل آبان ۱۳۹۸ شدیداً نگرانند. ● خاتمی چنان تسلیم می‌گوید که گویی جانباختگان در تصادف رانندگی یا سیل کشته شده‌اند و حکومتی به نام جمهوری اسلامی وجود خارجی ندارد.

● عشق برخی از اصلاح‌طلبان به نظام در مواجهه با کسانی که خواهان براندازی نظام مطلوب و دست‌پخت آنها هستند تشدید شده است. ● اصلاح‌طلبان می‌دانند که بقای آنها در نظام سیاسی و بهره‌گیری آنها از امتیازات و رانت‌ها وابسته به تداوم حکومت است. ● مقامات بالاتر برای حفظ نظامی که عمرش بسر آمده چاره‌ای جز سرکوب ندارند.

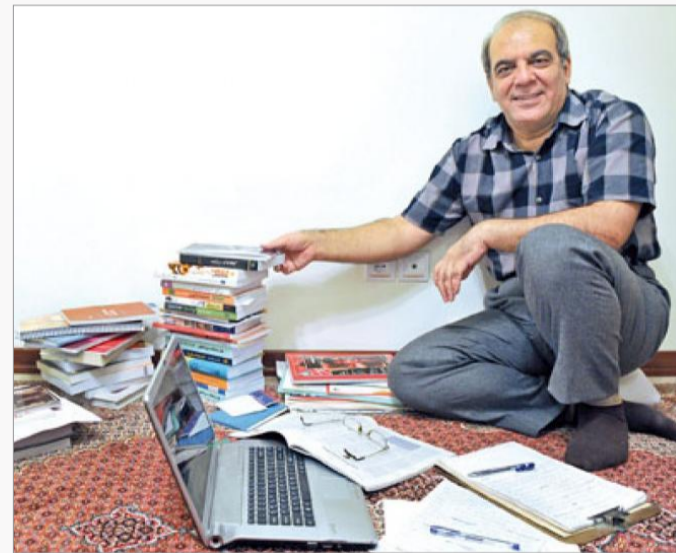
مجید محمدی - در هفته‌ی اوج اعتراضات و سرکوب‌های آبان ۹۸ سران مافیایی اصلاح‌طلبان (مجمع روحانیون مبارز و احزاب فولکس واگنی آنان) عموماً ساکت بودند. اما بعد از اینکه مطمئن شدند عرصه‌ی خیابان در اختیار اعضای بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و لباس‌شخصی‌هاست موضع‌گیری را آغاز کردند. ترس آنها از موضع‌گیری از اینجاست که می‌دانند سطح نارضایتی تا کجاست و حکومت تا چه حد ضعیف شده اما دل‌مشغولند که اگر حکومت سقوط کرد گریبانشان گرفته نشود و بتوانند به سرعت پرچم حکومت بعدی را بلند کنند.



مهدی کروی



عطاءالله مهاجرانی



عباس عبدی

اعمال خشنوت دارد در عین آنکه چهل سال است از این حق مورد ادعا سوء استفاده کرده و ارادتل و اوباش را در مقام اجرای این امر قرار داده است؛ معلوم نیست این حق انحصاری در کجا نقض می‌شود: اگر سبید کشته کافی نیست پانصد هزار چطور است؟ (کاری که بشار اسد کرده است)؛ آنها بسیج و سپاه را نه نیروی سرکوب بلکه حافظان نظم و امنیت کشور می‌دانند.

۲. مردم برای رفتار سیاسی باید خود را با یکی از دو جناح هماهنگ کنند و زیر عبا و عمامه قرار گیرند و اگر چنین نکنند از امریکا و اسرائیل و عربستان سعودی خط می‌گیرند. ۳. آنها پس از برخی «بیعت»‌ها خود را پیروز میدان معرفی می‌کنند اما وقتی نوبت به پاسخگویی می‌رسد خود را بیکاره معرفی می‌کنند. آیا آنها سهمی در سیاست‌های نادرست حکومت دارند یا نه؟!

که سرکوب معترضان را محکوم می‌کرد، تعقیب کیفری آمران و عاملان تیراندازی به‌سوی مردم را طلب می‌کرد و خواستار مذاکره برای رفع تحریم‌ها بود. اما پس از چند روز بخشی از آنها در بیانیه‌ای مواضع خود را تغییر داده یا تعدیل کردند: از تصمیم دولت (با برخی انتقادات در روش اجرا) حمایت و از مواضع حکومت در نسبت دادن معترضان به خارج پشتیبانی کردند. بیانیه‌ی دوم، خشنوت معترضان را محکوم می‌کرد اما به تیراندازی نیروهای حکومتی از روز اول اشاره‌ای نداشت. همچنین حق اعتراض را محترم می‌شمرد اما حتی در حد برخی از سران اصولگرا این پرسش را مطرح نمی‌کرد که معترضان چگونه و کجا می‌توانند اعتراض خود را بیان کنند. در بیانیه‌ی دوم هم‌هی ادعاهای مقامات امنیتی (مثل اسلحه داشتن معترضان و نقش عربستان سعودی)

هرگونه براندازی

مواضع عطاءالله مهاجرانی در مورد اعتراضات ۹۸ گرچه تهوع‌آور است اما حداقل مواضع بخشی از اصلاح‌طلبان خارج از کشور را حکایت می‌کند که وضع موجود را مناسب‌تر از هرگونه آلترناتیو برای آن می‌دانند و نفرتی عمیق به باورمندان به براندازی دارند. آنها در ایران زندگی نمی‌کنند تا دفاع کریه‌شان از نظام را به باور عمیق‌شان به اسلام سیاسی نسبت دهیم. به نظر می‌آید که عشق آنها به نظام در مواجهه با کسانی که خواهان براندازی نظام مطلوب و دست‌پخت‌شان هستند تشدید شده است چون از دوره‌ی بهره‌مندی از امتیازات خودی بودن خاطرات خوشی دارند یا هنوز از آنها بهره‌مند می‌شوند. تفاوت مهاجرانی و عبدی در تلاش برای مجیزگویی از رهبری نیست بلکه در نقطه‌ای است که از آنجا برآز نظر می‌کنند.

نبض جامعه را می‌گیرند و نتیجه را به مقامات بالاتر گزارش می‌کنند اما مقامات بالاتر برای حفظ نظامی که عمرش بسر آمده چاره‌ای جز سرکوب ندارند. او نظام سرکوبی را می‌خواهد که بدون هزینه سرکوب کند که غیرممکن است.

محمد خاتمی را نیز می‌توان در همین مقوله‌ی اصلاح‌طلبان عملگرا قرار داد. او بدون محکوم کردن خشنوت عریان حکومت به کسانی که عزیزانشان را از دست داده‌اند تسلیت گفته است: «عمیقاً از جان باختن عده‌ای از هموطنانم متأسف و دردمندم و به مردم ایران تسلیت می‌گویم.» او چنان تسلیت می‌گوید که گویی جانباختگان در تصادف رانندگی یا سیل کشته شده‌اند و حکومتی به نام جمهوری اسلامی (یادگار امام) وجود خارجی ندارد. این البته موضع‌گیری مورد انتظار از کسی نیست که در هر انتخابات به

هیچ چیز باقی نمی‌ماند.» این دسته از اصلاح‌طلبان بعد از اعتراضات سال ۸۸ که به صورت فله‌ای بازداشت و محاکمه شدند بدینجا رسیدند که در آغوش «نظام» جای بگیرند تا بتوانند همچنان در سیاست دخیل باشند و موضع بگیرند. عباس عبدی از کسانی است که این موضوع را به خوبی درک کرده. وقتی او از «چیز» سخن می‌گوید منظورش مجموعه‌ی نهادها و منابعی است که در دست وفاداران به حکومت و روحانیت شیعه قرار دارد. معلوم نیست او چرا فرض می‌کند این «چیزها» باید تا ابد در دست قشر حاکم باقی بماند.

نکته‌ی بسیار جالب در سخنان عبدی به عنوان یک عملگرا اشاره‌ی وی به شکست نهادهای امنیتی در مواجهه با این اعتراضات است: «اگر این وقایع را توطئه بدانیم پس اعتراف به شکست دستگاه‌های اطلاعاتی ماست... یک احتمال

آنها نمی‌خواستند مثل سال ۹۶ در همان روزهای سرکوب، برای نهادهای امنیتی و نظامی و شبه ظامی کف بزند بلکه تصمیم گرفتند بعد از سرکوب برای سرکوبگران هلهله کنند.

در میان مواضع اصلاح‌طلبان سه موضع‌گیری جلب توجه می‌کند که آنها را تحت اصلاح‌گرایی عملگرایانه، اصلاح‌گرایی نوستالژیک و اصلاح‌گرایی ایدئولوژیک طبقه‌بندی کرده و موضع آنها را در مورد اعتراضات توضیح می‌دهم.

اصلاح‌طلبان عملگرا: سرکوبگری نجات‌بخش

اصلاح‌طلبان در سیر تحول به عملگرایی از باور ابتدایی به «بن‌بست رهبری» در عرض دو دهه به نجات‌بخش بودن دخالت رهبر رسیده‌اند و این تنزل بسیار شگفت‌انگیزی است. عباس عبدی معرف خوبی برای این تنزل است.